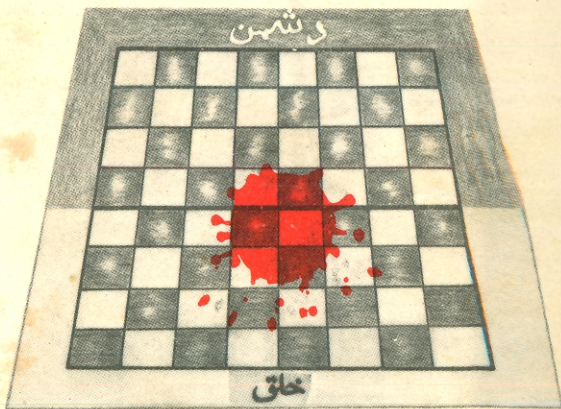
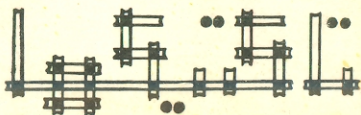


و



فونشته مجاهدین خلق ایران

تابستان ۱۳۵۳

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org



سازماندهی و تاکتیکها

از انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران
تابستان ۱۳۵۳

- ۷ مقدمه
- سازماندهی و اهمیت حل مسائل تاکتیکی جنبش /
وحدت میان سازماندهی و استراتژی مبارزه /
ضعفهای تاکتیکی جنبش و وظائف اساسی ما
- ۱۹ سازماندهی
- سازماندهی به شکل دانه تسبیحی / سازماندهی به شکل
همته های سه نفری / سازماندهی تیمی / کم کردن
ارتباطات / بالا بردن کیفیت سیستم اعلام خطر /
ارتباط کادر مخفی علنی یک نقطه ضعف مهم / قطع
کانالهای ارتباطی گذشته / قرارها
- ۴۲ قرار
- انواع قرارها / قرارهای بین تیمی / قرار با عناصر
پشت جبهه و سمپاتها / قرار با افراد در حال
عضوگیری و تازه کار / قرار ثابت / ضوابط کلی /
نکات امنیتی / محل / شیوه های اجرا / زمان / هنگام
اجرای قرار چگونه باید رفتار کنیم؟ / چه اعمالی امنیت
ما را هنگام اجرای قرار بیشتر میکند؟ / قرارهای
مشکوک و قرارهای عادی

- ۶۰ خانه
خانه تیمی / تهیه خانه / مشخصات خانه / مسائل
امنیتی / خانه تکی / خانه سمپات
- ۷۴ مدرک
اصول کلی / رد و بدل کردن / حمل / نگهداری
- ۸۰ اصول سازمانی
اصول مخفی کاری / خانواده / دوستان و همکاران
عناصر رژیم
- ۹۴ سیستم پلیسی دشمن
سازماندهی ارگانهای پلیسی رژیم برای سرکوب
مبارزه مسلحانه شهری / سازماندهی کمیته / اکیپهای
تعقیب و مراقبت / شیوه های مقابله با سازماندهی
و تاکتیکهای جدید سرکوب رژیم /
نفوذ عناصر دشمن در بین گروهها از طریق شبکه
- ۱۱۱ مادر
- ۱۱۵ دیاکرام و شرح سازمان مادر

سازماندهی و اهمیت حل مسائل تاکتیکی جنبش

سازماندهی عبارتست از شکل بندی، انتظام اجزاء و آرایش و تعیین مواضع دقیق نیروها و امکانات در یک سیستم یا در یک مجموعه ارگانیك، بطوریکه آن سیستم یا مجموعه ارگانیك بتواند بهترین بازده ممکن را در جهت تحقق هدفها و اجرای وظائف تعیین شده امکانپذیر سازد.

" سازماندهی دانش ماست. " بدین جهت نمیتواند بدنبال یا حتی همگام سایر شاخه های دانش انقلابی پیش رود، بلکه باید همیشه یک گام جلوتر از دانش سیاسی - نظامی - ایدئولوژیک حرکت کند. همینطور یک اصل معروف قدیمی در علم نظام میگوید :

" اول سازماندهی کن بعد خود را بساز و آنگاه دست به عمل بزن "

در واقع و در یک کلام سازماندهی متناسب، همان حل صحیح تضاد بین قالب و محتوی در یک مجموعه ارگانیك اجتماعی است. حل صحیح این تضاد را ما در پدیده های طبیعی که خود محصول تکامل جبری ماده هستند، بخوبی میبینیم. از دانه گیاه گرفته تا عالیتسریں ارگان موجودات زنده، شکل و قالب آنها متناسب با نقشی که هر یک

از این پدیده ها بعهدہ گرفته اند و متناسب با هدفیکہ دنبال میکنند ، صورت بندی شده است .

پدیده های اجتماعی نیز از این قانون مستثنی نیستند . یک سیستم یا مجموعه اجتماعی وقتی میتواند بہدفعہ مشخص خود نائل آید کہ توانستہ باشد قبلا آن پوستہ یا قالب متناسبی را کہ اجزاء آن مجموعه را در شکل بندی خاص خود بہ بہترین نحوی بسمت هدف توجیہ میکند ، کشف کردہ باشد . بدین ترتیب ، سازماندهی یک سازمان انتفاعی صنعتی یا تجاری ، یک سازمان یا حزب علنی سیاسی و سازماندهی یک سازمان سیاسی - نظامی مخفی ، ہمگی بدلیل همان اختلاف در محتوی و هدف تعیین شدہ آن ارگان (مثلا سود در سازمان انتفاعی تجاری ، مبارزہ پارلمانی در سازمان یا حزب سیاسی علنی و مبارزہ قہرآمیز در یک سازمان سیاسی - نظامی مخفی) از ہم مستقل بودہ و با ہم اختلاف دارند . همینطور ارتش یا یک سازمان نظامی نمیتواند بہ پیروزی نائل آید مگر آنکہ متناسب با هدفہائیکہ در آن مرحلہ برای خود تعیین کردہ است ، مثلا حملہ یا دفاع ، تدارکات یا آموزش ، سازماندهی یا آرایش قوای لازم را متناسب با آن هدف بوجود آوردہ باشد . بدینجہت فرماندہان پیروز ہمیشہ سازمان دہندگان بزرگی نیز بودہ اند .

وحدت میان سازماندهی و استراتژی مبارزه

اکنون این سؤال مطرح میشود که رابطه بین محتوای سیاسی - نظامی مبارزه و قالب یا سیستم دربرگیرنده آن در جریان یک نبرد انقلابی چگونه تعیین میشود؟ آیا سازماندهی یک مبارزه اجتماعی امریست تجربی و قوانین آن فقط در جریان گذراندن یک پروسه مبارزاتی توأم با یک سلسله شکستها و پیروزیها بدست میآید و یا نه برعکس، زائیده فکر خلاق انقلابیون و ابتکارات نوین مبارزین است؟ آیا عناصر و لوازم سازنده آن قبل از آنکه در جهان خارج موجود باشد، در ذهن ما ساخته میشود و یا اینکه این صرفاً جریان عمل و تجربه ماست که منجر با ایجاد آنها میگردد؟

بنظر ما درست است که عمل و تجربه، خود بهترین محرک و معیار شناخت فشار مهروود و در جریان شکستها و پیروزیهای یک مبارزه است که جمعبندی و کشف قانونمندیهای حاکم بر آن امکانپذیر میشود و همچنین این درست است که اندیشه خلاق و ابتکارات نوین مبارزین نقش مهمی در پیشبرد هدفهای سیاسی و انقلابی ایفا میکند، اما آنچه در اینجا تعیین کننده است و پل ارتباطی میان این عوامل مؤثر خواهند افتاد، درک عمیق و کشف رابطه شخصی است که در هر مرحله از تاریخ مبارزات و در هر مرحله از شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی یک جامعه، بین هدفهای استراتژیک یک سازمان یا حزب

و تاکتیکها یا سازماندهی آن برقرار می باشد . بنابراین اگر قبول داشته باشیم که هدفهای استراتژیک يك سازمان انقلابی همان محتسواى روضى آن سیستم مبارزه را تشکیل میدهند و همچنین اگر قبول داشته باشیم که این هدفها تنها و تنها وقتى در رابطه با يك سلسله عوامل اقتصادى - سياسى - فرهنگى و اجتماعى و شروط به عناصر تاريخى سازنده آن شرائط تعیین شوند میتوانند پاسخ صحیحى بضروریات تکامل جامعه باشند ، پس طبیعتاً و بالاچار باید قبول کنیم که پوسته قالب و یا بعبارت دیگر سازماندهی چنین ارگانى نیز محصول طبیعى همان پروسه تاريخى است که هدفهای استراتژیک ما قبلاً در جریان رشد و حرکت آن و متناسب با سلسله علل زیربنائى و روبنائى مربوط بآن معین شده بودند .

بدین ترتیب بین هدفهای استراتژیک يك سازمان انقلابى و سازماندهی آن يك انسجام و همبستگی مشخص دیاکتیکی موجود است ، بطوریکه هرگاه هدفهای استراتژیک (محتوای روضى سازمان) بدنبال تفسیر و تحلیل صحیحى که از شرائط اجتماعى - تاريخى - اقتصادى و سياسى میشود ، تعیین شده باشند ، بناچار و بطور طبیعى سیستم دربرگیرنده این هدفها یا به بیان دیگر شرایط سازماندهی متناسب با آن نیز فراهم گشته است . از همین جابلافاصله میتوان نتیجه گرفت که هرگاه در انتخاب هدفهای صحیح استراتژیک دچار اشتباه شده باشیم و این هدفها با درك صحیحى از ضروریات

تاریخی - اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جامعه منطبق نباشد، هیچ سازماندهی متناسبی که بتواند در مقابل تهاجم متمرکز دشمن ایستادگی کند، وجود ندارد و یا بعبارت روشنتر، در عبور از یک کانال اشتباه آموختن استراتژیک، هر حرکت تاکتیکی هر چند که بامهارت انتخاب شده باشد، در مجموع محکم بشکست است. در حالیکه بسیار اتفاق افتاده است که وقتی هدفهای استراتژیک (۱) به طور صحیح و بدقت انتخاب شده باشند، اشتباهات تاکتیکی، از جمله

۱- در اینجا، مراد ما از استراتژی همان خط مشی کلی مبارزه است. روشن است که در کادر استراتژی کلی مبارزه، مثلاً مبارزه مسلحانه در شرایط فعلی جامعه ما، هدفهای مرحله‌ای جنبش نیز سازماندهی خاص خود را میطلبند. همانطور که مثلاً تثبیت سیاسی - نظامی جنبش و سازمان چریکی پیشتاز و بسیج سیاسی مردم و توده‌ای کردن مبارزه در مرحله متمایز استراتژیک را در کادر خط مشی کلی مبارزه مشخص میسازد، تاکتیکها و سازماندهی هر مرحله نیز ملزومات و ضروریات و اشکال خاصی را ایجاب مینماید که در واقع از همان هدفهای مرحله‌ای تبعیت مینماید. مثلاً در مرحله تثبیت سیاسی - نظامی سازمان چریکی پیشتاز، سازماندهی بر اساس آموزش سیاسی - نظامی کادرها، بالا بردن سطح تجربه تاکتیکی سازمان و شناساندن آن به توده‌های مردم انجام میگیرد و در این مرحله مسئله پرداختن به پشت جبهه و سازماندهی بر اساس آن فوجی و تابعی از هدفهای اساسی است، در حالیکه در مرحله بسیج سیاسی توده‌ها و توده‌های کردن مبارزه، این امر شکل اساسی‌تری بخود میگیرد و در سازماندهی کلی سازمان، نقش مهمتری ایفا میکند.

اشتباه در امر سازماندهی ، اگر چه منجر به تحمل ضربات هولناکی خواهد شد ولی قابل جبران هستند (ضربات سال ۵۰) .

نتیجه آنکه از نظر تئوریک ، بطور مجمل از مسئله سازماندهی بیک انتزاع یا تجرید علمی (درست همانند انتزاعی که در مورد خط مشی کلی مبارزه وجود دارد) دست مییابیم که فارغ از هرگونه تمایل یا اراده فردی و گروهی ، قوانین مستقل خود را با عرضه میکند . یعنی همانطور که مثلا امروز استراتژی مبارزه مسلحانه در شرائط فعلی جامعه ما مستقل از اراده و نظر افراد و گروهها بعنوان یک ضرورت تاریخی - اجتماعی - اقتصادی پذیرفته میشود (و در واقع ضرورت خود را تحمیل میکند) ، سازماندهی متناسب با آن و مقدم بر این سازماندهی ، عناصر و لوازم اصلی سازند آن ، در متن اجتماع و مستقل از نظرات و اراده افراد و گروهها بظهور خواهد رسید (۱) . مثلا

۱- این درست است که مسائل مربوط به سازماندهی یک حزب یا سازمان انقلابی در سطح تمامی جنبش و در مقابل تمامی نیروهای رژیم ، همانطور که گفته شد ، ماهیتا با امر تنظیم و بسیج نیروها در فرد یا حتی یک گروه سیاسی متفاوت است ، اما این بدان معنی نیست که ما مسئله سازماندهی را کلا از بسیج کامل و صورتبندی صحیح نیروها در فرد یا افرادی از مجموعه یا ارگان برکنار میدانیم ، بلکه برعکس این وظیفه هر عنصر تشکیلاتی است که در محدوده هدفها ، مسائل و مسئولیتهای تشکیلاتی ، به سازماندهی نیروهای درونی و امکانات بالقوه و بالفعل خویش بپردازد (تاثیر متقابل بسیج سازمانی و بسیج فردی در یک تشکیلات) .

روشن است که از نظر تاریخی ، استراتژی مبارزه مسلحانه نمیتواند از محتوی و مضمون مبارزات ضد امپریالیستی و ضد استعماری خلق ما در ادوار مختلف تسلط استعمار و امپریالیسم جدا باشد و حتی بخشی میتوان رابطه بین مبارزه سالهای ۵۰ را مثلا با نهضت ملی کردن نفت یا مبارزات سالهای ۴۰ احزاب ملی دقیقا روشن کرد . بهمین ترتیب و مطابق آنچه گفته شد ، تاکتیکها و عناصر تشکیلاتی (سازماندهی و تجربیات سازمانی) مبارزه فعلی را نیز باید نتیجه تکامل و حرکت دیالکتیکی تاکتیکها و اشکال و سیستمهای مبارزاتی همسان دوران دانست .

درک این مطلب بعدا بما کمک خواهد کرد که دریا به چه گونه علیرغم غنای سیاسی و محتوی و مضمون و الای مبارزات خلق ما در طول تاریخ حیاتش ، بعلمی که عمدتاً به ضعف سیستم رهبری بر میگردد ، نتوانسته ایم شیوه های تشکیلاتی کار و سازماندهی و تاکتیکهای مبارزه را همای آمادگی درونی توده ها و مضمون عالی مبارزه آنها ارتقا دهیم . ضعفهای تاکتیکی و از هم گسیختگی تشکیلاتی سازمانهای و احزاب مبارزی مانند جبهه ملی اول (دوران دکتر صدق) ، حزب توده و سازمانهای مخفی سالهای بعد از کودتای ۲۸ مرداد و مبارزات سالهای ۴۰ که عمدتاً نه بدلیل نبودن شرایط انقلابی ، بلکه بدلیل ضعف رهبری و از هم گسیختگی تشکیلاتی محکم شکست شدند نمونه های بسیار مناسبی هستند که ضعفهای تاریخی ما را در امر

ضعفهای تاکیکی جنبش و وظائف اساسی ما

قبل از جنبش پریکی سالهای اخیر، آخرین تجربه مبارزه مسلحانه در ایران دقیقاً به ۵۰ سال پیش، یعنی مبارزات جنگل محدود میشود (جنبش عشایر فارس و کردها را که مقولهای ملی است و تجربه اثر عمده تاد همان سطح منطقه قابل بررسی است، مستثنی میکنیم). این بی تجربگی تاریخی در کار ضعفهای تشکیلاتی سازمانهای سیاسی گذشته، وقتی با سرکوب آگاهانه و هدایت شده هسته مرکزی گروههای مبارز از طرف دشمن، در طی بیش از ۲۰ سال همراه شود، میتواند امکان هرگونه انتقال تجربه را (چه در سطح سازمانهای مبارز موجود و چه از تجربیات مبارزات گذشته) در سطح جنبش منتهی سازد. در حالیکه امپریالیسم با جمعبندی آخرین درگیریهای ضد انقلابی خود در جریان مقابله طولانی اش با مبارزات مسلحانه خلقهای زحمتکش سراسر جهان و کشف و تعمیم قانونمندیهای ضد انقلابی حاکم بر این درگیریها در کشورهای زیر سلطه، توانسته است بدست آوردهای فراوانی از تجربیات و پیشگیریهای ضد انقلابی نائل آید. این عدم توازن تجربه درد و قطب مخالف، بخصوص وقتی با نوین ترین شکل مبارزه مسلحانه یعنی جنگ چریکی شهری نیز

مواجه باشیم ، منجر به بحرانها و عدم تعادل‌های تاکتیکی در سازمانهای چریکی پیشتاز خواهد شد (۱) که تنها با کشف متقابل قانونمند پهای این شکل مبارزه و ابداع و ابتکارات نوین در جبهان نبرد و نهایتاً پیشی گرفتن تجربه سازمانهای پیشتاز از تجربیات دشمن ، قابل حل است . منتهی همانطوریکه قبلا بحث شد ، ادامه بقا و امکان رشد و توسعه مجدد سازمانهای پیشتاز ، صرفنظر از جبران ضعفها و اشتباهات تاکتیکی اش ، تنها وقتی امکانپذیر است که استراتژی جنبش بدرستی تعیین شده باشد .

ما اکنون توانسته ایم علیرغم ضربات کوبنده سالهای ۵۰ همچنان بر پای خود بایستیم . آنچه که این ایستادگی را با واقعیت امیدهای درخشان و تابناک آینده جنبش مسلحانه ایران پیوند میدهد ، همانا حقانیت استراتژی مبارزه مسلحانه و ایمان و اعتقاد خلل ناپذیر سازمانهای پیشتاز در اجرای وظائف ناشی از پذیرش آنست . به دنبال درک چنین وظائفی است که لزوم حل مسائل تاکتیکی مبارزه ، متناسب با هر مرحله مشخص استراتژیک و در این مرحله حل مسئله سازماندهی و آموزش کادرها ، حل مسئله جمع بندی و انتقال تجربیات در سطح جنبش ، یعنی در واقع حل مسئله عدم توازن بین تجربیات ما و دشمن

۱- ضربات کوبنده ای که سازمانهای پیشتاز مسلح در نیمه دوم سال ۴۹ و تمام سال ۵۰ متحمل شدند ، از همین ضعف تاکتیکی جنبش نشأت میگرفت .

و تبدیل که بالای آن به گه سنگینتر، بخاطر تحکیم و تثبیت سازمان
 درونی جنبش، از وظائف درجه اول سازمانهای پیشتاز قرار میگیرد.
 جزوه ای که بنظر خواهد رسید، کوششی است در جهت پاسخ
 به جزئی از نیازهای حیاتی که جمع بندی و انتقال تجربیات تاکتیکی
 را در سطح جنبش هر چه لازمتر و ضرورتر میسازد. این تجربیات
 ساده بدست نیامده اند. اگر چه شاید بعضی از آنها ظاهری
 ساده و حتی بسیار بدیهی داشته باشند، اما آن کسی که در این سه
 سال گوشه چشمی هم بصحنه خونین نبرد مسلحانه ما و دشمن
 تجاوزگر، یعنی رژیم دست نشانده شاه خونخوار انداخته باشد،
 بخوبی میفهمد که در پسر هر تجربه ای، قطره خونی و در پسی هر
 گفته ای، آتش سوزنده ای نهفته است.

کم بها دادن باین تجربیات، که تنها در جریان عمل
 مشخص انقلابی قابل درک و فهم هستند، در واقع بی اعتنائی بخون
 پاک رزمندگان است که در تاریکترین لحظات تاریخ حیات ملت ما،
 همچون خورشید درخشیدند تا راه پرشکوه انقلاب خلق را روشنی
 بخشند. کم بها دادن بجان عزیزان و یاران همزمی است که در
 دخمه های جلادان شاه جنایتکار، این مزدوری چون و چسرای
 امپریالیستهای آمریکائی، با سارت کشیده شده اند و قهرمانانه در
 مقابل قدرت چهارزانه ایستادند و سر تسلیم و رضا فرود نیاموردند.

اینها همگی دینی است بگردن ما و به گردن هرکسی که
لحظه ای اندیشیدن بآزادی این ملت از قید هرگونه بهره کشی
و ستم ، قلبش را بلرزه در میآورد و شور و عشق و حرکت را در رگهایش
میدواند .

جاهدین خلق ایران

تابستان ۱۳۵۳

سازماندهی

بعلت حاکمیت پلیسی بعد از سال ۳۲ ، فعالیت سیاسی عمدتاً بشکل زیرزمینی بحیات خود ادامه داد (نهضت مقاومت ملی و ۰۰۰) و غیر از یک دوره دو ساله (۳۱ تا اواخر ۴۱) که برخی سازمانهای سیاسی ملی امکان فعالیت علنی یافتند ، در بقیه ادوار این تنها شکل حاکم فعالیتهای سیاسی در ایران بشمار میرود . اشکال مختلف سازماندهی را که در این ادوار متناسب با مراحل رشد و تکامل جنبش بوجود آمد ، میتوان در سه شکل کلی کلاسه کرد . البته این بدان معنی نیست که تنها این سه شکل در سازمانهای سیاسی مخفی پیاده شده است ، بلکه ما تنها از نقاط گره و نقاط ممیزه ای که یک شکل را از شکل دیگر کاملاً جدا میکند ، اسم میبریم و الا در فاصله هر یک از این اشکال ، سازمانهایی بوده اند که در واقع مسدود تغییرات کمی یک مرحله را بمرحله کیفیتاً متفاوت بعد ، پر میکرد ماند . باز هم لازم بتذکر است که ما در این جا فقط بطور خلاصه بذکر اشکال مختلف سازماندهی تیمهای مختلف میپردازیم و از پرداختن به سیر تاریخی آنها و رابطه این اشکال با محتوای سیاسی هر مرحله کاملاً خودداری میکنم . در واقع آنچه که ذکر میشود ، فقط اشاره ای است بآنچه در گذشته بوده تا بتوانیم هر چه بیشتر اصول کلی

سازماندهی تیمهای نظامی - سیاسی را که در اینجا مدنظر داریم، روشن گردانیم.

بطور کلی از سه شکل مشخص سازماندهی میتوان نام برد :

۱- سازماندهی بشکل دانه تسبیحی

۲- سازماندهی بشکل هسته های سه نفری

۳- سازماندهی بشکل تیمهای سیاسی - نظامی شهری

۱- سازماندهی بشکل دانه تسبیحی

در این شکل، افراد مانند دانه های تسبیح بیکدیگر متصل میگردند. در واقع این شکل سازماندهی، همان شکل سازماندهی خود بخود است که عموماً در محفلهای مقدماتی روشنفکری انتخاب میشود. فرد رابط بطور جد آگانه با افراد دیگر تماس برقرار میکند و آنان نیز بنوبه خود جد آگانه با افراد دیگر تماس برقرار میکنند. در این شکل، گروه فاقد یک استراتژی یا تاکتیک مشخص است. معایب عمده آن عبارتند از :

الف- عدم امکان برقراری مرکزیت

بعلت پراکندگی افراد و وضع ارتباطات نامشخص و نامنظم برقراری

مرکزیت دچار اشکال میگردد. در نتیجه :

۱- امر آموزش بشدت دچار اختلال میگردد.

۲- جمعبندی تجربیات و انتقال مجدد آنها بکارها عملاً غیر

ممکن میگردد .

۳- تصمیمات مرکزیت (اگر موجود باشد ، چون در شکل‌های ابتدائی حتی مرکزیت هم موجود نیست) تا بلعزای پائین برسد ، تغییرات زیادی پیدا میکند . حتی ممکن است تحریف شده و در نتیجه اعضا نمیتوانند اعتماد اولیه را نسبت به سازمان داشته باشند .

۴- بعلت پراکندگی و عدم امکان اعمال مرکزیت قوی ، تشخیص انحرافات و ضعفهای افراد بسیار دشوار مینماید . از یک طرف امکان رشد و تسلط افکار ارتجاعی و اپورتونیستی در سازمان پدید می‌شود و از طرف دیگر منافذ فراوانی برای رسوخ پلیس‌بانی میگذارد . بدین ترتیب اشخاص بدون صلاحیت میتوانند سرنوشت سازمان را در دست گرفته و ضربات مهلکی بر آن وارد سازند .

ب- عدم تحرك كافی

بعلت پراکندگی و عدم تلفیق مسئله مرکزیت با دموکراسی و استقلال کادرها در محدوده خطوط کلی سیاست درون تشکیلاتی ، سازمان از تحرك كافی برخوردار نیست . این عدم تحرك چه از نظر سیاسی (موضعگیری مناسب در مقابل حملات سیاسی یا تبلیغاتی رژیم) و چه از نظر پلیسی و تاکتیکی بشدت به چشم می‌خورد ، بطوریکه گروه از یک طرف از نظر سیاسی همواره چند گام بدنبال حوادث حرکت میکند و از طرف دیگر امکان میدهد که پلیس بسوخت در تمام سطح نفوذ کرده و چه بسا تمام سازمان در زمان بسیار کوتاهی با سارت پلیس در بیاید .

این امر بخصوص بعلمت عدم امکان پیشگیری قوی سازمان در مقابل نفوذ یا حمله پلیس و همچنین عدم اطلاع از واقعیت و موقعیت افراد خود شدت میگیرد •

ج - ضربه پذیری

بهمان دلائلی که در فوق بآن اشاره شد ، ضربه پذیری در این شکل سازماندهی بالاترین درجه را اشغال میکند • ممکن است در این شکل يك محفل چند نفری برای مدتی بتواند فعالیت سیاسی کند اما در يك گروه کفایت ضربه ای بیک جزء کوچک وارد شود تا پیوند و همبستگی گروه مانند رشته تسبیحی که بندش پاره شده باشد ، بهم بخورد •

نتیجه آنکه در این شکل سازماندهی ، نرم با محتوی در تضاد میافتد • هدف سازمان جلو رفتن در جهت خط مشی و تحقق برنامه های آموزشی در داخل سازمان و کسب تجربه و بینش سیاسی است ، اما شکل سازماندهی مانند سد محکمی مانع حرکت و پیشرفت میشود • اغلب گروههایی که تا سال ۴۸ لورفته اند هنوز در همین مرحله بسر میبرند و نتوانسته بودند سازماندهی خودشان را از این شکل کیفیتاً ارتقا دهند • گروههای جزئی (۴۶) ، راد (۴۷) ، فلسطین (اسفند ۴۸) ، لشکری (فروردین ۴۹) از معروفترین گروهها در بین دهها گروه دیگر هستند که در همین شکل سازماندهی لورفته اند •

۲- سازماندهی بشکل هسته های سه نفری

این شکل نسبت بشکل دانه تسبیحی عالیتر است اما نسبت به تم بندی پست تر میباشد. در این شکل بطور نسبی ضعفهای شکل دانه تسبیحی تعدیل شده است. مسئله مرکزیت بخصوص در این شکل کاملاً قابل حل است. در این شکل زندگی هسته ای (سه نفری) (۱) بلافاصله امکان میدهد که بروحیات یکدیگر آشنا شده و ضعفها و انحرافات یکدیگر را در جریان عمل جمعی (کار مطالعاتی جمعی، بحثها و کلاسهای جمعی، تهیه و تدوین مقالات و تحلیلها بطور جمعی و شرکت در برنامه های جمعی کوه نوردی، ورزش، جامعگرایی و کار میان توده ها) شناخته و از بین ببرند. بدین ترتیب هسته از طریق مشول رابط کنترل شده و حاصل کار هسته ها از طریق مشولین در مرکزیت جمع بندی شده و مجدداً از همین طریق، تجربیات منتقل میگردد. در نتیجه اعمال مرکزیت، کنترل اعضا، جمع بندی تجربیات و انتقال آنها بخوبی امکان پیدا میکند.

عیب عمده این شکل سازماندهی، عدم تقسیم کار و عدم مرز بندی دقیق بین کارهای سیاسی و نظامی است و بطور کلی " هسته های سه نفری " بیشتر شکل سیاسی است تا نظامی و اگر با اشکال

۱- وقتی میگوئیم " سه نفری " باین معنی نیست که هسته نمیتواند دو یا مثلاً چهار نفری شود، بلکه مراد اینست که شکل غالب همان هسته متشکل از سه نفر است.

هسته های سه نفری سازمان بفرآیند اجرای عملیات نظامی بپیوندند ، سپس شکل و محتوی تضاد ایجاد میشود . انتخاب هسته ایکه بیشتر قادر به فعالیت های سیاسی است برای عملیات نظامی ، مناسب نیست . در موقع انجام عملیات نظامی روابط حاشیه ای ، کنترل و برقراری مرکزیت را دچار اشکال میکند و تحرك سازمان را کم مینماید و ضربه پلیس زودتر و بیشتر در تمام سطح نفوذ میکند . محور فعالیت های هسته های سه نفری سیاسی است و انتخاب اعضا با در نظر گرفتن ملاک های سیاسی صورت میگیرد نه ملاک های نظامی . در نتیجه اعضا روحیات نظامی هماهنگ نخواهند داشت . در صورتیکه سازماندهی نظامی با توجه بروحیات نظامی افراد و استعداد های نظامی - سیاسی اعضا ، سازماندهی میگردد و در جریان کار روحیه نظامی هماهنگ پیدا میکند و باین ترتیب بموفقیت عملیات مسلحانه کمک میشود .

تشکیلاتی که بصورت هسته های سه نفری مشکل میشود ، وقتی میخواهد دست بعملیات مسلحانه بزند ، اجباراً افراد مختلف را از هسته های مختلف انتخاب کرده و آنها را در عمل مزبور شرکت میدهد این امر موجب آشنائیهای جدید شده و بعلمت عدم آشنائی بروحیات همدیگر ، فرماندهی عمل مسلحانه مشکل و موفقیت آن کم میگردد . بدین ترتیب ضعف های این شکل عموماً در شرایط آرام پلیسی (نه جونظامی) وعدم وجود نشانه های خارجی دال بر وجود سازمان

با مسئله غفلت پلیس در یک رابطه متعادل قرار میگیرد اما این تعادل همواره لرزان بوده و امکان بروز خطر ، بسیار محتمل است .

۳- سازماندهی بشکل تیمهای سیاسی- نظامی شهری

با توجه به تجربیات نوین در شرایط کنونی ، تیم بندی عالیترین شکل سازمان جنگ چریکی شهری میباشد که معایب اشکال " دانه تسبیحی " و " هسته های سه نفری " در آن بکلی از بین رفته است بطوریکه بدون تیم بندی جنگ چریکی شهری ممکن نیست .

در این شکل ، هر تیم متشکل از یک فرمانده و یک نفر معاون و سه نفر عضو تیم است (هر تیم از سه الی پنج نفر تشکیل میشود) . فرمانده تیم بالاترین عنصر سیاسی- نظامی گروه و مسئول گروه از اینجهت میباشد که در غیاب او معاوض جای او را میگیرد . وی در تکامل تیم و آموزش افراد و بوجود آوردن روابط نظامی و انضباط در تیم و سازمان ، نقش پررنگی ایفا میکند و بنابراین انتخاب چنین شخصی مسئلهای مهم و اساسی است که اشتباه در این امر به فاجعه منبجهد تجربه ثابت کرده است که تیم بدون فرمانده صلاحیتدار (۱) نه

۱- معیارها و ضوابط فرمانده و نیز وظائف وی عبارتند از:

الف- خصوصیات فرمانده

مهمترین و اصلیتترین خصوصیت فرمانده ، قاطعیت اوست و اینکه دارای روحیه نظامی باشد . فرمانده باید هوشیار ، جسور ، دقیق ،

تتها قابل رشد نبوده بلکه در نهایت فاجعه آفریده است. بنا براین

ریز بین و مهتر باشد. مسائل اخلاقی و تعادل روانی و احساس مسئولیت شدید نیز از خصوصیات فرمانده است. در ایران بعلاوه شرایط سخت پلیسی و دشواریهای کار مخفی سیاسی (که بشیوه صحیح صورت گیرد) عناصر نظامی ورزیده عمدتاً همان عناصر سیاسی خواهند بود که امتحان خود را در جریان کار مخفی - سیاسی داده اند. البته در این مورد نباید ساده اندیشی کرد ولی تجربه نشان داده است که یک عنصر سیاسی فعال که از نظر خصوصیات اخلاقی و خصلتهای انقلابی در حد قابل قبولی قرار دارد، عموماً میتواند یک کادر نظامی ورزیده بشود.

ب- فرمانده باید بمسائل زیر بدقت توجه کرده و آنها را

اجرا نماید:

استعداد و صلاحیت هر فرد باید بطور مستمر از طرف فرمانده مورد بررسی قرار گیرد تا وی بتواند برای هر کس مطابق استعدادش مسئولیتی تعیین نماید تا علاوه بر بالا برفتن صلاحیت افراد، اتکاء بنفس آنها نیز تقویت شود. بدین ترتیب فرمانده موفق خواهد شد بهترین و مساعدترین زمینه را برای رشد و شکوفایی شدن استعدادها (که از وظائف اصلی یک فرمانده است) مهیا نماید. باید متوجه باشید که بدون تقسیم مسئولیت در تیم (و در سازمان) نه کارها پیش میرود و نه کیفیت تیم (و سازمان) رشد میکند. وقتی مسئولیتی بیکی از اعضا تیم محول شد، فرمانده باید در اجرای آن سخت گیر و حسابرس باشد و افراد را بنسبیت، تشویق و تعجید و یا تنبیه نماید. نظارت بر اجرای اصول پذیرفته شده سازمانی از وظائف مهم فرمانده است که وی باید در این مورد با قاطعیت کامل عمل کرده و اجازه نقض یکجانبه اصول را با افراد ندهد. در موقع بروز خطا باید

اگر شخص مناسبی برای احراز فرماندهی تیم نداریم ، باید از تشکیل تیم خودداری کنیم . در چنین مواردی باید افراد را بکارهای عادی و مسئولیتهای گوناگون مشغول کرد تا در موقعیکه موفق به تهیهست فرمانده لایقی شویم ، از آنها در تشکیل تیم استفاده کنیم . فرمانده تیم در ارتباط مستقیم با رهبری استراتژیک سازمان میباشد و یا ممکن است اعضای کادر مرکزی ، فرماندهی تیمها را بعهده بگیرند .

اعضا تیم در خانه ای بنام خانه تیمی زندگی میکنند و علاوه بر آن هر يك از اعضا يك تك اطاعتی دارند که هیچکس آدرس آنها نمیداند

انتقاد کرد و عکس العمل متناسب نشان داد (انتقاد لفظی و تبیهاتی از قبیل شلاق و گرفتن اسلحه و قطع رابطه بطور موقت و...) فرمانده باید توجه داشته باشد که تبیهاتی از قبیل گرفتن اسلحه و قطع رابطه تیمی بطور موقت، بطور محدود و با توجه بکار توضیحی کافی میتواند مؤثر واقع شود . در صورت تکرار اشتباهات و همچنین در صورتی که اشکالات فرد قبل از اینکه در شرایط تیمی قابل حل باشد ، تیم را دچار موانع و محظورات جدی نماید ، فرمانده باید قاطعانه از همکاری با او در سطح تیم خودداری کند . افراد تیم نیز در این مورد مسئول بوده و اصل انتقاد و انتقاد از خود باید در تیم با پشتکار تعقیب شود . در زمینه آموزش ، فرمانده باید بکار سیاسی در گروه هموزات کار نظامی توجه نموده و کیفیت تیم را در هر دو جهت رشد دهد .

نکته ای که باید تذکر داده شود اینستکه فرمانده لزوماً نباید در همه عملیات شرکت کند و نقش اصلی وی کنترل و هدایت و نظارت میباشد .

در صورتیکه امکان تجمع افراد تیم در یک خانه وجود نداشته باشد از خانه های دوفنری استفاده میشود (۱) • زندگی جمعی در خانه های تیمی بعضاء امکان میدهد که بروحیات یکدیگر بیشتر آشنا شده و در نتیجه احتمال موفقیت آنها در عمل بالا رود • اعضاء باید مسلح به اسلحه کمری و نارنجک باشند و در خانه تیمی باید لااقل یک مسلسل و بقدر کافی نارنجک و کوکتل موجود باشد • باید توجه داشت که در این مورد نباید دچار مطلق بینی شد • آنچه که در این جا از نظر شرایط و لوازم حتمی وجود یک تیم از قبیل فرماندهان کارآموده یا خانه تیمی چهارنفره و یا وجود سلاح کمری و نارنجک و مسلسل گفته میشود ، باید بطور مشروط و با توجه به محظورات و موانع جدی موجود برخورد کرد • این شرایط و لوازم تقریباً شرایط عمومی و مطلق کار و حدّ ایده آل یک تیم نظامی را معین مینماید در صورتیکه توجه باین نکته نیز ضروریست که برای رسیدن باین مرحله ، تیم یا اصولاً هر ارکان تکامل یابنده دیگر ، باید از مراحل پائینتر و اشکال ساده تر دیگر عبور کند • بعنوان مثال بدلیل نداشتن مسلسل یا نارنجک کافی یا عدم مهارت همه افراد تیم در رانندگی و تیراندازی نمیتوان اصولاً سازماندهی تیمی را غیر ممکن دانست ، بلکه باید با توجه

۱- نظر با اهمیت مسئله پایگاه و... در آخرین بخش به مسائل و مقررات آن اشاره خواهیم کرد •

بامکانات موجود و بسیج همه آنها در این راه به سمت حد آید مال
جهتگیری نمود ، چه در غیر این صورت اصولاً تشکیل تیمهای نظامی
تعلیق به حال میشود .

باید دانست که مهارت نظامی افراد و کارآئی نظامی تیم ، تنها
در عمل مشخص نظامی بالا خواهد رفت . منتهی حل صحیح تضاد
بین عدم مهارت نظامی کادرها یا عدم کارآئی تیمها از یکطرف و لزوم
دارا بودن این شرائط در هر عمل مشخص نظامی از طرف دیگر ، تنها
از طریق شرکت کادرها و تیمهای نظامی در عملیات کوچک امکانپذیر
میشود . بدین ترتیب پروسه کسب مهارت نظامی و کارآئی عملی
کادرها و تیمها عبارت از طی مسیر " کوچکترین عمل ، عمل کوچکتر ،
عمل کوچک ، عمل کمی بزرگ ، عمل بزرگ " خواهد بود . اعضا هر
تیم زیر نظر فرمانده که دارای تجربیات سیاسی - نظامی است آموزش
میبینند . آنان با اسلحه های مختلف آشنا میشوند و در خارج از
شهر تمرین تیراندازی میکنند (در خانه نیز میتوان از تفنگهای بادی
برای این منظور استفاده کرد) و طریقه ساختن بمب را فرا میگیرند .
همچنین جعل اسناد و مدارك (ساختن مهر ، جعل شناسنامه
و ...) کمکهای اولیه پزشکی ، طرز ساختن پلاك ماشین و غیره
آموخته میشود . آموزش رانندگی ماشین و موتور نیز در دستور قرار
دارد . در ضمن آموزش نظامی ، آموزش سیاسی نیز بموازات آن در تیم
دنبال میشود .

تیم به‌رور در جریان کسب آموزشهای لازم و تهیه و تدارکات اولیه، دست به شناسائی جهت انجام عمل مسلحانه متناسب با قدرت خود میزند. محتوای سیاسی این عملیات در هر حال باید منطبق بر استراتژی مرحله‌ای گروه و هماهنگی با استراتژی سیاسی جنبش مسلحانه باشد. روشن است که اعضای تیم باید مقدماً در عملیات کوچک مانند پرتاب کوکتل مولوتف، آزمایش مواد منفجره و آنگاه کسار گذاشتن آن در عملهای مورد نظر، صادره ماشین و... شرکت کنند. بطور کلی عبور از این مرحله برای تیم، باید یک ضرورت گریز ناپذیر بشمار رود. در جریان این عملیات قاطعیت و عدم دستچاگی و... همچنین آمادگی افراد و آنگاه تیم برای شرکت در عملیات بزرگتر، مورد آزمایش قرار میگیرد.

افراد یک تازه‌عضوگیری میشوند و هنوز شایستگی ورود در تیم را ندارند، یک دوره مقدماتی را طی کرده و در صورت شایستگی وارد تیم میشوند. بمنظور بالا بردن تحرك یا به بیان دیگر برای اینکه تماس با این افراد تحرك تیم را کم نکند، میتوان از سمپاتها نیز یک تیم حاشیه‌ای در کنار تیم اصلی یا تیم آتش‌تشکیل داد که بدینوسیله، اولاً تحرك تیمها بالا میرود و وقت اعضا جهت تماسهای مختلف گرفته نمیشود و ثانیاً سمپاتها نیز در یک زندگی جمعی بهتر رشد میکنند. در جریان کار قابلیت نظامی اینگونه افراد ارزیابی شده و تشکیلات نیز بهتر میتواند آنها را آموزش دهد. مسئولیت تیمهای حاشیه‌ای

معمولا بعهده یکی از اعضای تیم آتش می باشد • برنامه این تیمها در درجه اول سیاسی است که در کنار کار سیاسی ، آموزشهای نظامی مانند آموزش رانندگی ، مصادره یا شناسائیهای ساده و •• یا کارهای عملی از قبیل تایپ ، صحافی ، ساختن وسایل فنی و نظامی و ••• نیز صورت میگیرد •

برای انجام عملیات بزرگ که یک تیم قادر با اجرای آن نیست (از نظر کمیت افراد) از اعضای تیم آتش دیگری نیز استفاده میشود • بدین ترتیب ضرورت ایجاد یک بخش حاصل میشود • بخش از دو تیم آتش تشکیل میشود که فرماندهی آن بموجب قابلیت نظامی - سیاسی ، یکی از فرماندهان دو تیم محول میشود • این فرد با روحیات انقلابی هر یک از افراد بخش آشنائی کامل داشته و با توجه به نوع عمل مقدار یا تعداد افراد مورد نیاز خود را انتخاب میکند • در عملیات بزرگ که شرکت یک بخش در آن ضروری است ، یک تیم وارد عمل شده و تیم دیگری عمدتاً بدون شرکت مستقیم در عمل ، تیم عمل کننده را حمایت میکند تا در صورت برخورد با پلیس و یا مسائل دیگری از امکانات بیشتری برخوردار گردند •

سازماندهی تیمی زمینه جلوگیری از گسترش ضربات وارد شده سازمان را بوجود میآورد • بدین ترتیب که اعضا هر x ساعت از وضع هم با خبر میشوند و در نتیجه اگر فردی فقط بتواند x ساعت مقاومت کند ، دیگر خطر لورفتن از بین میرود • البته باید توجه داشت

که این نوع سازماندهی وقتی میتواند کارآئی لازم را در مورد جلوگیری از گسترش ضربات وارده دارا باشد که در آن ارتباطات و اطلاعات هر فرد بحد اقل ممکن کاهش یابد و نیز "سیستم اعلام خطر" داخل سازمان از کیفیت بالائی برخوردار باشد. (۱)

مهمترین وظیفه در سازماندهی هر تشکیلات سیاسی بطور اعم و یک سازمان چریکی بطور اخص، حل مسئله ارتباطات است. اهمیت ارتباطات در امر سازماندهی و اثرات آن بر روی سازمان بحدی است که میتوان گفت یک سازمان منظم و دارای تشکیلات، سازمانی است که ارتباطاتش سالم و منظم باشد. به عبارت دیگر، اگر در یک سازمان (بخصوص سازمانیکه بمبارزه مسلحانه شهری اشتغال دارد) ارتباطات منظم و مطمئن وجود نداشته باشد، نشانه ضعف سازماندهی آنست

۱- بعنوان مثال فرمانده تیم در ساعت ۸ یا ۹ شب از سلامتی تمام اعضای تیم با خبر شده و آنها را در خانه تیمی جمع میشوند. از آنجائی که پلیس قادر نیست خود بخود خانه را کشف کند، بنا بر این خطری تیم را تهدید نخواهد کرد. افراد ساعت ۸ صبح از خانه خارج میشوند و حداکثر ۵ یا ۲ ساعت بعد، از سلامتی هم با خبر میگردند و در ساعت ۸ یا ۹ شب دوباره بخانه برمیگردند. بدین ترتیب تحرك تیم خیلی بالا میرود.

البته در عمل ترتیبهای دیگری نیز میتوان داد. این مثال فقط در جهت نشان دادن تحرك فوق العاده تیم زده شد.

که لزوماً بروز اشکالات متعدد و نیز زمینه وارد شدن ضربات پیاپی و نابود کننده را بدنبال خواهد داشت. زیرا وقتی سازمان دارای سیستم ارتباطی منظم و حساب شده نباشد، از یک سو کارهای هم‌اهنگی لازم را نخواهد داشت و از سوی دیگر داشتن روشهای صحیح و دقیق و کافی برای ارتباط، بهترین موقعیت را برای نفوذ دشمن بوجود می‌آورد. اصولیکه در این زمینه در سازماندهی تیمی باید مورد توجه قرار گیرد، عبارتند از:

الف - کم کردن ارتباطات

سازماندهی باید بر آنچنان زمینهای صورت گیرد که در آن ارتباطات افراد بحد اقل ممکن کاهش یابد. این هدف مستلزم هدایت هر چه بیشتر تیمها بسمت استقلال و خودکفائی و نیز ایجاد شاخه‌های جداگانه در سازمان، کاهش دادن تجمع افراد (از نظر تعداد شرکت کننده و نیز دفعات تجمع) و بخصوص افراد مهم در حدی که بفعالیتهای سازمانی لطمه وارد نساخته و پیشرفت آنها دچار وقفه نسازد، یا زندگی نکردن افراد مهم در یک جا و ۰۰۰ می‌باشد. کم کردن ارتباطات در سازمان، زمینه اولیه و لازم تحقق اصل مهم دیگری را در سازماندهی تیمی و مبارزه چریکی در شرایط خفقان پلیسی فراهم می‌سازد که عبارتست از کاهش اطلاعات افراد بحد اقل ممکن و لازم و جلوگیری از حصول شناسائیهای اضافی. معمولاً و عمدتاً شناسائیهای اضافی در مواقع تغییر سازماندهی و همچنین در اثر

عدم آموزش لازم مسائل تاکتیکی صورت میگیرد • بدینجهت رهبری سازمان اولاً در تعیین مواضع سازمانی کادرها قبلاً محاسبات لازماً بایستی بعمل بیاورد (داشتن تحلیل مشخص از کادر و موضع مناسبی که باید اشغال کند) تا هرچه کمتر وادار به تغییر سازماندهی افراد گردد و ثانیاً نسبت بآموزش مسائل تاکتیکی کادرها بطور مستمر و منظم کنترل و حسابرسی داشته باشد • تجربه نشان داده است که صرف دانستن و حتی رعایت مسائل تاکتیکی در یک مرحله از کاره دلیل آن نمیشود که این مسائل در همه مراحل بطور مستمر و پیگیر در همه گوشه و کنارهای سازمان با اجرا در بیایند • نمونه های متعددی مشاهده شده اند که اجرای برخی از قوانین امنیتی بمسور از شدت و قاطعیت لازمه نرو افتاده است • بهمین جهت بررسی همه جانبه از اوضاع امنیتی سازمان در هر چند مدت یکبار توسط مسئولین تیمها و مرکبیت سازمان؛ کاملاً ضروری است • برای این منظور میتوان حتی یک یا دو روز از کار سازمان را در هر ماه متوقف کرده و به رسیدگی با اوضاع امنیتی و چگونگی رعایت مسائل تاکتیکی سازمان اختصاص داد •

ب- بالا بردن کیفیت سیستم اعلام خطر

سیستم اعلام خطر در سازمان چرکی پهنزه سلسله اعصاب آن بوده و در جلوگیری از گسترش ضربات وارده نقش مهمی دارد • بنابراین باید برای بالا رفتن کیفیت این سیستم در داخل سازمان

کوشش مداوم و مستمر مبذول گشته و ابتکارات افراد در بکارگرفتن شیوه های جدید برای ازدیاد کارآئی آن ، مورد استفاده قرار گیرد . بطوریکه در موقع دستگیر شدن یک فرد ، ابتدا افراد تیمی که فسرود دستگیر شده با آن ارتباط دارد و در مرحله بعد سازمان در حداقل وقت (چند ساعت) مطلع گشته و کلیه ارتباطات فرد دستگیر شده از بین برود (۱) .

ج - ارتباط کادر مخفی - علنی ، یک نقطه ضعف مهم سازماندهی

عناصری که با وجود زندگی علنی و عادی ، فعالیت مخفی دارند بعلت وجود وابستگیهای ، اجباراً برای توجیه وضع خود (نظیر دانشکده یا محل کار و منزل) تحرك کافی نداشته و بهمین دلیل همیشه جای پای ثابتی دارند که میتوانند از آن نقاط مورد تعقیب قرار گیرند . مثلاً پلیس میتواند آنها را موقع خروج از اداره پسا

۱ - بعنوان مثال فرد "ب" از یک تیم که با فرد "د" از تیم دیگر در ارتباط دائم روزانه است میتواند با فرد "ت" که رفیق هم تیم "د" است ، محلی را معلم کنند که معمولاً "ب" در سر راهش بسر قرار "د" از مقابل آن میگذرد . در صورتیکه هر اتفاقی برای "د" بیفتد ، فرد "ت" که ارتباط نزدیک تری با او دارد بلافاصله بمحل معین شده آمده و علامت خطر را میزند . باین ترتیب "ب" با دیدن علامت خطر اصولاً بسر قرار "د" نخواهد رفت . همینطور بعکس "د" نیز میتواند همین قرارداد را با فرد "ج" که رفیق هم تیم "ب" میباشد ، بگذارد .

دانشکده تعقیب کند یا آنها را در محل کارشان مورد مراقبت قرار دهد و پس از رها کردن تعقیب، مجدداً از جای پای ثابت، آنها را تعقیب نماید. در حالیکه عناصر مخفی و حرفه‌ای می‌توانند از تحرک خوبی برخوردار باشند و بحض احساس کوچکترین خطر محل زندگی و یا وسیله نقلیه خودشان را که مورد شناسایی پلیس واقع شده، تغییر داده و تغییرات لازم را در وضع ظاهری و لباس و تیپ خود بوجود آورند و در نتیجه هیچگاه رد ثابتی بدست پلیس نمیدهند و پلیس نمیتواند آنها را تعقیب کند. بهمین دلیل پلیس در برخورد با عناصر مخفی، سعی دارد که در اولین فرصت مناسب آنها را بدام بیندازد (۱)، در حالیکه این شتاب را در بدام انداختن عناصر

۱- دشمن تازگی شیوه دیگری را همورد آزمایش گذاشته است. با همین ترتیب که وقتی رد یک فرد مخفی را بدست آورد، مثلاً قرار او را کشف کرد و یا خانه اش را پیدا نمود، بنا همورد، با بسیج وسیع مکاناتش سعی میکند فرد را حتی الامکان تا یک رد دیگر تعقیب کند، مثلاً تا سر یک قرار دیگر یا یک خانه تجمعی یا خانه سمپات. اینکار یک ریسک است، چون فرد مخفی اگر اصول حرکت در شبهر را بخوبی رعایت کند و هوشیاری خود را از دست ندهد، چه بسا که متوجه تعقیب شده و خود او هم از چنگ پلیس فرار کند. ولی از طرف دیگر ممکن است همراه خود، یک فرد و یا اعضای یک تیم را بداخل تور پلیس بکشاند بنا براین هر فرد که از هر رد خود بسمت محل دیگری در حرکت است بایستی فرض را بر این بگذارد که پلیس مراقب این رد بوده و بایستی خود را مطمئن و کامل تصفیه کند و با دیدن نمونه های مشکوک سعی

علنی ندارد و صبر میکند تا از طریق آنها به عناصر مخفی دست یابد .
 بعنوان مثال رفقای پریکهای فدائی بعد از جمع بندی از ضرباتیکه
 منجر به از میان رفتن شاخه شهید "پویان" شد ، باین نتیجه رسیدند
 که ادامه فعالیت مستلزم سازماندهی بهتر و عضوگیری سمپاتها و
 ایجاد امکانات وسیعتری است . اما اقدام بکارروی سمپاتها منجر به
 ضربات محدودی شد زیرا که از سازماندهی صحیحی برخوردار نبود .
 شهدا ، عباس مفتاحی و مسعود و مجید احمد زاده ، قربانیان همین
 امر شدند . مسئله خیلی روشن بود . سمپاتها که غالباً دانشجویمان
 فعال و تازه کار دانشگاه بودند ، در معرض هجوم و شناسائی پلیس
 و اکثراً شناخته شده بودند و پلیس میتواندست اینگونه افراد را مورد
 مراقبت قرار دهد . پلیس با تعقیب این عناصر و دستگیری آنها و با
 توسل به شکجه و بلوف ، بخصوص بمواقعیکه نزد سمپاتها مدرکی
 دال بر ارتباط آنها با عناصر مخفی مییافت ، ارتباطات فرد را کشف
 میکرد . و یا دستگیری برادران شهید ، محمد حنیف نژاد و رسول

نماید حتما موضوع را روشن کند که آیا تصادفی بوده و یا خانه یا قرار
 لورفته است . پلیس شیوه های خود را مداوماً تکامل میدهد و حفظ
 دینامیسم تجربیاتمان ضامن بقای ماست . دشمن این شیوه را در بهار
 ۵۳ در مورد سازمانهای مسلح مخفی بکاربرد . قراریک خواهر فدائی
 لورفته بود و برنامه پلیس این بود که با نیرو پیاده کردن ، او را تا
 رد دیشرش تعقیب کرده و سپس او را دستگیر کرده و تعقیب و پسا
 مراقبت رد دیگررا ادامه دهند .

مشکین فام که از همین طریق صورت گرفت • نتیجه اینکه تماس و عضو گیری افراد یکه زندگی عادی دارند و بخصوص شناخته شده اند با عناصر مخفی ، بسیار حساس و خطرناک است • بخصوص عناصری که مسئولیتهای عمده و ویژه ای در تشکیلات دارند و حفظ آنها ضروری است ، نباید تن باین خطر بدهند بلکه حتی الامکان باید از اینگونه ارتباطات بدور باشند •

د - قطع کانالهای ارتباطی گذشته توسط عناصر مخفی

پلیس برای بدام انداختن عناصر مخفی نیروهای خود را همیشه مینماید ، زیرا که برای دشمن يك عنصر مخفی ، يك رزنده حرفه ایست که هرچه بیشتر امکان بقاء و رشد پیدا کند ، برای او با تجربه تسرو خطرناکتر میشود • شهرتانی بویژه در این مورد از تجربه و کسادرو امکانات فراوانی برخوردار است • شیوه های پلیسی در این مورد عبارتند از کنترل کلیه نقاط و کلیه افراد یکه امکان تماس فرد مخفی با آنها وجود دارد • خانواده ، فامیل ، دوستان و همکاران اداری و شغلی بهترین زنجیرها برای رسیدن به عناصر مخفی هستند • نکته مهم اینست که فرد بعد از چندین تماس مثلاً با خانواده یا دوستان و ... همینکه با خطری مواجه نشد ، جریان را عادی تلقی کرده و با هشیاری کاهش یا بندهای ، به تماسهایش ادامه میدهد • پلیس روی همین غفلت انگشت میگذارد و فرد خوشخیال را در یکی از این تماسها بدام میاندازد • بدام افتادن و تحت تعقیب قرار گرفتن يك عنصر مخفی

که باینترتیب با تور پلیسی برخورد کرده است، دستگیری افراد دیگری را بدنبال خواهد داشت که چه بسا ضربات مهلکی بزرگ سازمان وارد سازد. باین سبب یک عنصر مخفی باید کلیه کانالهای ارتباطی گذشته خود را مطلقاً قطع نماید. البته ممکن است ما با تشخیص صحیح، برخی دوستان و یا حتی افرادی از فامیل که بهیچوجه امکان دستیابی پلیس بآنها نیست، مستثنی کنیم. ولی این امر نیاز به تشخیص صحیح و کاملاً ارزیابی شده‌ای دارد که در جریان بحث و تصمیم‌گیری جمعی امکانپذیر است نه تصمیم فردی. باید توجه داشت که پلیس بطور مرحله‌ای ممکن است برای ردگیری یک عنصر مخفی نیروی فوق‌العاده تراز تصور ما بسیج کند و این بستگی با اهمیت فرد مخفی بطور مرحله‌ای یا بطور کلی خواهد داشت و باینجهت نباید در اینگونه موارد حدسیات و رفتار ما، روی رفتار عادی و روشهای معمولی پلیس بنا شود (دستگیری عزت شاهی).

ه - قرارها

قرار در شرائط خفیان پلیسی مهمترین مسئله جنگ شهری بوده و تاکنون سازمانهای چریکی که در شهر فعالیت دارند از این نقطه ضربات سختی را متحمل شده اند.

قرارها انواع گوناگون دارند، قرار بین افراد تیم برای رفع احتیاجات و کسب سلامتی روزانه، قرارهای بین تیمی، قرار با سمپاتها، قرار با افراد یک قصد عضوگیری آنها را داریم و...

اصولاً قرارها را میتوان از نظر اهمیت و خطراتیکه در بر دارند

به دو دسته تقسیم کرد :

۱- قرارهای عادی و مطمئن- این قرارها معمولاً بین افراد یک تیم یا بین افراد تیمها که از سلامتی آنها بایستی در کمتر از هر * ساعت (x کمتر از ۲۴) مطلع شویم، گذاشته میشود .

۲- قرارهای فوق العاده یا غیر مطمئن ویا حتی مشکوک - این قرارها عبارتند از قرارهاییکه فاصله زمانی آنها زیاد تر از حد معمول سازمانی است یا قرارهاییکه یک عنصر مخفی با یک عنصر علنی دارد ویا قرارهاییکه با یکی از عناصر پشت جبهه داریم (که بسیار قابل دقت است) و یا مواقعیکه خبرها و شایعاتی دایر بر دستگیری یا نماندن طرف قرارها رسیده و... که همه این نوع قرارها، جزء قرارهای غیر مطمئن و حتی مشکوک تلقی خواهد شد . قرارهاییکه مابین شهرها وجود دارد بعلمت اینکه معمولاً از وضعیت محل قرار اطلاع نزدیکی بدست مانع میسرند نیزه جزء همین نوع قرارها است . قرارهاییکه در اوائل کارهای شهری اجرا میشود ، سه قرار در یک روز بفاصله یک ساعت از هم و قرار بعد در فردای آن روز اجرا میشود و فرد دستگیر شده میبایست بیش از ۲۴ ساعت مقاومت کند . ولی در عمل ثابت شد که بسیاری هستند که مقاومت لازم را ندارند و پلیس بهمین دلیل فشار شکنجه را روی آنها اعمال میکند . دستگیری میکند . این مهلت را باید بر مبنای خصوصیات و نیزه موقعیت هر فرد از نظر سازمانی و اطلاعاتی و همچنین سرعت

ارتباطات و تحرك سازماندهی تعیین کرد • یعنی میبایستی در انقضای زمان معین شده ، در صورتیکه خبری دال بر سلامتی رفیقمان بدست نیاموردیم ، او را جزو دستگیرشدگان بحساب آورده و کلیه رد پاهای ارتباطات او را پاک کنیم •

باید یادآوری کرد اگر چه ما در اجرای قرارها و در امر ارتباطات خود میباید بهترین روشها را رعایت کنیم (که امریست جدی و حیاتی ولی در هر صورت مقاومت فردی باز نقش اصلی را خواهد داشت و گرنه عناصر زبون و ضعیف بهر صورت اطلاعاتی را در اختیار پلیس میگذرانند که در اینصورت تعیین مهلت و اجرای شیوه های پیچیده ، شمری نخواهد داشت • به بیان دیگر علیرغم پیچیده تر کردن سیستم قرارها و ارتباطات و توأم کردن آن با علامات و نشانه های مختلف سلامتی و خطر ، باز عامل اصلی را همان مقاومت انسان تشکیل میدهد •

بخاطر اهمیت مسئله قرارها ، در بخش بعد ما آنها بیشتر مورد

بررسی قرار میدهم •

قرار

همانطور که گفته شد ، ارتباطات در يك سازمان همچون سلسله اعصاب آن سازمان است . در این سلسله اعصاب ، قرار همچون شریان حیاتی عمل میکند . بنابراین قرار در شرایط خفقان پلیسی ، مهمترین مسئله جنگ شهری بود ، و تاکنون سازمانهای چریکی کسدر شهر فعالیت دارند از این نقطه ضریات سختی را متحمل شده اند . نمونه بارز آن پیامبر چریکهای شهری و مولف جزوه راهنمای چریک شهری " انقلابی بزرگ " کارلوس ماریگلا " است که در سرقراری که با يك کشیش داشت ، بدام پلیس افتاد و به شهادت رسید . نمونههای خونینی که در این مورد در جنبش سه ساله شهری ایران داریم ، خود گویای اهمیت مسئله قرارها در جنگ شهری است .

انواع قرارها

قرارها انواع گوناگون دارند . قرارهای بین افراد تیم برای کسب سلامتی و رفع احتیاجات روزمره ، قرارهای بین تیمی ، قرار ثابت ، قرار با سمپات ، قرار با افراد یکه قصد عضوگیری آنها را داریم و . . .

الف - قرارهای بین افراد تیم

این قرارها همانطور که از نامش پیدا است بین افراد يك تیم اجرا

میشود. و هدف از آن اطلاع افراد تیم از سلامتی یکدیگر و سلامتی پایگاه و یا رفع حوائج روزمره است. در این حالت بعلمت اطلاعات وردهائی که افراد تیم از یکدیگر دارند و مهمتر از همه بعلمت داشتن خانه مشترک، فاصله زمانی قرارها کمتر از انواع دیگر آن میباشد. در صورتیکه هدف از اجرای قرار فقط اطلاع از سلامتی یکدیگر باشد، میتوان از شیوه های اجرای علامت سلامتی (گذاشتن علامت در یک محل بوسیله یک نفر و بازرسی آن بوسیله طرف دیگر) و یادیدن همدیگر و دادن علامت سلامتی بدون تماس گرفتن، استفاده کرد.

ب- قرارهای بین تیمی

این قرارها بین یک نفر از یک تیم با فرد دیگری از تیم دیگر انجام میشود و هدف از آن برقراری ارتباط تیمها با سازمان، مطلع شدن سازمان از سلامتی تیمها و همچنین حل مسائل و رفع احتیاجات تدارکاتی آنها و غیره است. این قرارها هر x ساعت یکبار اجرا میشود و در صورتیکه در این مورد نیز فقط منظور اطلاع از سلامتی باشد، میتوان همانطور که در مورد قرارهای بین افراد تیم گفته شد، از روش "علامتی" استفاده کرد.

ج- قرار با سمپاتها و یا عناصر پشت جبهه، قرار بین افرادی که

در سیستم سازماندهی تیمی قرار دارند و تابع مقررات و قوانین آن هستند با افرادی که بعلمی ضرورت ندارد در این سیستم

قرار گیرند (علنی بودن، در روابط نظامی قرارند داشتن و...) این قرارها بنا بر ضروریات سازمانی از قبیل آموزش این عناصر، استفاده از امکانات و کلاً برای برقراری ارتباط مشخص سازمانی اجرا خواهند شد اما چون زمان این قرارها از نرم سازمانی (استاندارد سازمانی) بیشتر است (بدلیل اینکه عموماً این عناصر در ثابتی از قبیل مکان یا رد مشخص عناصر مخفی، یا اطلاع از مشخصات اعضای علسی و از سازمان ندارند) و هر چند وقت یکبار اجرا میشود، باید یکطرفه باشند. بدین صورت که فرد مورد نظر از یک مسیر طولانی عبور کرده و فرد عضو پس از چک کردن او با وی تماس میگیرد. بعلاوه از سلامتی فرد یک قرار است با وی تماس گرفته شود، بطریقی قبل از اجرای قرار باید مطلع شد. این طریق ممکن است کاملاً غیر مستقیم باشد. بدین ترتیب که بنحوی که خود فرد هم متوجه نشود، از طریق دوستان و آشنایان اطراف او و یا وسائل ممکن دیگر، از سلامتی او کسب اطلاع کرده و در فاصله کمی از این اطلاع، قرار با او را اجرا نمود. ضمناً باید توجه کرد عناصر تیمی که دارای مسئولیتهای خطیری بوده و پس از دارای اطلاعات بیشتری میباشند، بهیچوجه نباید چنین قرارهایی را اجرا نمایند.

د- قرار با افراد در حال عضوگیری یا تازه کار این قرارها که معمولاً برای ارزیابی فرد یا آموزشهای ابتدائی او بکار میرود، از همان قوانینی که در مورد قرار با سمپاتها یا عناصر

پشت جبهه گفته شد ، تبعیت میکند .

نکته بسیار مهمی که باید بآن اشاره کرد ، مسئله تصفیه بعد از هر تماس یا قرار و بخصوص "تصفیه سنگین" بعد از قرارها یا تماسهایی است که با عناصر علنی ، عناصر پشت جبهه و سمپاتها داریم . ضرورت این تصفیه ، حتی در بعد از تماس با عناصر مخفی ، بطور کلی در اینجا است که اولاً ضربه حتی الامکان از یک تیم یا یک عنصر بقسمت دیگر منتقل نشود (نمونه تعقیب حبیب رهبری و مهدی رضائی و ۰۰۰) ثانیاً این تصفیه منظم به عناصر سازمانی بخوبی امکان خواهد داد که چنانچه هرگونه ارتباط یا تعقیب پلیسی در گوشه‌های از سازمان بوجود آمده باشد ، با جمع‌بندی آن بسهولت کشف کرد . اما بطور خاص در مورد افراد علنی (سمپاتها ، اعضای علنی و ۰۰۰) همواره این احتمال وجود دارد که بنحوی آنها مورد شک پلیس واقع شوند و تحت تعقیب و مراقبت قرار گیرند . از آنجائیکه این عناصر مکسست آموزشهای لازم را ندیده باشند ، علاوه بر تاکیدهای مکرری که نسبت به تصفیه خود در هر تماس با آنها میشود ، باید عناصر مخفی نیز مجدداً بعد از هر ارتباط با این عناصر یا سرزدن به رد آنها ، خود را کاملاً تصفیه کند .

ه - قرار ثابت

قراریست که هر فرد به سازمان میدهد که در صورت قطع ارتباط سازمان بتواند از این طریق دوباره با وی ارتباط برقرار کند . اینگونه

قرارها نیز حتی الامکان باید یکطرفه باشد • همچنین باید "علامت سلامتی" قبل از اجرای قرار زده شود • شیوه علامت گذاردن چنین است که فردی که ارتباطش قطع شده، در محلی که دور از محل قرار باشد، مدتی قبل از موعد قرار (حد اکثر دو ساعت) علامتی میزند که طرف دوم فقط پس از بازرسی این علامت سر قرار خواهد رفت علامت باید بطور عبوری با ماشین و... قابل کنترل باشد • میتوان علامت خطری در همان محل، جای علامت سلامتی، و یا جای دیگر تعیین کرد تا در صورت دستگیری بعنوان علامت سلامتی به پلیس گفته شود و در نتیجه سایرین از دستگیری او مطلع شوند • در قرار ثابت، فرد باید دارای علامت شناسائی باشد، چون ممکنست از طرف سازمان فرد دیگری مأمور ارتباط با وی گردد • در این مورد میتوان علامت شناسائی را، در دست گرفتن چیزهایی از قبیل چاقو، آچار فرانسه شیشه و یا سوار موتور و یا ماشین بودن و... قرار داد که پلیس هیچوقت اینها را در اختیار فرد دستگیر شده قرار نمیدهد •

تجربه نشان داده است که این قبیل قرارها، در صورتیکه مانور لازمه اجرا نشود، بسادگی فراموش میشوند • بدین جهت لازم است که هر چند وقت یکبار قرارهای ثابت افراد و تیمها برای آزمایش اجرا شده و از این نظر نواقص ارتباطی در مواقع خطر، در جریان مانور کشف و مرتفع گردد • میتوان برای جا افتادن بهتر سیستم ارتباطات و کشف نواقص آن، مثلاً فرمانده یا یکی دیگر از افراد گروه، اعلام خطر

کرد موعلامت سلامتونی ند هد ویا برای خانه علامت خطر بزند. البته این امر باید با رعایت همه مسائل جانبی از قبیل پیش بینی حمل و نقلهای اضافی مدارک، امکان شناسائیهای داخلی در مواقع بحرانی و... کلا در مقابل خطرات احتمالی ناشی از شرایط بوجود آمده، صورت گیرد. بدین ترتیب با اجرای چنین شیوه‌هایی، هر چند وقت یکبار نواقص تاکتیکی سیستم یا اشتباهات فردی اعضا، مشخص شده و از اینکه در مواقع خطر واقعی از این نواقص ضریب بیشتری متحمل شویم قبلا جلوگیری بعمل می‌آید.

ضوابط کلی قرار

اصولی که در زیر تحت عنوان "ضوابط کلی قرار" آورده میشود، حاصل تجربه سه سال جنبش مسلحانه شهری در ایران است که به بهای شهادت و اسارت‌عده کثیری از پاک‌ترین و دلیرترین فرزندان خلق بدست آمده و بنا بر این رعایت آن در هنگام اجرای قرار، جزء تعهد انقلابی هر مبارز راه آزادی است.

اول - نکات امنیتی قرار

۱- سیستم‌های قرار بین تیمها نباید یکسان باشد و هر تیم و هر فردی باید بابتکار خود و با توجه با اصول ذکر شده و فلسفه هر کدام از روشهای جالب و ابتکاری استفاده کند. مثلا از کفش و لباس یکسان و یا شیوه‌های مشابه علامت‌زدن، سر قرار رفتن و...

صحیح نیست.

۲- دقیق و قاطع بودن از لوازم اصلی اجرای قرار است. همه باید عادت کنند که بطور همیشگی رأس ساعت مقرر در محل قرار حاضر باشند. در صورتیکه فردی تأخیر کرد، بهیچوجه نباید بیش از مدت مقرر ایستاد. همچنین در صورتیکه علائم قرارداد ای از جانب طرفین داده نشود، باید جداً از تماس خودداری کرد.

۳- در مورد قرارها باید موکداً از حافظه استفاده کرد و بهیچوجه نباید به نوشته متکی بود. برای اینکه هیچگاه قرار فراموش نشود باید لا اقل یکبار با فرد مربوطه در سر قرار حاضر شده و چندین بار قراردادها و مسائل مربوطه با آنها توأمآ یادآوری و مورد تأکید قرار داد.

۴- قرارهای بین تیمی را که مجبوریم بطور نوشته رد کنیم، باید تأکید نمود که اولاً تا رسیدن خبر سلامتی طرف گیرنده قرار، قرار از درجه اعتبار ساقط است و ثانیاً فرد گیرنده، بلافاصله باید سر قرار ثابت رفته و با آشنائی بمحل و اجرای مانوری آن، بلافاصله آنها بسوزاند.

۵- در موقع حاضر شدن بر سر قرار باید خودمان را از مدارک، نوشته ها و بخصوص قرارهای دیگر کاملاً پاک کنیم. میتوان برای اینگونه نوشته ها از جوهر نامرئی و یا رمزهای مطمئن و حمل آنها در پوششهای مناسب از قبیل کتاب و یا وسائل هادی دیگر استفاده کرد و حتی سعی نمود که محلی برای گذاشتن آنها پیدا کرد که فرد مربوطه

در فاصله زمانی معین از آن محل بردارد تا در صورتیکه فرد دستگیر
شد و یا بهر دلیل دیگر در آن فاصله زمانی مراجعه نکرد ، فوری محل
مدارک و نوشته مورد نظر را عوض نمود .

برای اینکه اهمیت مسئله " خودداری از نوشتن قرار " را تأکید
کیم ، مثالی میزنیم . بخاطر قرار نوشته‌هایی که از تکه تکه کردن لباس
شهید بهروز دهقانی بدست آمد ، حمید توکلی ، پویان ، پیروزی
اسکندر صادقی نژاد ، شهین توکلی ، سعید آریان شهید یادستگیر
شده و عباس جشیدی و سرکاری لو میروند و بخاطر قرار نوشته‌سمپات
کامران نخعی است که او لو میروند و نمونه های زیاد دیگر . . .
دوم = محل قرار

برای اینکه در صورت خطر و مشکوک بودن محل قرار بتوان فرار
نمود ، نباید قرار را در محل‌های بسته مانند مسجد ، سینما ، کورچه
بن بست و . . . گذاشت . بلکه محل قرار باید از چند طرف در رو
داشته باشد و همچنین دارای نقاط گریز ، امکان مخفی شدن و
نزدیک شدن با ماکن عمومی و شلوغ و . . . باشد . با توجه باینکه
تماس در محل خلوت جلب توجه نموده و در محل‌های شلوغ نیز امکان
کنترل و آگاهی نسبت به مشکوک بودن محل وجود ندارد ، گذاشتن
قرار در چنین جاهائی متضمن خطراتی خواهد بود . باید دقت
کرد که قرار در محل‌هایی که تحت کنترل پلیس است ، گذاشته نشود
و همچنین جاهائیکه امکان برخورد با قوم و خویش و آشنا در آن وجود

دارد ، مناسب برای اجرای قرار نیستند . در آخر باید اضافه کرد که در کوه و بیابان نیز نباید قرار گذاشت و محل قرار را نیز هر چند وقت یکبار باید تغییر داد .

سوم = شیوه های اجرای قرار

اجرای قرار ممکن است ثابت باشد یا عبوری . قرارهای یکد ر آنها مجبوریم در نقطه ای توقف کنیم خوب نیستند و حتی الامکان باید از این شیوه قرار گذاشتن خودداری کرد . حسن قرارهای عبوری در مسیر بلند اینست که کنترل دقیق آن ممکن بوده و امکان گریز از محاصره پلیس بیشتر است . مدت طی مسیر قرار باید بین ۵ تا ۱۰ دقیقه باشد . برای اجرای قرار میتوان از سلامتی طرف قرار در خیابان مطمئن شده و در کوجه تماس گرفت . ضمناً مسیر قرار در حاشیه خیابان نباید باشد .

چهارم = زمان قرار

قرار در مواقع عادی روز باید اجرا گردد و در آن باید تناسب محل ظاهری و محل قرار و . . . را در نظر گرفت . مثلاً صبح زود و شب دیر وقت برای اجرای قرار مناسب نیستند و یا کسیکه دفتر و کتاب در دست بگیرد ، ساعت ده صبح بودنش در خیابان جلب توجه میکند و . . .

پنجم = در هنگام اجرای قرار چگونه باید رفتار کنیم ؟

هر حرکت مشکوک کنند های در هنگام اجرای قرار خطرانی را متوجه

ما میکند • بنابراین باید به عادی بودن وضع و رفتار خود و نیز انطباق
 خود با محیط توجه کافی مبذول داریم • توقف بد و نامل ظاهری د
 يك نقطه، چندین بار از يك مسیر عبور کردن، حالت انتظار گرفتن و پ
 منتظر ایستادن در يك نقطه بیش از حد معمول، بی تایی نشان دادن
 پشت سر هم بعقب نگاه کردن، تند و کند حرکت کردن، مردد بودن
 پوشیدن لباسهای مشکوک کننده (کفش کتانی و ۰۰۰) و نیز حمل
 بسته های مشکوک سر قرار از جمله این اعمال مشکوک کننده هستند •
 انطباق و تناسب تیپ ظاهری و لباس با محیط و زمان اجرای قرار و
 فردی که با وی تماس میگیریم (۱) و نیز رفتار متناسب با این وضع، از
 اصول لازم الاجرای قرار هستند (مثلاً راه رفتن يك لومپن با فردی که
 لباس شیک پوشیده و کراوات زده بشدت جلب توجه نموده و یا دو عمل
 وقتی بهم میرسند، بهم دست نمیدهند و ۰۰۰) ضمناً پیش از دو نفر
 نباید در سر قرار با هم تماس بگیرند و با توجه باینکه هرچه مدت
 تماس کمتر باشد ایضی بیتر است، بنابراین باید قبل از قرار روی
 مطالبی که گفتنی هستند، فکر شود تا مدت زمان اجرای قرار بحد اقل
 تقلیل یابد • شناسائی چند محل قرار و بذهن سپردن آنها در

۱- در این مورد باید بارتباط مکان و زمان قرار با محل ظاهری
 توجه شود، مثلاً بایستی لباسیکه در سر قرار میپوشیم و زمان اجرای قرار
 را با شرایط محل قرار منطبق کنیم و یا اینکه محل و زمان قرار را بسا
 توجه به محل ظاهری تعیین کنیم •

مواقع تغییر محل قرار و نیز مواقع اضطراری دیگر، مفید خواهد بود.
بحثهای سیاسی و یا تشکیلاتی فصل در سر قرار و هنگام گشت در
خیابانها، نه تنها نتایج مثبتی نمیآورد (بخصوص برای افراد مخفی
و شناخته شده) بلکه اشتغال حواس و غفلت از اوضاع و احوال محیط
که در چنین شرائطی اغلب اتفاق خواهد افتاد، خطرات مهمی را
بدنبال خواهد داشت.

ششم = چه اعمالی امنیت ما را در هنگام اجرای قرار بیشتر میکند؟

۱- کم کردن فاصله زمانی قرارها و حتی الامکان

اطلاع از سلامتی فرد در بین دو قرار و

این فاصله را باید بر مبنای خصوصیات و نیز موقعیت هر فرد از
نظر سازمانی و اطلاعاتی و همچنین سرعت ارتباطات و تحرک
سازماندهی تعیین کرد. در این مورد نباید روی مقاومت پاره ای از
افراد که امتحانی پس نداد ماند و نیز افراد غیر عضو، پیش از چند
ساعت حساب شود. همچنین فاصله قرار اصلی و قرار پدکی (قرار که
اگر یکی از طرفین بدلائل غیر قابل اجتناب نتوانست در سر قرار اول
حاضر شود، اجرا میشود) نباید زیاد و حد اکثر بیش از یک ساعت
باشد. در این زمینه قرارهایی که در اوائل کار شهری اجرا میشود،
بدین صورت بود که قرار دوم و سوم بترتیب بفاصله یک ساعت و ۲۴ ساعت
از قرار اول بودند که در این صورت افراد بایستی حداقل ۲۴ ساعت

(حد اکثر ۴۸ ساعت) زیر شکنجه مقاومت نمایند • ولی در عمل ثابت شد بسیاری هستند که مقاومت لازم را نداشته و پلیس نیز به‌ممن دلیل فشار شکنجه را روی ساعات اولیه دستگیری متمرکز مینمود • بسا توجه باین مسئله اکنون همانطور که گفته شد، فاصله دو قرار بیش از یکساعت نبوده و قرار سوم دیگر اجرا نمیشود •

۲- کنترل محل قرار قبل از اجرای قرار

در مورد قرارهاییکه هر چند یکبار اجرا میشود و یا قرار ثابت که ممکن است فقط یکبار اجرا شود، میتوان حداقل \times ساعت زودتر از موعد مقرر، از محلیکه مشرف بمحل قرار است و با تاکسی واتوبوس و ... موقعیت محل را مورد بررسی قرار داد (روشن است که در مورد قرارهای روزانه عملاً چنین کاری امکان ندارد) • با توجه باینکه کمیته حداقل نیم ساعت قبل از اجرای قرار در محل مستقر میشود و در صورتیکه به نحوه عملکرد کمیته و همچنین نمونه های مشکوک قرار لورفته آشنائی داشته باشیم، چنین کاری اطمینان را افزایش خواهد داد •

۳- آشنائی به تکمیک محاصره پلیس در سر قرارها

چگونگی آرایش تیمهای پلیس، نحوه پارک ماشینهای پلیس و ... از نکاتی هستند که ما را در آگاهی نسبت به مشکوک بودن محل یاری میدهند (۱) •

۱- به "سازماندهی کمیته" در همین کتاب مراجعه کنید •

۴- علائم مشکوک بودن محل قرار گرفته

گاهی وضع فرد دستگیر شده در سر قرار غیرعادی است (سر و وضع نامرتب، کفش بدون بند و یا گشاد - بعلت شکجه و باد کردن پا - حتی قادر بر راه رفتن نبودن، وضع چهره و ۰۰۰) که باید دقیقاً بآن توجه کرد. در صورتیکه دقت بخرج دهیم، متوجه غیرعادی بودن محیط و وجود مزدوران خواهیم شد (علائم مشکوک بودن قرار: باز بودن درب بعضی خانه ها، وجود افراد مشکوک در سر قرار و توجه آنها با اطراف در حالیکه بظاهر در حال صحبت کردن با هم هستند، وجود موتورسیکلت سوارها در محل قرار، بیش از اندازه شلوغ بودن محل قرار، توقف اتومبیلهای مشکوک در اطراف محل قرار و ۰۰۰) شرط این امر اینست که قبلاً محیط و حرکات موجود در آن، ماشینهایی که در محل پارک میشوند و نوع و گروه مردمیکه در آنوقت رفت و آمد دارند، برای ما آشنا باشد تا ما بتوانیم غیرعادی بودن وضع را تشخیص دهیم. ضمناً باید توجه داشت که افراد ساواک بهیچوجه در محل قرار تراکم پیدا نمیکنند بلکه در محیط آرایش داده میشوند. حتی بسیاری از آنها بدون آنکه ماشینهایشان را به منطقه بیاورند، پیاده و جدا از هم به منطقه نزد یک میشوند.

۵- گذاشتن علامت سلامتی در هنگام اجرای قرار

منظور از این علامت اینست که اگر در آخرین لحظات اجرای قرار یکی از طرفین احساس خطر نمود، بتواند دیگری را از خطر مطلع

کرده و از تماس گرفتن جلوگیری بعمل آورد . اینگونه علامات بایسد
حرکاتی طبیعی و یا درد دست داشتن چیزی باشد . در هنگام رفتن
بسر قرار اگر احساس کردیم که تحت تعقیب هستیم ، نباید تماس
برقرار کنیم بلکه باید سعی کنیم بعد از تصفیه از طریق دیگری تماس
بگیریم .

۶- آشنائی کامل به محل قرار

شناسائی کوچه های بن بست ، اطلاع از نقاط حساس محلی ،
نظیر بانکها و کلاشتهای و نیز تعیین نقاط فرار و پورسی حالتبهای
مختلف گریز با فرض محاصره و کنترل پلیس .

۷- هوشیاری و مسلح بودن

نکته بسیار مهم مسلح و آماده بودن برای فرار و حمله به پلیس
میباشد . باید توجه داشت ، پلیس بمجرد اینکه متوجه شود که فرد
هوشیار شده و در صدد فرار یا اقدام دفاعی دیگریست ، چنانچه
تا آن موقع نتوانسته باشد او را دستگیر کند ، سرعت او را برگبار
کلوله و مسلسل میبندد . البته او سعی میکند پاهای فرد را هدف
قرار داده و او را از پای در آورد ، چرا که زنده دستگیر کردن چریک
بهر حال برای او موفقیت بزرگتری است . در چنین شرائطی باید توجه
داشت که بهترین دفاع از نظر چریک همان حمله است . چریک بایسد
اولین کسی باشد که شلیک میکند . باین ترتیب ابتکار عمل دردست
او قرار گرفته و حتی امکان فرار و رهائی از محاصره بسیار بیشتر میگردد .

در جریان چنین "دفاع تعرضی" هرگاه امکان فرار بهیچوجه میسر نشد، چریک باید بلادرنگ با قصد خودکشی در یک عمل فدائی، "دفاع تعرضی" خود را به "حمله تعرضی" تبدیل کند. در سرقرار اسلحه باید کاملاً آماده تیراندازی باشد. برای استفاده سریع از اسلحه باید قبلاً تمرین کافی داشته باشیم زیرا در صورت محاصره کامل، احتمال غافلگیری و نداشتن فرصت استفاده از اسلحه زیاد است. برای خودکشی (در صورتیکه فرد از نظر موضع سازمانی باید خودکشی کند) باید کهسول سیانورد اثماً زهر زان باشد. سمی که بکار میرود باید مطمئن بوده و مورد آزمایش قرار گرفته باشد.

هفتم = قرارهای مشکوک و قرارهای عادی

اصولاً قرارها را میتوان از نظر اهمیت و خطراتیکه در بردارند، بدو دسته تقسیم کرد. قرارها یا عادی و مطمئن هستند کماز سلاستی طرف دیگر قرار حد اکثر هر \times ساعت به \times ساعت یا خبر هستیم که حتی الامکان باید شیوه هائی برای اطلاع نزدیکتر از او اتخاذ کرد و یا قرارها مشکوکند، مانند وقتی کسی سر قرار اول خودش حاضر نشده است، قرارهائیکه فاصله زمانی آنها زیاد است، قرارهائیکه یک عنصر مخفی با یک عنصر علنی دارد، قرارهائیکه با یکی از سهاتها داریم، موامعیکه خبرها و شایعاتی دایر برد سنگیری و یا نااضی طرف قرارها رسیده و یا موامعیکه قرارهائی بین شهرها وجود دارد

و معمولاً از وضعیت محل و نیز طرف قرار مدت زیادی است که مطلع نیستیم، که در اینگونه موارد باید احتیاط کرد و حتی احتیاط را به حد اکثر رساند و هرگز دچار ساده اندیشی و ساده گزینی نشد.

توجه به نکات ذیل در این مورد ضروریست:

اسلحه آماده و ضامن نارنجک کشیده باشد، حتماً با کویل و محافظ سر قرار بروم (کویلها افرادی هستند که از نظر سازمانی و اطلاعاتی فاقد مواضع حساسند) افراد کویل ممکنست نقشهای مختلفی داشته باشند. اول اینکه سر قرار شکوک رفته و با فرد تماس میگیرند و پس از تصفیه او را بمسر قرار فرد اصلی میبرند و یا اینکه در مورد مقرر بدون دادن علامت های لازم قرار را اجرا میکنند تا از عدم کنترل پلیس مطمئن شوند و سپس فرد اصلی بمسر قرار میرود و یا با فاصله کم از فرد اصلی بمسر قرار میروند که در این صورت حمله به پلیس بنظور فرار فرد اصلی، آماده نگهداشتن وسیله نقلیه در محل مناسب برای فرار، در صورت عدم امکان فرار، کشتن احتمالی رقیبش و همچنین مطلع ساختن رفقا از دستگیری فرد، کارهاییست که میتواند انجام دهد.

هشتم - محمل سازی و قرارهای کاذب

با توجه باینکه شیوه ها و تاکتیکهاییکه در فعالیت سازمانی بکار میروند بهیچوجه نباید فاش شده و در واقع افشای هرگونه تاکتیک خیانت بشمار میرود، آنگاه اهمیت مسئله محملها و استانه های

پوششی ، اهمیت فریب دادن دشمن با کلیه تدابیر و ریزه کاریهای
 فکر شده قبلی و . . . مشخص میشود . باید در نظر گرفت که پلیس
 حرفهای ما را لم از راست و دروغ بهیچوجه باسانی قبول نمیکند .
 برای او ملاک درستی حرفهای ما ، شکجه است . او در هر صورت
 میزان شکجه ای که برای اطمینان بحرفهای ما لازم میبیند ، میکند و
 نباید تصور کرد که اگر در همان ابتدا حرفی بزنیم او قبول میکند .
 هرگز نباید از تهدیدهای دشمن هراسید که مثلاً میگوید : "اگر دروغ
 گفته باشی ، چنین و چنان میکنم" . شکجه بعد از این پیروزی
 یعنی فرار دادن رفیق رزضد مای که راه ما را دنبال خواهد کرد ،
 نوازشهای شیرینی هستند که روح بزرگ و انقلابی چنین فردی آنرا
 باسانی تحمل میکند .

فرد میتواند در پاسخ حاضر نشدن رفیقش سر قرار بگوید که
 مثلاً : " من در موقع دستگیری محافظ داشته ام " و یا " بفاصله کمی
 بعد از دستگیری ، قراری داشته ام که سلامتی خود را اطلاع دهم
 و اکنون دوستانم از دستگیری من مطلع شده اند و . . . " (که همه
 اینها در واقع امکانپذیر است و بسیار اشفاق میافتد) . البته ضامن
 قبولاندن کلیه این حرفها ، مقاومت است (مقاومت فرد) که پلیس را
 ناچار وادار به قبول آن میکند . باید در نظر داشت که ممکن است
 پلیس بخاطر اینکه روحیه مقاومت ما را در هم بشکند ، خود را از این
 شیوه ها مطلع نشان دهد . ولی باید یقین داشته باشیم که او قادر

نیست که درستی یا نادرستی ادعای ما را تشخیص دهد، مگر اینکه خود ما با مقاومت و ایمان به راه شرافتمندانه‌ای که برگزیده ایم، دشمن را مجبور به پذیرفتن ادعای خود بکنیم. هیچکس نباید این گمان خائشانانه و زبونانه را بخود راه دهد که اگر قرارش را لو بدهد، خواهد توانست به بهای این خیانت و پستی، از شر شکجه خلاص شود، بلکه در این حالت پلیس بر مبنای ضعفی که او نشان داده است، حریص تر شده و آنقدر با فشار می‌آورد که کلیه قسرها و اطلاعات دیگرش را فاش نماید (۱).

۱- برای اطلاع بیشتر از شیوه‌های بازجویی به کتاب "پلیس سیاسی ایران" منتشره از طرف سازمان مجاهدین خلق ایران، مراجعه کنید.

خانه

از آنجائیکه از خانه بعنوان يك نقطه ثابت استفاده میشود ، لذا بالقوه در معرض خطر است . خانه های سازمانی بسه دسته تقسیم میشوند :

۱- خانه تیمی

۲- خانه فردی

۳- خانه سمپات

۱- خانه تیمی

خانه تیمی بمنزله پایگاه چریک بوده و بنا براین رعایت مسائل امنیتی و حفاظت آن از فرائض هر چریک است . هر پایگاه باید يك فرمانده و يك معاون داشته باشد . فرمانده باید کلیه اعمال و رفتار افراد تم را دقیقاً زیر نظر داشته باشد .
الف - تهیه خانه (تیمی - فردی)

در گرفتن خانه استفاده از مدارك شخصی و گذاشتن رد بهر صورت صحیح نیست و چون صاحبان بنگاهها و معاملات ملکی غالباً با پلیس همکاری میکنند ، بنا براین عمدتاً نباید از طریق آنها خانه گرفت . داشتن محلهای مناسب نیز در موقع خانه گرفتن ضروری بوده

و باید رعایت شود .

ب - مشخصات پایگاه

مشخصاتی که ذیلاً آورده میشود ، مشخصات يك خانه تیمسی ایده آل است که در شرایط حاضر جمع همه آنها بسیار مشکل و تقریباً غیر ممکن است . بنابراین در این مورد نباید دچار ذهنی گرائی و مطلق بینی شد .

مشخصه اصلی يك خانه تیمسی داشتن راه فرار برای مواقع خطر است . بنابراین اگر خانه يك طبقه و تاسه اطاقه میگیریم ، باید دقت شود که خانه بوسیله تعدادی خانه های يك طبقه احاطه شده باشد و یا اگر طبقه دوم يك ساختمان دو طبقه را اجاره می‌کنیم ، این خانه باید بوسیله تعدادی خانه دو طبقه و یا يك طبقه احاطه شده باشد این دو نوع خانه ایده آل است . ولی در صورت نبودن امکان ، میتوان يك آپارتمان و دست آخر يك یا دو اطاق در يك خانه اجاره کرد . در هر حال باید دانست خانه تیمسی در عین حالیکه نباید از دو طبقه بیشتر باشد ، باید امکان رفتن از طریق پشت بام و بالکن آن به خانه های مجاور موجود باشد و یا در صورت امکان ، خانه بعد و کوچک مجزا راه داشته باشد .

محل خانه نیز حائز اهمیت است بطوریکه نباید در محلهای زیاد شلوغ و یا زیاد خلوت و یا محیطهای مشکوک و محیطهایی که تردد پلیس در آن زیاد است ، قرار داشته باشد . با اضافه گرفتن

خانه در محلها و مناطقی که برخورد های چریکی صورت گرفته و مردم آن مناطق دید دارند ، فقط با محله های خیلی محکم مجاز است .
خانه هائیکه در کوچه ها قرار دارند و یا در خیابان ، هر کدام مزایائی دارند و با توجه بشرائط باید بگرفتن خانه در کوچه و یا خیابان اقدام نمود . ولی معمولاً خانه هائیکه در کوچه قرار دارند مناسب ترند .

در گرفتن خانه نه تنها باید دقت کنیم که متعلق به عناصر پلیس و ارتش نباشد ، بلکه حتی الامکان در همسایگی خانه نیز باینگونه عناصر سکونت نداشته باشند . گاهی دیده شده که خانه تیمی و افراد آن مورد سوء ظن همسایه ها و اطرافیان واقع شده اند . اگر خانه و محل آن متناسب با محل باشد و همچنین همسایه ها و صاحبخانه بسر خانه تیمی مسلط نباشند ، این اشکال تا حدی مرتفع میشود . بعلمت اینکه هیچگونه ردی در محله و خانه نباید باشد ، گرفتن خانه در جاهائیکه اقوام یکی از افراد تیم وجود دارد ، کار صحیحی نیست . نکته آخر اینکه خانه باید در همه حال ، جا و امکانش برای ایجاد جاسازی داشته باشد .

ج - مسائل امنیتی پایگاه

ساکنین خانه تیمی هم از افراد لورفته و لونرفته ، خواه و ناخواه از طرف همسایگان ، مغازه داران سرگذره ، پلیس محلی ، دست فروشان و برخی عابرین که مکرراً در آن نواحی رفت و آمد دارند ، کم

یا بیش شناخته خواهند شد . لذا قبل از هر چیز باید ترکیب ساکنین خانه ، نحوه رفت و آمد و کارهایمان در طول شب و روز ، کاملاً عادی و طبیعی باشد (مطابق محل) . رفت و آمد مشخص بوسیله فردی که خانه را اجاره کرده است صورت میگیرد و بقیه افراد طوری رفت و آمد کند که حتی الامکان مشخص نگردند . رفتار و برخورد مان بسا همسایه ها و مغازه داران محل باید عادی و صمیمی باشد بطوریکه علاوه بر عدم تحریک حس کنجکاویشان ، مورد اعتماد و توجه شان قرار گیریم تا احیاناً در صورت پیش آمدن حادثه ای و مطلع شدنشان ، از طریق آنها با خبر شویم . مثلاً برای رسیدن به چنین هدفی همراه با خود داری از حرکات مشکوک کننده ، نظیر رفت و آمد با موتور و اتومبیلهای مختلف ، باید بطور عادی در فعالیتهای محلی نظیر عروسی ، روزه خوانی ، هیئت و ... شرکت کنیم . مضافاً اینکه چنین اعمالی بما امکان میدهد بروحیات و شغل همسایگان (که در حد لازم و امکان باید از آنها با اطلاع باشیم) نیز پی میبریم .

خانه های شمال و جنوب شهر هر کدام معایب و محاسنی دارند که با توجه بموقعیت افراد و ترکیب آنها باید به تناسب محل ، یکی از آن دو را انتخاب نمود . علاوه بر وضع ظاهری و موقعیت ما که باید هماهنگ با محیط و موقعیت خانه مورد سکونت باشد ، اثاثیه خانه را نیز باید به تناسب محل و موقعیت آن تهیه نمود و همچنین وضع ظاهری خانه که آنرا نیز باید متناسب با زمان ، عادی نمود (شبهای

تابستان پرده ها کنار و درها باز و در زمستان بالعکس باشد) .

تا حد امکان باید از تجمع بیش از حد در خانه پرهیز کرد . بجز در موارد اضطراری و خاص از خانه نباید بعنوان محل قرار استفاده کرد . در سازماندهی تهی باید به ترکیب افراد علنی و مخفی از نظر امکان تعقیب منصر علنی و رسیدن با افراد مخفی توجه لازم را نمود .

قبل از ورود به خانه باید خود را چک کرد . باین معنی که بطرق مختلف (رد شدن از کورچه های خلوت و کورچه هائیکه در ظاهر بن بست هستند و ...) باید از تعقیب و تحت نظر نبودن خود مطمئن شد .

در موقع رفتن به خانه همچنین باید به علامت سلامتی خانه توجه داشت . معمولاً در هر خانه سازمانی باید علامت مشخص و معینی بعنوان علامت سلامت خانه در نظر گرفته شود . بطوریکه از فاصله نسبتاً دور و قبل از نزدیک شدن به منزل قابل رویت باشد ، مثلاً باز کردن یک پنجره خاص ، روشن بودن چراغ ، کشیده بودن پرده یا حسیرونظائر آن . بهر حال ، علامت سلامتی باید مثبت باشد یعنی همراه با انجام عملی باشد . بدین ترتیب که اگر مثلاً پنجره بسته است ، علامت سلامت خانه باید باز بودن پنجره از یک زمان معین باشد و ...

همچنین باید محلی دور از خانه تعیین شود که در آنجا نیز علامت سلامتی زده شود و آمدن افراد بن بست خانه پس از دیدن آن علامت مجاز باشد . این علامت بخصوص هنگامیکه مدتی نسبتاً طولانی (بسته بقرار هائیکه در یک تیم وجود دارد و ...) در خانه نیستیم ، اهمیت

بیشتری دارد • زمان این علامتها و بخصوص علامتی که در خود خانه وجود دارد ، باید حداقل وقت ممکن قبل از آمدن بخانه باشد •
نبودن علامتها باین معنی است که خانه تحت نظر و یا محاصره پلیس است و نباید بدان نزدیک شد • عدم رعایت و توجه کافی باین مسئله مهم خود موجب دستگیری و یا حتی شهادت عده‌های از انقلابیون در سالهای اخیر شده است •

علاوه بر علامت سلامتی ، در بیرون خانه باید محلی برای علامت خطر نیز در نظر گرفته شود که چنانچه فردی بطرق مختلف از در خطر بودن خانه مطلع شد ، با زدن علامت در آنجا بقیه را نیز آگاه کند • همه افراد باید ملزم باشند که قبل از آمدن بخانه این علامت را چک کنند (میتوان در معبرهای اجباری ، محلی را برای زدن چنین علامتی تعیین کرد) • این علامت باید طوری و در محلی باشد که بطور عادی و از فاصله نسبتاً زیاد و حتی الامکان بوسیله ماشین و یا تاکسی قابل چک کردن و دیدن باشد • در صورت یورش پلیس نیز حتی المقدور باید وضع خانه را بهم زد • مثلاً شیشه‌ها را شکست یا آتش سوزی براه انداخت تا افراد یکه خارج خانه هستند خطر را درنگ کنند • برای ورود بخانه باید قرار خاصی وجود داشته باشد بطوریکه اگر دری غیر عادی زده شد ، بتوانیم اوضاع را بحال عادی برگردانده و بعد درب را باز کنیم •

در حمل و نقل مدارک باید خیلی دقت کرد • تکرار این عمل یا

بی دقتی در اجرای آن باعث سوءظن است. همچنین از نگهداری و انباشتن مدرک اضافی در خانه باید بطور جدی پرهیز کرد. میزان مدرک همیشه باید حداقل مورد نیاز باشد.

ساکنین خانه های تیمی همواره باید در حال آماده باش باشند بدین معنی که مدارک و وسایل باید جمع آوری و متمرکز بوده و در صورت لزوم تغییر مکان (مثلاً پس از دستگیری یکی از افراد خانه) قناد ر باشند بصورت آنجا را همراه با مدارک و وسایل ترک گویند. ضمناً همیشه باید در کنار مدارک مهم شیشه بنزین و کبریت آماده وجود داشته باشد تا در هنگام لزوم مدارک با سرعت هرچه بیشتر از میان برده شود. درجه بندی مدارک (مهم و خیلی مهم) بصورت صادر حمل و نقل یا از بین بردن آنها میافزاید.

حتی الامکان باید سعی شود یکفر در خانه بماند و در واقع خانه بطور مداوم کنترل شود. در صورت مشاهده نمونه های مشکوک نباید بآنها کم اهمیت داده شود و حداقل برای مدتی باید افراد بجز یکفر از آن خانه استفاده نکنند و در صورت رفع شک، برگردند همچنین وقتی یکفر از افراد تیم بمسافرت میرود، در صورتیکه تماس مرتب با او ممکن نباشد، باید خانه را موقتاً تخلیه کرد. همچنین وقتی تیم مبادرت بعمل نظامی میکند، باید پایگاه را از مدرک تخلیه کرد.

در خانه سلاح لازم برای دفاع و تهاجم باید موجود باشد.

(ناپالم ، نارنجك ، بمبهای آماده انفجار و در صورت امکان مسلسل)
و در هنگام خواب، یکفرکسک باید بیدار و مواظب سلامت خانه
باشد . بطورعام افراد در تمام مدتی که در پایگاه هستند باید آماده
برای درگیری و فرار باشند . بدین منظور افراد باید حتی الامکان
مسلح بوده و لباسی بپوشند که با آن بتوانند به کوچه و خیابان بروند .
همچنین شناسنامه و سایر مدارک شخصی و نیز پول همیشه بساید
همراهشان باشد . حتی شبها نیز باید با لباس روز و آماده بخوابند
قوانین مربوط به تنظیم نگهبانی و کسک شبانه باید قبلاً تعیین شده
و با توجه باوضاع و احوال بنوبه کسک داده شود . در هر خانه تیمی
همانطور که زمان بیداری صبح معین است ، باید مناسب با اوضاع
و احوال محیط ، زمان خاموشی در شب را هم تعیین کرد . بنا براین
نگهبان نباید در طول شب و بعد از شروع زمان خاموشی ، بسرق را
روشن نگهدارد .

همیشه باید از قبل ، نحوه فرار از خانه را تمرین کرد (در این
تمرین باید همه مسائل در نظر گرفته شود ، نظیر سوزاندن مدارک
مهم یا محل آنها و ۰۰۰) تا در شرایط اضطراری بتوان از آن استفاده
کرد . شناسائی محل و منطقه ای که خانه در آن قرار دارد ، تهیه
کروکی و تعیین راههای فرار و همچنین طرح نقشه در موفقیت فرار
نقش قاطعی دارد .

هنگام ترك خانه ، ساعت مراجعت هر فرد باید دقیقاً تعیین

شود . اگر کسی در خانه نبود ، ساعت برگشت را باید در جای مشخصی گذاشت . زمان غیبت فرد از خانه باید با توجه به برخی عوامل (نظیر میزان اطلاع پلیس از موقعیت شخص ، مخفی بودن یا نبودن ، داشتن یا نداشتن خانه تکی ، مسلح بودن یا نبودن و ...) میزان مقاومت فرد که باید بطور نسبی سنجید و هیچوقت نمونه های استثنائی را مبنا قرار نداد (حتی الامکان بعد اقل کاهش پیدا کند .

اگر فردی در ساعت معین بخانه بازنگشت ، باید بلافاصله علامت سلامتی خانه را برداشته و خانه را موقتاً تخلیه کرد . در این موقع زدن علامت خطر در سر راه عمومی ورود بخانه نباید فراموش شود . در مدت نیم ساعت از حد اکثر ضرب الاجلی که برای نیامدن فرد سر موعد مقرر تعیین میشود ، اعضا موظفند که به سلامت ارتباطی اعضا تیم سرزده و در صورت نبودن علامت سلامتی و یا علامت احضار ، خانه را تخلیه کنند . ممکنست فرد سلامت بوده باشد ولی بعلمت مناسبندیدن اوضاع و احوال خانه (نظیر در محاصره بودن و یا تحت مراقبت قرار داشتن خانه) بخانه نیاید . چنین احتمالی لازم میسازد که يك علامت ارتباطی برای افراد خانه تعیین شود که افراد تیم برای فهمیدن چگونگی اوضاع ، بانجا مراجعه نمایند . محل این علامت دور از خانه بوده و در آن باید پیش بینیهای لازم برای حالت های مختلف صورت گیرد . همچنین محلی نیز باید معین شود که در صورتیکه احضاری از طرف یکی از افراد تیم صورت گیرد ، برای

برقراری ارتباط و گرفتن تماس از آنجا استفاده شود. از این علامت و محل، همه افراد تیم باید مطلع باشند. بلافاصله بعد از تخلیه خانه و یا دیدن علامت خطر و نبودن علامت سلامتی خانه، افسراد باید بمحل علامت ارتباطی خانه مراجعه کرده و از طریق علامت، قرارهای لازم ارتباطی را با یکدیگر بگذرانند.

در موقع فرار یا تخلیه خانه، از گذاشتن هرگونه ردی در خانه که ممکن است اطلاعاتی در مورد افراد تیم بدهد (نمره اصلی موتور یا ماشین افراد تیم، کاغذ و پاکت مارکدار و...) باید خودداری کنیم. همچنین از گذاشتن مواد منفجره و سلاح در خانه هنگام تخلیه آن، باید جداً و اکیداً خودداری نمود.

یکبار دیگر لزوم "مانور" را در همه این موارد (فرار، تخلیه خانه ارتباطگیری و...) تأکید میکنیم، البته با در نظر گرفتن همه مسائل جانبی آن نظیر خطر حمل و نقل مدارک و... در موقع تعویض خانه قبلاً باید مدارک و مواد و... را در محل مناسبی بگیری بطور موقت نگهداری و سپس بخانه جدید منتقل نمود. در چنین مواردی، همچنین باید از حمل و نقل مدارک و وسائل خاص نظیر سلاح، مواد و مهمات و... همراه با سایر اثاثیه منزل خودداری نمود.

مسئله دیگر بردن افراد دیگر بخانه تیمی است. در صورت لزوم این امر بدفعات معدودی صورت گرفته و در این مورد دچار ساده اندیشی نشویم. فرد را باید پسر از پر خاندن بمدت زیاد (حدود

نیم تا یکساعت) که در تمام مدت نیز با او صحبت میشود، بخانه برده
و فرد مذکور نیز نباید اجازه هیچگونه کنجکاووی را بخود بدهد.
آخرین و مهمترین نکته اینکه مسئول اجرای تمام قوانین انضباطی
و تاکتیکی تیم، فرمانده تیم میباشد و تمام اعضا موظفند که دستورات
اضیتی و قوانین انضباطی تیم را حتی بصورت دمگم اجرا نمایند و
به هیچوجه حق ندارند اصول قبول شده پایگاه را زیر پا بگذارند.

۲- خانه تکی

خانه ایست که هر فرد علاوه بر خانه جمعی آنها اجازه میکند که
در مواقع اضطراری و خطر آنجا برود و از یک اطاق که کنترل ورود و
خروجش برای صاحبخانه میسر نبوده و حتی الامکان از سایر قسمتهای
خانه مجزا باشد، تشکیل شده است. اصل مهم در اینجا اینست که
هیچکس نباید آدرس آنها بداند. چون اغلب وقت فرد در خانه
جمعی میگذرد، بنابراین محل شغلی گرفتن خانه تکی، باید طوری
باشد که رفت و آمدهای غیر مستمر و متناوب با مشکوک و غیر طبیعی
نباشد. این رفت و آمدها و سایر اعمال و همچنین طرز لباس
پوشیدن و... باید متناسب با این محل بوده و ایجاد سوء ظن
نکند. یکی از طرقی که میتوان بوسیله آن از خوردن ضربه هسای
احتمالی که ناشی از رفتن غیر مستمر بخانه و... جلوگیری نمود،
تاثیر خوب گذاشتن روی همسایه ها و کسبه محل و برقراری روابط

عاطفی با آنهاست • چه دیده شده است که اگر خطری برای خانه در غیبت فرد ایجاد شده باشد ، این افراد بموقع فرد را مطلع میکنند •

مسائل امنیتی که در مورد خانه تیمی آورده شد ، تا آنجا که مربوط به خانه تکی میشود باید اجرا گردد ، از قبیل شناسائی محل و مشخص کردن راههای فراره ، دقت در موقعیتهای خانه بطوریکه رفت و آمد ما جلب توجه نکند و همچنین کنترل آن برای پلیس مشکل باشد و یا برای اینکه امکانات فرار آن محدود نشود ، در کوجه بن بست واقع نشده باشد و ...

چون پس از دستگیری امکان تخلیه خانه تکی وجود ندارد و نیز بعلت اینکه در بازجویی باید آنرا به پلیس گفت و اگر مدرکی در آن باشد بدست پلیس میافتد ، بنابراین در خانه تکی بهیچوجه نباید مدرک وجود داشته باشد • همچنین از گذاشتن مدارک شخصی وارد پا در خانه تکی باید اجتناب کرد •

۲- خانه سمپات

مقررات امنیتی لازم الاجرای خانه سمپات ، همانهایی هستند که در مورد پایگاه گفته شد ، البته آن قسمتهایی که در این نسوع خانه ها قابل اجرا هستند از قبیل شناسائی منطقه خانه ، مشخص کردن راههای فرار و ...

يك سهمت باید شرائطی داشته باشد تا بتوان از خانه (یا بطور کلی از امکانات) او استفاده کرد . مثلاً حائز خصوصیات اخلاقی لازم بوده و انگیزه های مناسب برای مبارزه داشته باشد و ... (غروب کم ظرفیتی ، ترس ، دودلی ، تزلزل و وابستگیهای مادی زیاد از خصوصیاتى هستند که نباید در سهمت وجود داشته باشد)

سهمت از نظر سابقه سیاسى نباید آلوده باشد . چه در غیر اینصورت منشاء ضربه های ناگهانی و پیش بینی نشده میشود .

همچنین برای جلوگیری از اینگونه ضربه ها ، او باید تمام ارتباطات (سیاسی) خود را قطع کند . بسیار لازم است بموازات استفاده از امکانات يك سهمت با و آموزش داده شود . باید در نظر گرفت که امکانات يك سهمت آنوقت میتواند مورد استفاده واقع شود که هم سطح استفاده ایکه از آن امکانات میشود ، آموزش لازم با و داده شود .

هرگونه استفاده از امکانات سهمت بدون آموزش متناسب با آن فرصت طلبی بوده و در نهایت امکانات را به ضد امکان بدل خواهد کرد . مثلاً سهماتی که فقط آمادگی کمک مالی را دارد و در این سطح آموزش دیده است ، اگر در رابطه مسلحانه وارد شود ، مثلاً در تهیه اسلحه از او استفاده شود ، احتمال زیاد دارد که در موقع دستگیری ضعف نشان داده و ضربات مهلکی وارد کند و یا نتواند عواقب ناشی از این عمل را (اعدام ، زندان طویل المدت و یا مخفی شدن) تحمل نماید و از اینطریق بیش از آنچه از امکانات او استفاده شده

به جنبش ضربه بزنند • آموزش سهامتها باید در همه زمینه های سیاسی ، ایدئولوژیک و امنیتی صورت بگیرد و مخصوص در مورد مسائل امنیتی باید دقت کرده و از تماس با سهامتهائی که مسائل امنیتی را رعایت نمیکنند ، خودداری نمود •

مهمترین نکاتیکه در استفاده از خانه سهامت باید رعایت نمود عبارتند از :

۱- مطلقاً نباید از امکانات دیگر سهامت (بجز خانه او ، وقتی خانه مورد استفاده ماست) استفاده کرد • چه این عمل باعث میشود که تیم مستقیماً در معرض خطرات و ضربات ناشی از استفاده از امکانات دیگر قرار گیرد •

۲- نباید چند نفر از خانه يك سهامت استفاده کنند •

۳- ضرورت حتمی لونیفتن سهامت ایجاب میکند که در استفاده از امکانات او که اغلب رد دارد و پلیس با آسانی بآن دست پیدا میکند ، از جمله در استفاده از خانه و مخفی گاههائی که توسط این قبیل افراد تهیه میشود ، نهایت دقت و مراقبت بعمل آورده شود • بهمین جهت ، در سازماندهی این افراد و امکانات آنها باید همواره باین نکته توجه کرد که هرچه کمتر از طرف افراد دیگر سازمان شناخته شوند •

مدرك

بعد از " نفوذ عناصر پلیسی بدرون گروهها " که بعداً بررسی خواهد شد ، " مدرك " دومین مجرا و نقطه آغاز اکثر ضربه ها و لطامات وارده به گروهها و محفلها میباشد . بنابراین در این قسمت جمع بندی تجربیاتی را که در این زمینه موجود است می آوریم ، باشد که با اجرای این اصول از طرف همه مبارزین راه رهایی خلق (۱) ، تحقق اصل " حفظ بیشترین نیروهای خود و نابودی بیشترین نیروهای دشمن " ممکن گردد .

تعریف مدرك :

هر چیزی که به نحوی موجب برانگیخته شدن سوءظن پلیس یا زیاد شدن اطلاعات او گردد ، مدرك بحساب می آید (اعم از کتابهای علنی مانند کتابهای آل احمد ، صد بهرنگی و ... و یا جزوات منسوخه و اشعار انقلابی تا نمره موتور و ...)

الف - اصول کلی در مورد مدرك

شعار ما در مورد مدرك باید همیشه " حداقل مدرك در حداقل "

۱ - بدیهی است که ضوابط و مقرراتی که بیان میگردند از طرف عناصر مخفی عضو سازمانهای پیشگام و ... نیز باید متعهدانه بمرحله عمل درآید .

حجم "باشد" بنا بر این باید بغیر از مدارک ضروری از نگهداری بقیه مدارک خود داری کنیم. یعنی مدارک غیر ضروری را در حداقل مدت استفاده کرده و سپس از بین ببریم. مرض نگهداری مدارک و انباشتن آن ضیاع جمع کردن همه مدارک در یکجا با شعار فوق منافات دارد. علاوه بر اصل "حداقل حجم" که در موقع تهیه مدارک همیشه باید مراعات کنیم از نوشتن قرار، اسم و فامیل، آدرس و شماره تلفن باید خود داری کنیم مگر در مواقع خیلی ضروری که آنها باید با جوهر نامرئی و پارازیتوسی باشد. از چنین تاکتیکی در مورد بعضی مدارک مهم دیگر نیز باید استفاده کرد.

وقتی مدارکی تهیه میکنیم باید توجه داشته باشیم که هیچگونه مشخصه ورد پائی (مثل نشانی، اسم کوچک و...) در آن نباشد. در ضمن مدارک کتبی مهم نباید بخط افراد مهم باشند و چسبین مدارکی (مهم) همیشه باید آماده از بین بردن باشند (آماده بودن شیشه بنزین و کبریت). چنین کاری مستلزم دسته بندی و درجه بندی مدارک است. عکس از جمله مدارکی است که ساواک بسیار آن هلاقتند است. بنا بر این از نگهداری آن در خانها فامیل نزدیک باید اجتناب کرد و سعی کنیم که عکسهای جدید خود را از بین بده و عکسهای قدیمی را جمع آوری کنیم.

نکته قابل ذکر دیگر، موضوعیت رد و بدل کردن مستقیم مدارک (اعلامیه، دفلیه، جزوه و...) با افراد غیر سازمانی است. وقتی

بهرعلت خانهای را تخلیه میکنیم نباید هیچگونه مدرکی را که به رد گیری پلیس منجر شود ، باقی گذاریم . همواره در ذهن خود باید عواقب و نتایج لورفتن هر مدرک را در نظر بگیریم . این عواقب ممکن است از لورفتن اسم و مشخصات افراد مبارزه شناسائیها ، طرحها و برنامه های کار ، سازماندهی و نقشه های کارگروه و ... شروع شده و در پائین ترین سطحش که لورفتن يك اعلامیه یا يك كتاب معمولی بودار باشد ، ماهیت سیاسی ما را برای پلیس روشن نماید . همینطور باید در مقابل کلیه سئوالاتی که از نظر پلیس در مورد يك مدرک مطرح میشود ، آگاهی داشته باشیم .

ب- رد و ببدل کردن مدرک (با افراد غیر سازمانی)

خصوصیات کسی که با او مدرک مبادله میکنیم در درجه اول اهمیت قرار دارد . مخصوصاً حساسیت بمسائل امنیتی باید مورد توجه قرار گیرد . محل گذاری در هنگام مبادله مدرک از بسیاری ضمانت جلوگیری خواهد کرد . چون مدرک باید در جاسازی نگهداری شود همیشه باید از اجرای چنین اصلی قبل از رد و بدل کردن مدرک مطمئن شویم . اگر مدرکی بکسی میدهم باید برای استفاده از آن مدتی محدود معین کرده و بعد از مدت مقرر اقدام بگرفتن مدرک نمائیم . همچنین به هنگام گرفتن مدرک باید برای استفاده از آن در حداقل مدت ، امکانات لازم را صورت دهیم . دادن مدرک باید با

کار توضیحی در مورد مسائل امنیتی و نیز تذکر ممنوع بودن تهیه نسخه جدید و دادن آن بطور دلخواه با افراد دیگر همراه باشد • مطمئن بودن از سلامتی فردی که مدارک مهم با و داده میشود و نیز رعایت زمان و مکان مبادله مدارک از اصولی هستند که هیچگاه نباید فراموش کنیم • دادن مدارک بطور غیر مستقیم (بوسیله پست ، گذاشتن در کتابهای فرد مورد نظر ، انداختن در خانه و...) ما را از رعایت بسیاری از اصول دیگری نیاز کرده و از خطرات ذکر شده برکسار میدارد •

ج - حمل مدارک

حمل مدارک باید در حداقل زمان صورت بگیرد • یعنی از مبدأ بیک مقصد به سریعترین شکل ممکنه حمل شود • نباید هیچکاردهای فرد را (کارت شناسائی ، عکس ، نامه و...) همراه با دیگر مدارک حمل و یا نگهداری کرد •

وقتی مدارک حمل میکنیم از انجام کارهای دیگر باید خودداری کنیم • کاملاً واضح است که با چنین معیاری در موقع شناسائیها و قرارها و در هنگام عمل ، حمل مدارک نادرست خواهد بود • هرچه مدارک را عادی تر حمل کنیم ، امکان پیش آمدن حادثه را کم کرده و این با عادی نمودن وضع ظاهری مدارک (جاسازی آن بطور عادی و...) و وضع خودمان و رفتارمان امکانپذیر است • سوار شدن چند

نفر در ماشین، موتور سواری، کفش کتانی و لباس اسپرت پوشیدن و... از نظر گشتیها مشکوک است. بنابراین حمل مدرک در چنین وضعیتهائی صحیح نمیباشد. داشتن محملهای مناسب ظاهری مخصوصاً در موقع حمل مدرک زیاد، ضروری است. با اضافه اینکه وتی مدارک مهم و اطلاعاتی حمل میکنیم، باید آمادگی از بین بردن آنها را در هر لحظه داشته باشیم.

زمان و مسیر حمل مدرک نیز دو عاملی است که باید در نظر گرفته شود. مثلاً در موقع حمل مدرک نباید از جاهای مشکوک و تحت کنترل پلیس نظیر پاتوق قاچاقچیهها، مناطق ممنوعه و... عبور کنیم.

احساس مسئولیت نسبت به حفظ مدرک در موقع حمل آن، ما را در رعایت ضوابط بالا ملزم خواهد نمود، با اضافه اینکه اگر از حمل مدرک در مواقع غیر ضروری خودداری کنیم، از خطر بمیزان زیادی کاسته ایم.

د - نگهداری مدرک

مهمترین اصلی که در این مورد باید رعایت شود، نگهداری مدرک در جاسازی است که این اصل به همراه خود رعایت ضوابط دیگری را ضروری میسازد که عدم اطلاع دیگران از جاسازی، نگهداری نکردن همه مدارک در یک جاسازی، درجه بندی کردن مدارک و گذاشتن

مدارك مهمتر در جاسازی مطمئنتر، جاسازی نکردن مدرك در لباس (چون بعد از دستگیری لباس ما را پلیس پاره پاره میکند) و همچنین دقت در آب بندی مدركی که دفن میشود از آن جمله است. • بعلاوه باید از خارج کردن مدرك از جاسازی در ساعات نامناسب و مسواق غیر ضروری خودداری کنیم •

در این مورد باید توجه داشت که مسئله جاسازی مدارك برای پلیس شناخته شده است و عموماً در بازجوئیهها بلوف محکمی مبنی بر وجود جاسازی میزنند و یا اینکه در برخی بازرسها اقدام به کسدن زمین و موزائیکها و چهارچوبهای درها یا نقاط مشکوک و جستجوها مین یاب برای کشف وسایل فلزی که در جاسازی قرار دارد، مینمایند بنابراین باید همواره از طرحهای ابتکاری و نو استفاده نمود و در مقابل بلوفهای پلیس محکم بایستیم •

مدرك را بایستی در کوتاه ترین مدت نگهداری کرد • همسراه داشتن شناسنامه و یا پاسپورت جعلی و ۰۰۰ در مواقعی که از آن استفاده نمیکنیم، از کارهایی است که مشکلات زیادی به بار میآورد •
تصفیه مدارك و تقلیل آنها بحد اقل مورد لزوم ما را ملسزم میسازد که هر چند وقت یکبار بان سرکشی کنیم که در عین حال از سالم بودن آنها نیز ما را مطمئن میکند و چون تخلیه خانه باید در سریعترین شکل ممکن صورت گیرد و هیچگونه مدركی نیز نباید جاسا داشته شود، باید مدارك را در جاهای مشخصی قرار داد •

اصول سازمانی

برهر سازمانی اصولی حاکم است که بی توجهی نسبت به آن موجودیت سازمان را بخطر میاندازد. ما در اینجا بذکر و تشریح یکی از اصول عمده حاکم بر یک سازمان سیاسی - نظامی در شرائط کنونی میپردازیم.

اصول مخفی کاری

شرائط پلیسی حاکم بر اوضاع ایران و اتکاء عمده رژیم به نیروی پلیسی خویش، رعایت این اصول را برای هر سازمان مبارز در موقعیت فعلی، اجتناب ناپذیر میسازد. هدف رژیم پلیسی، تجسس، دست یابی و انهدام هسته های انقلابی است و عاملی که میتواند فرد یا گروه را از این خطر بدور دارد، رعایت مخفی کاری بشیوه صحیح آن است.

مخفی کاری و استتار عبارتست از همزنگ شدن با محیط (بسیا حفظ ماهیت) برای فعالیت سازمانی. در غیر این صورت، یعنی در صورت عدم رعایت مخفی کاری، امکان هرگونه فعالیت صحیح از فرد یا سازمان سلب خواهد شد و در صورت فعالیت نیز هر لحظه امکان گرفتاری در دام پلیس وجود خواهد داشت. بدیهی است که رعایت

این اصل بخاطر فعالیت صحیح سازمانی است نه آنکه مخفی کاری بصورت بندی دست و پای ما را محکم ببندد و ما را از هرگونه فعالیت بازدارد و در واقع کسی که نخواهد فعالیت از خود نشان دهد ، دیگر نیازی به رعایت این اصل نخواهد داشت .

اگر سؤال شود "مخفی کاری از کس و در برابر چه کسانی ؟" جواب اینست که مخفی کاری از همه ، حتی خانواده .

ذیلاً نکات عمده ای را که باید در رابطه با خانواده ، دوستان و همکاران و عناصر رژیم (تا آنجا که باصل مخفی کاری مربوط است) رعایت گردد ، ذکر میکنیم .

۱- خانواده (۱)

اعضای خانواده نزدیکترین افراد بما هستند و ضمناً اکثر ویسا قسمت عمده ای از وقت ما با آنها میگذرد و روابط عاطفی که بین پدر و مادر از یکطرف و فرزندان از طرف دیگر وجود دارد و همچنین عدم آگاهی اکثریت آنها بمسائل اجتماعی و اوضاع و احوال محیط و نیزنگهای پلیس ، ما را موظف میسازد که برای حفظ خود و در واقع سازمان ، نسبت بآنچه میگوئیم و انجام میدهیم ، قبلاً محاسبه کرده باشیم .

باید توجه داشت که پدران و مادران عموماً کنجکاو و نسبت به

۱- این قسمت مربوط بانفراد علنی است که بفعالیت سیاسی اشتغال دارند .

مسائل مربوط به فرزندانشان فوق العاده حساس هستند • کمتسر اتفاق میافتد که کاری یا حرفی و یا تماسی از نظر آنها پوشیده بماند بنابراین خصوصیت است که آنها ناآگاهانه بهترین منبع اطلاعاتی برای پلیس میباشند • چه بسیار فرزندانگی که از این طریق بسدام پلیس افتاده و حتی در مواردی بشهادت رسیده اند • درحالیکه افراد خانواده های ما که عموماً بعلت داشتن تضاد طبقاتی با رژیم با آموزش مناسب (تاکید میکیم ، مناسب) و جهت دادن بنارضائیهها و قهر طبقاتی آنها و همچنین شناساندن ماهیت تجاوزکارانه دشمن و تاکیکهای فریبکارانه پلیسی اثر، میتوانند بامکانات بسیار مناسبی برای پیشبرد هدفهای ما و خنثی کردن حیلہ های پلیسی تبدیل شوند • بنابراین ما با تضاد لزوم آموزش خانواده از یکطرف و مطلع شدنشان از فعالیتهای سازمانیمان از طرف دیگر، روبرو هستیم • برای حل این تضاد لازم است گفتار و کرد ارمان را هرچه بیشترودر حدیکه مانع فعالیتهایمان نگردد ، عادی و طبیعی جلوه دهیم ونه مرموز و غیرطبیعی • چه غیرعادی بودن خود زمینه را برای کنجکاوی و حساسیت هرچه بیشتر آنها فراهم میسازد • تلفن کردنهای مکرر و غیرعادی و رفت وآمد های زیاد با دوستان در منزل و گذاشتن کتاب و جزوه و یادداشتهای خاص در برابر افراد خانواده ، اعمالی هستند که به پدید آمدن چنین وضعی کمک میکنند • ضمناً باید تا آنجا که امکان دارد ، با آنها در کارها و حل مسائلشان همکاری

نموده و نسبت به روشن کردن افکارشان بکوشیم و بصورت راهنمای خوب و دلسوزی در امور روزمره زندگیشان درآئیم . خلاصه حتی المقدور سعی کنیم فرد نمونه و مورد اطمینانی برای آنها باشیم و هیچگاه فراموش نکنیم که افراد خانواده اعضای همان اجتماعی هستند که ما در پی تغییر و تکامل آن هستیم و زندگی در خانواده و چگونگی سلوک و آمیزش با آنها میتواند آزمایشی از نحوه برخورد ما با توده های مردم باشد . رعایت این مسئله به ویژه در مورد برادران و خواهرانمان اهمیت بیشتری پیدا میکند . ما وظیفه داریم که تا حد امکان آنها را نسبت بمسائل اجتماعی بتناسب حال خودشان آگاهتر کنیم و در صورت شایستگی از آنها عناصر خوبی برای سازمان تربیت نمائیم .

برای آموزش خانواده باید با توجه بخصوصیات و نقاط قوتشان و با شیوه ای که هرچه کمتر نقش ما را در آموزش مشخص سازد ، عمل نمود . باین ترتیب باید مفاهیم و آگاهیهای لازم سیاسی را ، کاملاً بطور غیر مستقیم بدون آنکه نقش آشکاری داشته باشیم و در رابطه با مسائل اساسی و مشکلات روزمره آنها و حوادث سیاسی روز که عموماً مورد بحث واقع میشوند ، بآنها منتقل نمائیم . مثلاً در جریان یک تعریف عادی از اوضاع محیط کار و درس ، میتوان تجربه دستگیری یک همکار یا همکلاسی را ذکر کرد که خانواده اش را برای گفتن اسامی دوستان او تحت فشار قرار داده بودند یا اصولاً خود او باین دلیل

بازداشت شده بود که خانواده يك فرد دستگیر شده ديگر گول پلیس را خورده و اسم او را لو داده بودند و ۰۰۰ و یا مثل تجربه خانواده های که گول حيله ها و قولهای مکارانه پلیس را خورده و ردپا و یا محل کار فرزند خود را گفته اند که حتی بشهادت فرزندشان انجامیده است، میتواند مورد مناسبی برای آموزش باشد .

با کاربرد این شیوه ها یعنی با گفتن نمونه ها و تجربیات بدست آمده (تجربیات و نحوه دستگیری برادران شهید یا اسیر مثل علی میهن دوست ، اسدالله مفتاحی و ۰۰۰) متناسب با مسائل روزمره و موارد پیش آمده از قبیل اعلام دستگیری يك گروه ، محاکمه یا اعدام افراد انقلابی در روزنامه و ۰۰۰ میتوان آگاهی آنها را نسبت به توطئه ها و حيله های پلیس بالا برده و آنها را با اهداف و نظرات انقلابیون آشنا ساخت . در ضمن باید سعی کنیم بطور خیلی عادی و تدریجاً از حاکمیت خانواده خارج شده و متقابلاً اجازه ندهیم که خانواده از نظر اقتصادی بها تکیه داشته باشد .

تربیت افراد خانواده و آگاه ساختن آنها این مزیت ضاعف را نیز خواهد داشت که بتدریج و بطور نسبی آنها را در برابر حوادثی که ممکن است در رابطه با فعالیت سازمانی ما برای آنها پیش آید ، آماده تر نماید و آنها بتوانند با ظرفیت و سعه صدر بیشتری با مسائل و مشکلات قابل پیش بینی آینده روبرو شوند . در غیر این صورت هر حادثه و یا پیش آمد کوچکی مثل مسافرت و دوری موقت ما از خانواده

و حتی تأخیر در آمدن بمنزل ، آنها را نگران کرده و مشکل برایشان غیر قابل تحمل خواهد شد . این را هم اضافه کنیم که قبل از هر کس این خود ما هستیم که باید رفتار و آموزش لازم را با توجه بموقعیت و خصوصیت خانواده ، انتخاب کنیم . توضیح اینکه با توجه بروحیات و طرز تفکر و آگاهی افراد خانواده نسبت باوضاع و شرائط اجتماعی که معمولاً متفاوتند ، ما نیز باید روشی متناسب با آنها انتخاب کنیم . مثلاً در مقابل پدر و مادری که مخالف رژیم نیستند ، جبهه مخالف گرفتن غیر منطقی و در مقابل پدر و مادری که مخالفند تظاهر به عدم مخالفت با رژیم امریست بیجا و غیر ضروری و یا اگر شبی دیر بمنزل میآئیم ، توجیه دیر آمدن برای خانواده ای که مذهبی است میتواند جلسه مذهبی و برای خانواده ای دیگر درس خواندن و یا سینما و ... باشد . در اینباره نسخه از قبل تهیه شده تفصیلی وجود ندارد و بطور کلی و جدی باید از روش تقلیدی و پیروی کردن غیر اصولی از نمونه دیگران ، پرهیز کرد .

۲- دوستان و همکاران

بعد از خانواده ، دوستان و آشنایان بما نزدیکتر از دیگران بوده و لذا دومین منبع اطلاعات برای پلیس میباشند . در رفتار با این عده که شامل همه آشنایان ، همکلاسیها ، همسایه ها ، همسریها و ... میشود ، باید دقت بسیار بعمل آوریم زیرا از یکسو امکان دارد که افراد مورد اطمینانی نبوده و تماس با آنها ما را بخطر

اندازد و از سوی دیگر طرد کامل آنها ، چه بسا باعث شود که افراد مناسبی را از نظر ما دور بدارد . لذا برای اینکه اولاً از طرف آنها خطری متوجه ما نشود و ثانیاً بتوانیم از میان آنها افراد مناسب را عضوگیری کنیم ، در روابطمان با آنها باید بد و مسئله زهر دقیقاً توجه کنیم :

نخست اینکه مبنای کارمان این باشد که در مورد آنها براساس احدی زودگذر و بطور لحظهای تصمیم نگیریم و قضاوت ننمائیم و نتیجتاً بآینه میگوئیم و انجام میدهیم کاملاً آگاهی داشته باشیم . اگر دوستی یا احساسات مطالبی را هرچند خوب اظهار نماید ، نباید بلافاصله تحت تأثیر حرفهای او قرار گرفته و او را فردی مطمئن و مناسب تشخیص دهیم . چه بسا که یک عامل خارجی باعث چنان اظهار نظرهایی بخاور موقت شده باشد و لذا بعید نیست که پسر از گذشت مدتی مطالبی را خلاف آنچه قبلاً مطرح میساخت ، بشنوم . روش صحیح در این مورد این است که با حوصله و بدون حساسیت خاص بحرفهای او گوش داده و سپس در دفعات و حالات مختلف این گفته ها را در خلال صحبتها و رفتارش بررسی نمائیم . باید توجه داشت آنچه که برای ما اهمیت دارد درجه انطباق حرفها و اعمال فرد در طی یک زمان طولانی است . بهیچوجه نباید بحرفها یا عمل فرد در یک زمان کوتاه ، یک مرحله یا در یک شرایط خاص اعتماد مطلق نمود .

دومین مسئله‌ایکه باید در مورد دوستان مورد توجه قرار گیرد اینست که میبایست از داشتن دید دکامیستی در مورد مسائل امنیتی اجتناب کنیم. برخی از مفهوم رعایت مسائل امنیتی و مخفی‌کاری باین نتیجه میرسند که بدور خود حصار کشیده و با دیگران از جمله دوستان هرچه کمتر تماس داشته باشند. چنین روش نادرستی در پایان منجر باین خواهد شد که کم‌کم روحیات اجتماعی خود را از دست داده و از بهترین امکان یک عنصر مبارز که انطباق و همگونی با محیط است، محروم بمانیم. مضافاً اینکه چنین رفتاری باعث میشود که بهترین امکان خبرگیری و نیز سنجش تاثیر اعمال رژیم و جنبش را بر مردم از دست بدهیم. همانطور که قبلاً اشاره شد، رعایت مسائل امنیتی نه بخاطر دوری از مردم و فعالیت، بلکه صرفاً بخاطر فعالیت در میان توده‌های مردم است.

عدم‌های نیز از مسائل امنیتی برداشتی ترس‌آلود دارند و باین دید بهمه افراد مظنون و مشکوکند و در نتیجه یا با کسی تماس نمیگیرند و یا در صورت اجبار، باظهار نظره‌های عوضی و نادرست میردازند. اگر این نوع برخورد با برخی از افراد قابل‌توجیه باشد، نمیتواند و نباید در مورد همه افراد بالسویه عملی گردد. ماهیچگانه حق نداریم افکار مردم را از واقعیت منحرف نمائیم. بالعکس باید با زمینه‌سازی قبلی و با بیانی ساده و مخصوصاً در رفتار و کردار خود به تصحیح نظرات و قضاوتهای مردم بپردازیم. چه بسیارند دوستانی

که در محیط‌های مختلف در زمینه اوضاع و احوال و مسائل سیاسی روز سخن میگویند و یا از ما نظر می‌خواهند، در این موارد باید بر اساس تشخیص موقعیت فرد و محیط با جواب مناسبی داده و بجز در مواردی که مشکوک بنظر میرسند که باید به توضیح و یا بیان کلی مطلب پرداخت و یا حداقل بنحوی از جواب دادن سرپاز زد و در مورد افراد مشکوک هم باید با شناختن اینگونه افراد در محیط کار موضع مناسبی در مقابل آنها اختیار کنیم (مثلاً به سکس و تفریحات تمایل نشان داده و یا خود را فردی مثلاً مذهبی متعصب جا بزنیم و ۰۰۰) رفتار ما نباید بگونه‌ای باشد که دوستان از وضع زندگی (خانه برادر، وضع مالی و ۰۰۰) ما پرسیده و یا احیاناً بخانه ما رفت و آمد کنند، البته بنحوی که ما مشکوک نشوند (مثلاً در مقابل سؤال "خانعات کجاست؟"، باید گفت "منزل برادر و یا دائییم هستم" و ۰۰۰) عبارت دیگر، هرکار ما در مقابل دوستان باید همراه با سرپوش و توجیه مناسبی باشد که سؤالهای ایجاد شده در ذهن آنها را مطابق با نقشه قبلی خود ما جواب دهند. این نقشه قبلی همان شخصیتی است که با رفتار قبلیمان در محیط کار و نیز بوسیله روابط و رفتار قبلیمان با دوستان ارائه داده ایم. رفتار در محیط کار دارای ضوابط و اصولی است که در ضمن اجرای آنها باید جهت مشخصی نیز با اعمالمان بد هم (مثلاً خود را مذهبی دگم یا آدمی بی بند و بار جا بزنیم) که توجیه و پوشش

کارهایمان نیز باید مطابق با این شخصیتی باشد که ارائه داده ایم
در زیر اهم اصولی را که در چگونگی رفتارمان در محیط کار باید رعایت
کنیم ، تذکر می‌دهیم :

عادی بودن ، متمایز نشدن از دیگران ، پوشش و توجیه مداوم
کارها ، اصولی هستید که همیشه باید رعایت گردند . غیبت بیش از
حد معمول سرکار و کلاس و نیز گرفتن نمرات خیلی پائین در دروس
از مواردی هستید که شک و سوء ظن دیگرانرا بر میانگیزاند . مسلماً
اخیراً پلیس دانشجویانی را که غیبت زیاد داشته باشند تحت نظر
قرار می‌دهد . بنابراین یا نباید بیش از حد از رفتن سر کلاس و کار
خود داری کنیم و یا اینکه محملی مناسب برای توجیه غیبت‌های طولانی
خود عنوان کنیم . باید بطور عادی در دروسها جدیت نشان داده و
در ضمن برای عادی کردن وضع خودمان در بعضی کانون‌های
دانشجویی ، جشنها و مسابقات ورزشی (بطور مشروط و غیر فعال)
شرکت کنیم .

در صورتیکه با سازمانی که بکار مخفی مشغول است همکاری و
تماس داریم و در عین حال بزندگی عادی خود ادامه می‌دهیم ، یعنی
تمام وقت خود را بمبارزه نپرداخته و چون از طرف پلیس شناخته شده
نیستیم زندگی علنی و عادی خود را همگام با شرکت فعال در مبارزه
علیه رژیم حفظ نموده ایم و یا به بیان ساده تر ، هنوز بصورت یسک
مبارز حرفه‌ای شناخته شده از طرف پلیس که زندگی و مبارزه صد در

صد مخفی دارد در نیامده ایم ، برای جلوگیری از کشف ماهیت خود بوسیله پلیس و احیاناً ضرباتی که ممکن است از این راه متوجه سازمانی که با آن همکاری میکنیم (علاوه بر دستگیری خودمان) شود ، نباید در هیچگونه فعالیت و مبارزه علنی نظیر اعتصابات سیاسی و صنفی شرکت کنیم و توجه داشته باشیم که حتی تماس با گروههای سیاسی و افراد شناخته شده ممکن است ضربات احتمالی وارد بآنها را بما منتقل کند .

مطالعه کردن در سرکار و یا شرکت کردن در بخشهای جمعی و تماس با رفقای همفکر (در محیط کار و بطور علنی) نیز مسائلی هستند که اشکالات و خطراتی را موجب خواهند شد . خودنمایی در کوهنوردی و راهپیمایی و نیز نشان دادن خود بعنوان فردی جمور با اراده و مصمم ، علاوه بر اینکه کمکی بما نمیکند ، باعث تمایزشدن ما از دیگران نیز میگردد . در استفاده از امکانات دانشگاه و محل کار (ورزش ، پلی کپی ، کتابخانه ، آزمایشگاه و...) نیز باید عادی و توجیه بودن چنین کارهایی را اصل قرار داده و اعتدال را رعایت کنیم . نکته ای که در مورد برادرانی که از زندان مرخص میشوند قابل ذکر است ، اینست که آنها نباید از یکدیگر تمهید و تعریف نموده و مثلاً بگویند که "فلانی در زندان یک پارچه آتش بود" و یا "مرتباً مطالعه میکرد و یک دقیقه وقتش را تلف نمیکرد" و یا "در جریانات عملی شرکت مینمود" و...

۳- عناصر رژیم

افراد سازمان ممکن است از راه‌های مختلفی لو بروند که بهترین آنها عبارتند از :

الف- نفوذ عناصر رژیم بداخل سازمان که عموماً در هنگام عضوگیری امکان دارد اتفاق بیفتد .

ب- ارتباط احتمالی عناصر سست ایمان و سرخورده سازمان با عناصر رژیم .

ج- خطاهای سازمانی و عدم رعایت دقیق اصول مخفی کاری .

آنچه مورد بحث فعلی ماست قسمت "ج" است (قسمتهای "الف" و "ب" که مربوط به عضوگیری است فعلاً مورد بحث ما قرار ندارد) . در رابطه با این قسمت نیز تا آنجا که مسئله مربوط به خانوادۀ و دوستان میگردد ، توضیحاتی داده شد و اینک برای توضیح آن قسمت از مسئله که در ارتباط مستقیم با عناصر رژیم است، ابتدا اصول کلی را در مقابله با عناصر رژیم آورده و سپس با اشاره مختصری به سازماندهی سیستم سرکوب رژیم برای مقابله با مبارزه چریکی شهری و شیوه های آن در کشف و سرکوب عناصر و گروههای مبارزه ، بشرح دقیقتری از مسائل و نکاتی که در مقابله با این سیستم ضد خلقی باید رعایت کنیم ، خواهیم پرداخت .

اصول کلی که باید در مقابله با عناصر رژیم رعایت شود عبارت
هستند از:

۱- عادی بودن

آنچه که بیش از همه ما را به پلیس معرفی میکند، رفتار غیر
عادی ماست. پلیس نیز مانند هر کس دیگر علم غیب ندارد و بجز در
مواردی که از قبل تحت تعقیب و شناسائی پلیس بوده باشیم، دلیلی
بر شناخت ما و موقعیتمان بدست ندارد و این ما هستیم که پیشاپیش
با روش غیر معمولی و مرموز خود، توجه او را بخود جلب میکنیم. این
اصل را باید همیشه و در همه جا بکار برد. مثالهایی در این زمینه
را با توجه بآنچه که در مورد رفتار عادی با خانواده، در محیط کار
و غیره گفته شد، میتوان مشخص نمود.

۲- عدم اعتماد مطلق

این اصل مخصوصاً در محیطهای جدید و ناآشنا و در ساره
افراد ناآشنا و غریبه از هر صنف و دستهای که باشند، باید بمورد
اجرا گذاشته شود. در اتوبوس، تاکسی، قطار، هواپیما، سینما،
کتابخانه، دانشگاه و محل کار و... همواره با افرادی روبرو میشویم
که برای ما ناشناخته اند و هرگونه احساس عاطفی و زودگذر در این
مواقع، پایه و اساس یک خطر جدی را فراهم میسازد. مراد ما از
ناشناخته بودن این نیست که ما فقط مشخصات فرد را
نداشته و یا او را اصلاً نمیشناسیم، بلکه خصایل و خصوصیات، طرز

تفکر و زندگی او در طی یک زمان طولانی مورد نظر ماست که عموماً در برخورد های عادی و سطحی قابل شناسائی نیستند . خصوصاً که عوامل رژیم سعی دارند باتکا* تجربیات خود و با روشهای خاصشان ما را بفریبند و بنوعی سراز کار ما در آورند . مثلاً در جریان یک بحث با گفتن نمونه هایی از فقر مردم ، یا در جریان یک اعتصاب ، با مطرح کردن اینکه اعتصاب فایده ای ندارد و آوردن نمونه هایی از کشورهای دیگر و نیز کشور خودمان و طرح سئوالاتی از قبیل اینکسه " بنا بر این چه باید کرد ؟ " و . . . و بالاخره زدن حرفهای بسودار مشابه و یا برانگیختن احساسات و از بین بردن مقاومت عاطفی ما که منجر به صحبتها و اظهار نظرهایی از طرف ما میشود ، سعی در کشف ماهیت و فهمیدن نظرات و عقاید ما میکنند .

در مبحث بعدی ، " سیستم پلیسی دشمن " ، شیوه های دشمن را بیشتر مورد بررسی قرار میدهیم .

سیستم پلیسی دشمن

رژیم پلیسی ایران بدنبال کودتای ضد خلقی ۲۸ مرداد ۳۲ و بدنبال فرمانداری نظامی چند ساله، برای جلوگیری از تشکیل هسته های مقاومت مخفی و درعین حال ایجاد جو عدم اعتماد بین مردم نسبت بیکدیگر و در نهایت حاکم ساختن روحیه های ضعف و ناتوانی در افراد و گروههاییکه تمایل بمبارزه با حکومت دیکتاتوری دارند، " سازمان اطلاعات و امنیت کشور " (ساواک) را برای چپاول بیشتر دسترنج خلق بوسیله امپریالیستهای خارجی و مرتجعین داخلی، در سال ۳۵ بوجود آورد. ساواک در طول سالیان گذشته تا با مرز نقش عمده های در سرکوب جنبش ملی ایران داشته است و در همین فاصله نسبت بسالهای اولیه، دارای تجربیات فراوانی گردیده است. در اینجا بتشریح وضع ساواک و نحوه سازماندهی و تقسیم مسئولیتها و وظائف آن نخواهیم پرداخت، ولی در عوض سازماندهی جدید نیروهای پلیس رژیم کودتا را که برای مقابله با نوع جدید و تکامل یافته مبارزه خلق ایران طرحریزی و اجرا شده، توضیح خواهیم داد.

برای اطلاع بیشتر از سازماندهی ساواک، میتوانید به "پاره ای از اسرار سازمان امنیت" مراجعه کنید.

سازماندهی ارگانهای پلیسی رژیم برای سرکوب مبارزه مسلحانه شهری

سازماندهی و وظائف کمیته

اوجگیری مبارزات خلق ما در سال ۵۰ که تکامل شیوه های نوین تاکتیکی و سازماندهی پیشرفته تر تیمهای نظامی - سیاسی شهری را ایجاد میکرد ، متقابلاً ارگانهای پلیسی رژیم و در رأس آنها سازمان امنیت و اطلاعات شهرداری را مضم ساخت که علیرغم همه تضادهای فیما بین ، دست بکار ایجاد یک اتحاد نظامی - سازمانی در سطح تمام کادرهای فعال خود بشوند . تدارک این امر در حدود زمستان ۵۰ بایجاد کمیته مشترک ساواک و شهرداری انجامید . بدین ترتیب کیفیت بالای نیروهای ساواک که از تجربه بسیار وسیعتری در زمینه کشف و سرکوب سازمانهای سیاسی و مبارز مخفی برخوردار بودند ، امکان یافت با کمیت و امکانات وسیع اطلاعات شهرداری تلفیق شد مواز این جهت بسط بالاتری از کارآئی و گسترش نائل آید . این ارگان (کمیته مشترک) که ظاهراً پیشرفته ترین و متکاملترین نوع سازماندهی پلیسی در مبارزه علیه انقلابیون شهری و محصول آخرین تجربیات جهانی امپریالیسم و جمعبندی موسسات پلیسی او در سرکوب خلقهای مبارز میباشد ، برنامه و هدف اصلی خود را کشف و احصاء عناصر و اعضای سازمانهای مسلح و مبارز شهری قرار داده است . این برنامه در استراتژی کلی تر سرکوب جنبش انقلابی خلق که در سالهای

اخیر بصورت قهر مسلحانه متجلی شده است، قابل بررسی است.
ستاد عمومی کمیته با شرکت اعضای برجسته سازمانهای دولتی و
اجرائی تشکیل شده است. هر سازمان مهم دولتی و هر بخش از
نیروهای نظامی یک نماینده در کمیته دارند. مثلاً نمایندگی وزارت
آموزش و پرورش را در کمیته باصطلاح ضد خرابکاران شهرناسی و
ساواک، "نبوی نوری" مدیرکل سابق فرهنگستان بعهده داشت
و یا یک سرلشکر نماینده نیروی هوایی در کمیته است.

کمیته علاوه بر مبارزه پلیسی - نظامی خود با چریکهای شهری،
برنامه های سیاسی - فرهنگی درازمدتی را هم طرحریزی کرده و
توسط همین نمایندگان بارگانهای اجرائی رژیم ابلاغ مینماید. مانند
برنامه های جدید آموزش ابتدائی و متوسطه که از دوره کودکستان تا
پایان دبیرستان با شستشوی مغزی و تبلیغ ایدئولوژی رژیم از طریق
گجانبیدن مطالب ارتجاعی شاهدوستی یا تبلیغ پیشرفتهای مملکت،
سرودهای شاه پرستانه و ۰۰۰ در برنامه های آموزشی و نیز گجانبیدن
ماده امتحانی "شناخت مملکت" در کنکور دانشگاهها و همچنین
برنامه های فساد پراکی از قبیل کاخهای جوانان و غیره (نکته جالب
توجه اینکه طرحهای اساسی کمیته تاکنون توسط وزارت آموزش و پرورش
باجرا درآمده است)؛ باضافه طرح ایجاد اداره های حفاظت در
هر مؤسسه دولتی یا طرح مسلح ساختن کارخانجات جهت مقابله
با اقدامات چریکی یا برنامه های سخنرانی و تبلیغ برای کارگران یا

کارندان بعنوانین و بهانه های مختلف نیز از اقدامات * کمیته
مشترك * بوده است .

از نظر ایدئولوژیک نیز کمیته با بخدمت در آوردن برخی
از روشنفکران نوکر صفت خود فروخته و منفور (مانند نیکخواه ، دامغانی
لاشائی ، و مرتجعین باصطلاح مذهبی) موضع فعالی گرفته است و
از طریق تبلیغ ایدئولوژی منحط و فاسد طبقه حاکم در قالبهای خوش
آب و رنگ استقلال ملی ، ملیست ، پیشرفتهای اقتصادی ، مذهب
و . . . پشتیبانانی برای خود جستجو میکند .

سازماندهی کمیته بر مبنای تشکیل تیمهای پلیسی کاملاً مسلح و
با تحرك فوق العاده بنام "اکیپهای گشتی" صورت گرفته است و
تاکنون نیز در زمینه های تعقیب و هدفهای ضد مردمی خسود
موفقیتهائی بدست آورده است . مرکز فرماندهی کمیته در محل زندان
موقت سابق واقع در ساختمان شهرداری کل کشور (پشت پستخانه)
قرار دارد و با تعیین وظائف و هدایت و کنترل اکیپها (از طریق
بیسیم) آنها را فرماندهی میکند . کمیته تاکنون توانسته است حدود
۲۰ اکیپ در جهت هدفهای فوق سازمان دهد که در هر نوبت
گشت (صبح و بعد از ظهر) حدود ۲۵ تا ۳۰ اکیپ مستمراً بکار
مشغول هستند .

هر اکیپ گشتی از سه الی پنج نفر (عمدتاً ۴ نفر) که سوار
اتومبیلهای پیکان و تاهای آریا و شاهین و ندرتاً بنز و . . . هستند

تشکیل شده است و در مواقع عادی حفاظت و کنترل منطقه محدود و معینی را عهده دار است. اکیپهای چهار نفری از یک راننده، فرمانده اکیپ در جلو و مسلسلچی و یک نفر دیگر در عقب ماشین تشکیل شده اند که فرمانده از کماندهای ساواک با درجه افسری و مابقی عناصر لومپن و ماجراجو هستند. تجهیزات هر اکیپ عبارتست از یک مسلسل یوزی اسرائیلی، نارنجک و گاز اشک آور که در کیف عملیاتی (کیف جیمزباندی و ۰۰۰) هر تنم قرار دارد، اسلحه های کمری اسپرینگ فیلد آمریکائی که همراه اعضای تنم است و دود ستگانه بیسم که یکی بزرگتر بوده و در داشبورت ماشین قرار داشته و با آن در ارتباط دائم با پایگاه هستند و دیگری دستی و از نوع بیسمیهای که پاسبانهای راهنمایی دارند، اما با طول موج متفاوت، میباشد که وقتی از ماشین خارج میشوند همراهشان بوده و از آن استفاده میکنند. وظایف گشتیها را میتوان بصورت زیر خلاصه کرد:

۱- حفاظت و کنترل منطقه و اگذار شده.

۲- مقابله فوری با هرگونه اقدام چریکی در همان منطقه.

۳- انجام مأموریتهایی که از طرف مرکز از قبیل بازرسی خانه ها و دستگیری افراد و ۰۰۰ باکیپ محول میشود و عموماً باکیپی این وظیفه محول میشود که اولاً سریعتر بتواند مأموریت را انجام دهد و ثانیاً در مأموریت محوله بهترین تجربه را داشته باشد. معمولاً برخی اکیپها غیر از کارائی عمومی در برخی زمینه ها مانند دستگیری

مژنونین ، بازرسی خانه ها ، اجرای قراردادهای لورفته و ۰۰۰ دارای تخصصهایی نیز میباشند ، از قبیل آشنائی بمواد منفجره و طریقه خنثی کردن آن و ۰۰۰ هدایت عملیات در برخی قراردادهای انفراد با تجربه و ۰۰۰

هر اکیپ بطور جنبی وظیفه دیگری هم دارد و آن دستگیری فرد مخفی معینی است . برای اینکار هر اکیپ پرونده و مشخصات فرد مورد نظر را مطالعه کرده و در جریان اطلاعات جدید لورفته قرار میگیرد و در ضمن گشت اگر فرد مذکور در منطقه ای دیده شود این اکیپ بسرعت بآن منطقه میروند . بعلاوه هر اکیپی دارای آلومی از عکسهای بزرگ شده تمام افراد مخفی است .

گشتیها در دو نوبت صبح و بعد از ظهر در خیابانهای اصلی و فرعی اتومبیل روعریض شهر گشت میزنند و در ضمن گشت اگر مورد مشکوکی برخوردارند ، بوسیله بیسیم پایگاه را مطلع کرده و عموماً منتظر دستور میمانند . سپس بفرود مشکوک ایست میدهند و یا او را غافلگیر میکنند . بدین صورت که دو نفر بطرف فرد مورد نظر حرکت کرده و بمحض رسیدن با دستهایش را محکم گرفته بصورت معکوس قلاب میکنند و دو نفر دیگر در حالیکه فرد مزبور را بشدت کتک میزنند بسرعت لباسها و جیبهای او را بازرسی کرده و در عین حال مانع از استفاده او از وسائل دفاعی و یا خودکشی میشوند . در صورتیکه اسلحه یا مدرک دیگری پیدا نکنند ، شروع به بازجویی مینمایند و

بصورت درباره موارد زیر سئوالاتی مطرح میکنند :

اسم ، نامیل ، محل کار ، آدرس منزل ، مبدأ و مقصد ، محل گذراندن شب قبل و شبهای قبل از آن و ...

سپس بخانه فرد رفته و ضمن پرسیدن سئوالاتی از افراد خانواده و یا صاحبخانه آنجا را بازرسی میکنند . در صورتیکه جوابهای سئوالات مطرح شده قانع کننده باشد و بمورد مشکوک دیگری (اعم از پیدا کردن کتاب یا هر مدرک مشکوک کننده دیگر ، تطبیق نکردن جوابهای فرد با گفته های ساکنان خانه و یا سابقه دار بودن فرد) بر نخورند ، با احتمال ۹۰٪ او را آزاد میکنند و گرنه وی را به پایگاه برده و در آنجا بازرجویی را دنبال میکنند . در صورت اول بازرسی خانه سطحی و مختصر است و گرنه قدری دقیقتر خانه را میگردند و در هر صورت در این نوع بازرسیها جاسازیهای مطمئن لونیروئند . اکیپها در صورت دستگیری فرد در ارتباط با یک گروه و یا ... نیز برای بازرسی خانه فرستاده میشوند که در این صورت بازرسیشان بسیار دقیق خواهد بود .

از وظائف دیگر گشتیها ، رفتن سر قرارهای لورفته میباشد . در اینگونه مواقع تیمهای عمل کننده که تعداد آنها در سر قرار لورفته به ۶ تا ۸ اکیپ میرسد (که در این اواخر برای برخی از قرارهاییکه مهم تشخیص داده شده بود ، پلیس حتی حدود ۲۵ اکیپ گشتی و چند اکیپ تعقیب و مراقبت در منطقه سازمان داد که بنحوکاملاً

پیرنیدهای متناسب با شرایط محیط و محلهای طبیعی عمل میکنند) و حداقل نیمساعت قبل از موعد اجرای قرار در نزدیک محل حاضر شده و فرمانده عملیات آرایش تیمها در محل و منطقه و نیز وظائف هر تیم گشتی را مشخص میکند. • اکیپها در تمام طول عملیات نیز با فرمانده عملیات در تماس بوده و با گزارش اوضاع دستور دریافت میکنند. • باید توجه داشت که اکیپها در سرقرار کاملاً استوار کرده و بهیچوجه در ترکیبهای اکیپی حرکت نمیکند. • ماشینهایشان را مطابق نقشه ای که از طرف فرمانده عملیات قبلاً طرح شده پارک کرده و در هر ماشین معمولاً فقط یک نفر باقی میماند و بقیه با آرایش منظمی مطابق همان نقشه در منطقه پخش میشوند.

دو سه نفر معمولاً با فاصله سه تا چهار متری فرد اسیر (کسیکه قرار را لود کرده) حرکت میکنند (و یا ممکن است بعد از اینکه منطقه را کاملاً محاصره کردند و مطمئن بودند که اسیر نمیتواند فرار کند او را در حال کاملاً عادی رها کنند). • هندی نفر در ابتدا و انتها و در مسیر قرار ایستاده، ضمن نگاه کردن با اطراف، بلند بلند صحبت میکنند. • گاهی مغازه ها و خانه های محل قرار نیز بوسیله افراد عمل کننده اشغال میشود. • درهای باز و افرادی که هر چند وقت یکبار از آن بیرون میشوند، این خانه ها را مشخص میسازد. • در هر حال یک یا دو نفر مسلسل بدست بتنهائی یا همراه فرمانده عملیات از مکانی که مسلماً بنطقه قرار است (پنجره یا بالکن) محل قرار

را زیر نظر دارند . ماشینهای با آنتهای بالا در گوشه و کنار در ابتدا و انتهای محل قرار، پارک شده اند

نکته قابل توجه اینکه قبلاً اعضای تیمها خود را بخوبی با محیط توجیه و منطبق میکنند . مثلاً سر قرار اسد الله مفتاحی چند نفر خود را بشکل چویدار در آورده و همراه با مقداری گوسفند بمحل قرار که نزدیک کشتارگاه بود ، رفتند و یا در سر قرار دیگری که در جنوب شهر بود مسلسل خود را در لنگی قرار داده بودند و . . . ولی اکنون بعلت کثرت کار و مامورتهای مختلف و متعددی که یک اکیپ در یک روز اجرا میکند ، عموماً نمیتواند خود را با محیط تطبیق دهند (مانند قرار اسد الله) و عموماً با همان سر و وضع معمولی سر قرار میروند . اما این موضوع مانع آن نمیشود که در هر حال برای قرار افراد با اهمیت از استتار و تهیه وسائل لازم خودداری کنند . بعنوان مثال در قرارهای که سرپل جوادیه مربوط بیکمی از افراد مخفی لو میروند ، کمیته با وسائلی از قبیل درشکه و بمنطقه قرار میآید . در اینگونه موارد برای اینکه فرصت هر نوع عکس العملی (تیراندازی ، فرار ، خودکشی و) را از فردی که بدام میافتد سلب کنند ، میکوشند او را غافلگیر کرده از پشت بگیرند و گرنه او را بر کبار مسلسل میندند (البته از ناحیه پاها ، مگر اینکه از فرد بشدت وحشت داشته باشند) دیده شده که در محدوده قرار تاکسی‌هایی با راننده ساواکی در تردد هستند تا اگر فرد موفق بفرار شود ، بدین وسیله او را بدام انداخته و دستگیر

کنند .

گشتیها ماموریتهای دیگری از قبیل بستن يك منطقه محدود که گزارشهای مبنی بر تردد پریک در آن رسیده باشد دارند . شکل کاربردین سوال است که در ساعات معین که معمولاً صبحهای زود و یا بعد از ظهر و یا اواخر شب میباشد ، تعدادی از اکیپها تمام مدخلهای ارتباطی خیابانهای يك منطقه را بصورت نامرئی مینندند بدین ترتیب تمام رفت و آمدها را زیر نظر گرفته و موارد مشکوک را بلافاصله با بیسیم با اکیپهای دیگر گزارش میدهند . اکیپهای دیگر فرد مورد نظر را تعقیب و کنترل کرده و در يك زمان و مکان مناسب که عموماً خارج از منطقه میباشد او را دستگیر میکنند . در این میان تعداد دیگری اکیپ و نیز موتور سوار در داخل محدوده به گشت متراکم مشغولند . گاهی اوقات نیز يك خیابان را بطور مرئی بسته و مثلاً کلیه موتور سوارهایی را که از آن منطقه عبور میکنند ، مورد بازرسی قرار میدهند . مثلاً در روز ۲۸ مرداد سال ۵۲ بین ساعت های ۶ تا ۸ صبح و ۲ تا ۳ بعد از ظهر بعضی از خیابانهای منطقه غرب بسته شد . این خیابانها عموماً حول د و محور متعامد نواب - دامپزشکی بودند .

وظائف دیگر اکیپها شرکت در عملیات تعقیب ، محاصره خانه های مشکوک ، درگیریها ، حاضر شدن در محلیکه عملیات پریکی صورت گرفته و . . . میباشد . جدیداً این اکیپها برای اینکه

در برخورد ها نیروی بیشتری داشته باشند ، دوتا دوتا و بفاصله
کمی از هم (که بتوانند همدیگر را ببینند و یا با بیسم کوچکسان
با هم تماس بگیرند) حرکت میکنند .

مشخصات اکیپها

غیر از ترکیب چهار نفری و تیپ افراد این اکیپها که مشخصه
اولیه هر اکیپی است ، بالا بودن شیشه های اغلب ماشینهایشان
حتی در تابستان ، بعلت ترس از پرتاب نازجک و حمله چریکها ، و
استار نمره عقب پیکانهای گشتی در زیر سپر ، بطوریکه خواننده
نمیشود نیز ، از علائم مشخصه دیگر اکیپها است . البته اخیراً کمیته
با آگاهی از اینکه انقلابیون از استار نمره عقب ماشینهای گشتی
مطلعند ، اقدام به از بین بردن این رد نموده است و حتی
تعدادی از ماشینهای خود را عوض نموده است . افراد اکیپ دائماً
اطراف را با کجکاوی زیاد نگاه میکنند و این نگاههای جستجوگر
و کجکاوی از مشخصاتی هستند که میتوان با توجه بآن ماشین گشتی
را تشخیص داد . آنتن بیسم ماشین کوتاهتر از آنتن رادیو (بیشتر
از نیم متر نمیباشد) است که در همان محل آنتن رادیو نصب شده
است . در این ماشینها اغلب چند آینه وجود دارد که افراد اکیپ
را با طرف ملط ترکرده و آنها را در کشف تعقیب که نسبت به آن
فوق العاده هوشیار و حساس هستند ، کمک میکند .

اکیپ های تعقیب و مراقبت

غیر از اکیپهای ضربتی کمیته ، اکیپهای مجزای تعقیب و مراقبت

که تحت فرماندهی مستقلی عمل میکنند ، نیز وجود دارند .

وظیفه این گروهها در جنب وظایف کمیته قرار دارد و مطابق

طرحها یا نظراتیکه کمیته میدهد ، افراد خاصی را که ممکنست سرخ

یک گروه جدید و یا سرخ یک فرد فراری باشند ، مورد تعقیب و

مراقبت پیچیده و دراز مدت قرار میدهند . این اکیپها عموماً اقدام به

دستگیری نمیکند بلکه فقط بطور غیر محسوس در مدتی طولانی و در

موارد متعدد و متناوب (بدون پیوستگی زمانی) شخص مورد نظر را

تعقیب میکنند . سیستم چنین تعقیبی جمعی بوده و چند اکیپ در

موقعیتهای مختلف در جریان آن شرکت میکنند . اکیپها کاملاً موتوریزه

هستند (انواع ماشین و موتور سیکلت و ...) و هر یک مجهز به یک

دستگاه بیسیم و همچنین دوربینهای مخفی که قادرند در شب نیز

بدون نور عکسبرداری کنند ، میباشند .

این نوع تعقیب و مراقبت اولاً عموماً برای افراد علنی بکار میرود و

ثانیاً کاملاً محدود بوده و از آن هدفهای خاصی مورد نظر است که

آنها از دیگر موارد مشکوک متمایز میکند . چرا که کلاً برای ساواک امکان

ندارد هر فرد مشکوکی را مورد تعقیب و مراقبت طولانی قرار دهد و

اغلب ترجیح میدهد که بلافاصله او را دستگیر کرده و زیر شکنجه بسا

توجه بقرائن موجود از او اعتراف بگیرد . اما موارد خاصی که ساواک

دست با اینکار میزند ، همانطور که گفته شد ، امکان دسترسی با افراد
فراری از طریق افراد علنی و یا کشف گروه جدید میباشد .

شیوه های مقابله با سازماندهی و تاکتیکهای جدید سرکوب رژیم
عناصر مبارز مخفی باید چگونه در شهر حرکت کنند ؟ (۱)
همانطور که بارها تذکر داده شده است ، "هوشیاری انقلابی"
اصل طلائی جنگ چریکی شهری است . یک چریک همیشه بساید
هوشیار باشد . وقتی در شهر حرکت میکنیم ، هر لحظه امکان برخورد
با گشتیهای پلیس و افراد مشکوک وجود دارد . تنها و تنها بسا
هوشیاری و آمادگی است که میتوان در هر مورد عکس العمل مناسب
نشان داد (دور شدن از منطقه و یا درگیری و ضربه زدن بگشتی) .
فهمیدن اینکه تعقیب میشود یا نه ، بوسیله تاکتیکهای مختلف
و نیز کم شدن از تعقیب (سوار تاکسی شدن ، رفتن در کوچه ها ،
رفتن در مکانهای دور و ...) فقط بوسیله هوشیاری دائم انقلابی
ممکن است . وقتی عادی بودن وضع ظاهری و تطبیق کامل با محیط
(بطوریکه وضع ظاهری ما مشکوک نبوده و دیدن ما در منطقه سئوالی
برای کسی پیش نیارد) را با هوشیاری دائم همراه کنیم ، آنگاه
احتمال ضربه خوردن خود را به حداقل رساندیم . مثلاً هیچگاه

۱- توجه شود که این قسمت برای افراد مخفی نوشته شده است .

در مواقع غیر ضروری بدون داشتن محل و وضع مناسب نباید به شمال شهر برویم. نباید بطور غیر عادی یا دوسه نفری در کوچه ها حرکت کنیم (با توجه باینکه اخیراً پلیس در کوچه ها هم گشت گذاشته کسه پیاده یا با موتور و مجهز به بیمسیم بوده و بسرعت میتوانند کمک بگیرند) نباید سوار موتور شد و یا چند نفری مبادرت به سوار شدن در اتومبیل شخصی بنمائیم، بیه اینها از مواردی هستند که گشتیها را مشکوک میکند. در صورتیکه ضرورتاً از موتور یا ماشین استفاده میکنیم، ضمن آهسته راندن مقررات رانندگی را نیز باید دقیقاً رعایت کنیم. وضع ظاهری و سرو لباس ما نیز باید متناسب با محلی که از آن عبور میکنیم باشد. چه لباس نامتناسب (پوشیدن شلوارلی و مخملی، کفشهای کتانی و راحتی و کاپشن، در شمال شهر لباس ژنده و در جنوب شهر لباس شیک پوشیدن و...) نیز موارد مشکوک کننده میباشند. از بیرون بودن در ساعات وسط روز که همه سرکارهاشان هستند و یا قبل از ساعت شش صبح و بعد از ۹/۵ شب باید خودداری کنیم رفتن بقهوه خانه، کله پاچمای، مسافرخانه، جگرفروشی و... نیز پنانه بدون دقت لازم صورت گیرد، ممکن است مشکلاتی بیاریاورد. عبور از جاهائیکه تحت کنترل پلیس است، مثل بیابانهای اطراف تهران (هاشم آباد، مسکرباد، شترخان و...) توقف در یک نقطه (مگر در مواقع ضروری و یا حفظ وضع ظاهری متناسب) نیز خطراتی را متوجه ما خواهد نمود.

گشتیهای کمیته روی کسانیکه در حاشیه خیابان حرکت کرده ،
 منتظر تا کسی بوده و یا در صفهای خلوت اتوبوس ایستاده اند دقت
 بیشتری کرده و حساس ترند . بنا براین از انجام چنین اعمالی باید
 خودداری کرد . مضافاً اینکه در صفهای شلوغ اتوبوس نیز نباید
 منتظر شد چه در صورتیکه فردی مشکوک و یا ساواکی ما را ببیند ،
 فرصت هرکاری را خواهد داشت . چون بهر حال ما خواهان برخورد
 با پلیس نیستیم ، نباید دست بلعالمی که در انتها سروکارمان را با
 پلیس و کلانتری خواهد انداخت بزنگ (دعوا کردن و ۰۰۰) . آخرین
 نکته اینکه ، گذاشتن کلاه کیس و سبیل مصنوعی و ۰۰۰ عموماً علاوه بر
 اینکه وضع ما را عادی تر نمیکند ، شک پلیس را نیز بر میانگیزاند (مگر
 اینکه برای یک حالت خاص و بسیار محدود مثل عملیات باشد) .

افراد مبارز علنی چه ضوابطی را باید هنگام حرکت در شهر رعایت
 کنند ؟

افراد علنی با در نظر گرفتن آنچه در قبل گفته شد ، کافیست
 مدرک حمل نکنند (بجز در موارد لزوم که در اینصورت و نیز در همین
 یک ارتباط سازمانی و یا انجام مأموریت باید درست مانند یک فرد
 مخفی عمل نمایند) و خانه شان تصفیه بوده و یا مدارکشان در
 جاسازیهای مطمئن باشد و همچنین از نظر خانواده برای غیبتهای
 احتمالی خود از خانه محل داشته باشند تا هیچگاه از طرف پلیس

ضربه نخورند • برای رسیدن بچنین هدفی باید همیشه نسبت بسه
 تصفیه بودن خود و خانه و گذاشتن مدرک در جاسازی مطمئن شد و
 ... ناگفته نماند که اینگونه افراد همیشه در هر مسیر و در هر نقطه
 شهر که هستند باید محملی برای بودنشان در آن نقطه داشته
 باشند • افراد علنی باید قبلاً روی سئوالاتی که ممکن است از طرف
 کشتیهای کمیته از ایشان بشود ، فکر کرده و جوابهای مناسبی برای
 آن پیدا کنند تا در صورت جلب شدن توسط گشتی بتوانند بخوبی
 با حالت تعجب و طلبکاری (که برا مزاحم مردم میشوند ؟ ... اصلاً
 شما کی هستید ؟ و ...) جواب آنها را بدهند • حتی این افراد
 میتوانند برای امتحان کاربری ، جسارت و ... خود در خیابان بسته
 مشکوک حمل کنند ، با لباس مشکوک (کاپشن ، کفش کتانی و ...) ،
 و یا دوترکه سوار موتور شده و در خیابان و جلو گشتیها و پراژ دهند
 از محلهای تحت کنترل پلیس عبور کنند و حرکات مشکوک کننده دیگر
 انجام دهند که مورد سوء ظن گشتی واقع شده و تحت بازجوئی قرار
 گیرند و یا حتی بکمیته برده شده و در آنجا بازجوئی شوند تا علاوه
 بر امتحان خود ، روحیه شان تقویت شده و تجربه بدست آورند چون
 هیچ چیز برای پلیس ناگوارتر از این نیست که تاکتیکهایش برای مردم
 فاش شود • البته باز هم تأکید میکنم که این اعمال وقتی میتوانند
 صورت گیرند که مدرک همراه نداشته باشیم و خانه ما حتی الامکان از
 مدرک پاک باشد و در غیر این صورت مدارک در جاسازی خیلی مطمئن

باشند و همچنین از اینکه افراد خانواده حرفی نخواهند زد که موجب
بروز اشکالاتی شود ، مطمئن باشیم و ۰۰۰ نکته ای که باید تذکر داد
اینست که افراد علنی سابقه دار نباید تحت هیچ شرایطی دست به
پنن اعمالی بزنند •

با توجه بآنچه که گفته شد و بر مبنای تجربیاتی که تاکنون حاصل شده است، چنین مشخص میشود که ضربه هائیکه تاکنون با افراد علنی وارد شده، عمدتاً نه از طریق حرکت در شهر و یا رابطه معمول آنها در محیط کار، بلکه بواسطه ارتباطات زیاد و پراکند موسازمان نیافته محفلی، دادن و گرفتن و نگهداری بی حساب مدرک ورد و بدل نمودن اعلامیه، آشنائی و ارتباط با عناصر سابقه دار و آلوده سیاسی و شرکت در بحثها و فعالیتهای سیاسی و نیز نفوذ عناصر ساواکی بین آنها و خلاصه در تضاد بین کار و فعالیت سیاسی سازمان نیافته افراد و گروهها، باشکل متمرکز و شیوه های سازمان یافته پلیس در کشف و سرکوب این فعالیتهای افراد میباشند.

رعایت تذکرات و تجربیاتی که در این جزوه آمده و سازمان دادن فعالیتهای سیاسی (تا آنجا که بکار هر گروه مربوط میشود) بر مبنای تجربیات بدست آمده، کم کردن و سازمان دادن ارتباطات و رعایت مسائل امنیتی میتواند از بسیاری از ضربه ها جلوگیری کند.

در اینجا بیك مجرای مهم دیگر ضربه پذیری افراد علنی و نیز گروهها و محفلهای یعنی "نفوذ عناصر دشمن بین گروهها" اشاره میکنیم که ضربه ها و لورفتها اکثراً از همین نقطه ها شروع شده و

سپس با دخالت عوامل دیگر (عدم سازماندهی و ارتباطات زیاد و ۰۰۰) گسترش پیدا نموده است.

همانطور که گفته شد، بعد از وقایع مرداد ۳۲ و متلاشی شدن حزب توده که با خیانت عدای از رهبران آن همراه بود، "سازمان اطلاعات و امنیت کشور" تشکیل شده و محور کار خود را کشف و سرکوب عناصر و گروههای مبارز قرار داد و برای نیل باین هدف دست بایجاد شبکه ای زد که بعدها به "شبکه مادر" معروف شد. در مرکز این شبکه که عمدتاً با همکاری عناصر خائن حزب توده سازمان داده شده است، "تشکیلات تهران" و "گروه جریان" و در رابطه با آنها گروه "ساکا" قرار داشتند. این گروهها با دست زدن به فعالیتهای باصطلاح سیاسی-مخفی همراه با اشاعه شی های فرصت طلبانه سیاسی برسوخ در گروههای مبارز دیگر و شناسائی عناصر این گروهها و محفلهای سیاسی اقدام کرده و بدین ترتیب زمینه شناسائی این گروهها و محفلهای سیاسی را بوسیله رهبران خائن و وابسته شبکه فراهم مینمود. بعلت محدودیت قشر روشنفکر مبارز و لذا ارتباطات زیاد و سازمان نیافتگی این ارتباطات بین گروههای مبارز، این شبکه تا حدود زیادی در کار خود موفق بوده است. بطوریکه اکثر سازمانهاییکه بعد از سال ۴۰ در تور ساواک افتاده و سرکوب شده اند، کشفشان از این طریق صورت گرفته است نظیر گروه جزئی، گروه رشت کنگاور، گروه فلسطین و ۰۰۰ حتی

سازمانهای مسلح شهری نیز از این نفوذ برکنار نبوده اند چنانکه ساواک از طریق همین شبکه موفق به شناسائی چند نفر از اعضای سازمان چریکهای فدائی خلق (شهید اچوپان، گلوی، توکلی و ۰۰۰) گردید که با پیش آمدن جریانات سیاهکل و مخفی شدن ناگهانی عناصر این سازمان ضربهای از این طریق متوجه آن نمیشود و نیز سازمان مجاهدین خلق ایران که بوسیله "الله مراد دلفانی" از اعضای ساواکی "تشکیلات تهران" لورفته و ضربه اول شهریور ۵۰ برپیکر آن وارد شد.

با تکامل مبارزه در ایران و همگام با آن تکامل سازماندهی گروههای پیشتاز، امکان نفوذ این شبکه و اجرای اهدافش بیسن پیشگامان مبارزه مسلحانه بضرر رسیده است. ولی باید دانست هنوز گروهها و محفلهای کوچک و حاشیهای در معرض نفوذ و هجوم عناصر این شبکه قرار دارند. بنابراین افرادیکه در گروهها و محفلهای کوچک سیاسی فعالیت میکنند باید در ارتباط با عناصر غیر تشکیلاتی و انتخاب افراد برای همکاری، توجه و دقت بیشتری مبذول دارند. در این زمینه همیشه باید مبنی را بر "عدم اعتماد مطلق" و مشکوک بودن فردی که تصمیم گرفته ایم با وی همکاری کنیم قرار دهیم و تا وقتی که خلاف این فرض با شواهد عینی و کافی ثابت نشده اقدام به ارتباط گیری با وی و مطلع ساختنش از ماهیت خود و گروهی که در آن فعالیت میکنیم، ننمائیم. پس از اینکه بمشکوک نبودن فرد مورد

نظر با انجام تحقیقات دقیق و پرحوصله و نیز در آزمایشهای مختلف اطمینان صد درصد (تأکید میکیم صد درصد) حاصل کردیم ، آنوقت باید بوضع امنیتی وی از نظر سابقه دار بودن و شناسائی اش توسط پلیس ، وضع ارتباطاتش ، فعالیتهای سابق و کنونیش و... توجه کرده و در صورتیکه از این نظر وضع وی مناسب نیست ، از ارتباط فعال با وی خودداری نمائیم . با توجه باینکه کمیته اخیراً مقداری از فعالیتهای خود را به تعقیب چنین افرادی متمرکز کرده است ، تماس با اینگونه افراد باید با رعایت دقیق و موموی مسائل امنیتی و بطور غیر فعال باشد . اگر تماس فعال با این افراد لازم و ضروری باشد ، در اینصورت باید اقدام به مخفی نمودن فرد مذکور کرده و هیچگاه نباید امکانات و خصوصیات یکفر ما را فریب داده و دنبال خود بکشاند . خصوصیات و امکانات یکفر همیشه باید پس از وضع امنیتی او و در رابطه با آن مورد توجه قرار گیرد چه در صورتیکه زمینه استفاده از چنین امکاناتی موجود نباشد و همچنین بخورد حساب شده و با رعایت همه ضوابط (مخصوصاً ضوابط امنیتی) با آن صورت نگیرد ، مطمئناً چنین امکاناتی به ضد امکانات تبدیل شده و ضربه خواهند زد . در این مورد باید توجه کرد که در جریان یک مبارزه ضد امپریالیستی ، هر یک از افراد خلق در هر موقعیت و یا هر مکانی در صورتیکه از آگاهی و صداقت اولیه برخوردار باشند ، طبیعتاً موضعی در امر مبارزه خواهند داشت که باید آنها را اشغال کند . اما در

شرایط کنونی ایران و با توجه به محظورات و محدودیت‌های تاکتیکی که مبارزه را فرا گرفته ، گروه‌ها و سازمانهای مبارز قدرت جذب فوری همه عناصر صادق و مبارز را نداشته و بنابراین ملزم با اجرای ضوابطی با توجه به نوع و سطح فعالیت ، معیارها و مشخصات خود هستند که بالطبع در استفاده از امکانات و ... محدودشان خواهد کرد . اصلی که باید رهنمون هر گروه و سازمان مبارز در این زمینه باشد ، اینست که در هر سازمان ، گروه و یا محفل سیاسی ، رشد کیفی باید مقدم بر رشد کمی مورد توجه قرار گیرد و هیچگاه نباید فدای آن گردد . در اینجا منظور توضیح و بیان ضوابط عضوگیری بهیچوجه نیست ، عضوگیری مسئله پیچیده ای است که حل آن برای یک سازمان فقط در عمل و در طی پروسه طولانی و گذر از مراحل مختلف و بر مبنای نوع فعالیت ، تاکتیکها و سازماندهی ، ایدئولوژی و سایر مشخصات آن سازمان ممکن خواهد بود . حال بشرح سازمان مادر میپردازیم .

دیاگرام و شرح سازمان مادر

سازمان امنیت ایران بعنوان یک سازمان پلیسی سیاسی - مخفی ، متناسب با هر مرحله از رشد و تکامل جنبش ، شیوه های اهریمنی تعقیب و دستگیری خود را تکامل داده است . یکی از مهمترین برنامه های دراز مدت ساواک در بتورانداختن سازمانهای سیاسی ، طرحی است که بنام طرح "سازمان مادر" معروف است .

اکنون توانسته ایم خطوط اصلی این طرح بزرگ و درازمدت را که در طی قریب ۱۶ سال (از ۳۴ تا ۵۰) بهترین نتایج را در کشف و دستگیری گروهها برای سازمان امنیت بیار آورده ، کشف کنیم . نقاط مبهم و نامشخصی هنوز وجود دارد که با پی جوئی و دقت مبارزه با انقلابی بمرور روشن خواهد شد ، آنچه اهمیت دارد این است که راز این حربه بزرگ اکنون از پرده بیرون افتاده است و بخصوص با سازماندهی جدید نیروهای مبارز مسلح ، چنین حریمای بیش از پیش کدتر میگردد .

ساواک بعد از سرکوب کامل حزب توده و سازمان افسران آن در پایان سال ۳۳ ، کم کم باین فکر افتاد که از عناصر سست عنصر و خائن حزب ، برای مقاصد ضد انسانی خود کمک گرفته و تجربه سیاسی آنها را در خدمت منافع کثیف استعماری قرار دهد . (البته در آن موقع هنوز ساواک تشکیل نشده بود و فرمانداری نظامی کار ساواک را میکرد) این نقشه بعداً با فکر دیگری تکمیل شد . باین معنی که ساواک به عده ای از عناصر خود فروخته و خائن که مخفیانه خود را در خدمت پلیس گذاشته بودند ، اجازه داد که همچنان بفعالیت سیاسی - مخفی خود ادامه دهند تا از این طریق شبکه های خود را در میان ائتشار روشنفکری و گروههای مبارز بپراکند . در این میان بسیاری از عناصر با صداقت و کم تجربه نیز جذب این گروههای با اصطلاح سیاسی - مخفی شدند . بدین ترتیب علیرغم افراد بالای این گروهها که

عناصر خائن و خود فروخته بودند ، افراد صديق و ساده ای هم وارد این گروهها گردیدند . بخصوص از طریق همین افراد ساده و صديق بود که این گروهها جلب اعتماد افراد و گروههای دیگر را کرده و اطلاعات لازم را از طریق همین افراد بکادرهای خائن بالا و از آنجا بساواک رساندند . این گروهها ، که در واقع چیزی جز يك شبکه اطلاعاتی برای پلیس نبودند ، توانستند بسرعت شاخکهای خود را در میان روشنفکران و سازمانها یا گروههای کوچکتر سیاسی فرو کنند . از آنجا که عناصر تشکیل دهنده سازمان مادر بیشتر از عناصر حزب توده بودند ، عمدتاً توانستند در میان سازمانهای مارکسیستی نفوذ کنند . عمده ترین این سازمانهای سیاسی که ماهیتاً پلیسی بودند ، عبارتند از :

۱- تشکیلات تهران

این گروه در مدت فعالیت خود توانست خدمات زیادی به سازمان امنیت بکند . گروههای متعددی توسط این سازمان بدام پلیس افتادند . این همان گروهی است که ساواک طی مصاحبه مقام امنیتی در سال ۴۹ ، بالاخره مجبور شد بعنوان يك گروه کشف شده پایان کارش را اعلام کند . طرحهایی از قبیل نفوذ در سازمان امنیت عراق و طرح ترور قلبی زئرال الراوی و بالاخره کشف و شناسائی بختیار در عراق توسط همین گروه صورت گرفت . اصلی ترین

عنصر پلیسی این گروه فردی است از عناصر خائن حزب توده بنام عباس شهریاری که کاملاً در خدمت پلیس میباشد. ساواک برای رد گم کردن، او را بعنوان اسلامی، مرد هزار چهره، به مطبوعات معرفی کرد و عکسهائی از پسر کردن از او گراور کرد و بدین ترتیب میخواست وانمود سازد که عباس شهریاری خائن، يك عنصر سیاسی غیر پلیسی است. این شخص در سال ۴۵ توانست چند تن از اعضای فعال حزب توده را از خارج بایران بکشد و تحویل ساواک دهد. همچنین دو نفر از اعضای بالای حزب توده در داخل ایران را بنامهای علی خاوری و پرویز حکمت جو، بدام پلیس انداخت.

بسیاری از گروهها و سازمانهاییکه لو رفته اند هر يك بنحوی از انحاء با این سازمان در تماس بوده اند بدون اینکه حتی خود متوجه باشند (بعلمت محدودیت قشر روشنفکر و ارتباط زیاد میان افراد این قشر).

۲- ساکا (سازمان انقلابی کمونیستهای ایران)

ساکا در واقع تلفیقی است از دو سازمان کمونیستی بنامهای (گاما) برهبری دکتر ستارزاده و (یکا) ، پادر کمونیستی ایران، (یادر بمعنای هسته) برهبری امامی. بعدها، پس از خودکشی امامی، ستارزاده توانست رهبری ساکا را نیز بعهده بگیرد.

ستارزاده همان کسیستکه بعد از حدود ۲۰ سال فعالیت

مخفی ، وقتی در سال ۴۹ توانست حدود ۲۰۰ نفر را بدو و تشکیلات خود جمع کند ، همه را یکجا تحویل پلیس داد و در حالیکه خود و پسرش فریدون ستارزاده (فارغ التحصیل رشته فیزیک دانشگاه علوم دانشگاه تهران) بهش از ۱۱ روز در زندان نماندند (و اکنون بقرار اطلاع ، مجدداً تحت نظر ساواک شروع بکار با اصطلاح مخفی سیاسی کرده اند) ولی افراد پائین این سازمان هر کدام به ۵ تا ده سال زندان محکوم شده اند . ستارزاده لیستی موبکب از اسامی ، شغل مدارس سازمانی و کیفیت کاردانی ۲۰۰ نفر از اعضای خود را در عرض یک جلسه در اختیار ساواک قرار میدهد و همگی افراد ساکایک روزه بدام پلیس میافتند .

جریان واقعه از این قرار است که ساکا در سال ۴۹ تقریباً منحل میشود . دو نفر برای گرفتن ارتباط با فدائیان شمال میروند بعلت جو پلیسی حاکم بر شمال بخاطر عملیات فدائیان ، ایندو نفر مورد سوء ظن قرار گرفته و بازداشت میشوند . ایندو نفر محمول مناسبی نداشتند و قضیه جدی گرفته میشود . از نزد آنها شماره تلفن ستارزاده را در مشهد کیر میآورند و او را دستگیر میسازند وی قول میدهد که بشرط آزادی ، همه چیز را بگوید و بعد از اینکه ساواک قبول میکند ، او یک کروکی کامل از اعضای گروه رسم میکند .

امامی با اینکه با پلیس همکاری نکرده ، ولی سوابق زسادی در خیانت با آرومانهای حزبی داشته است . وی مدتها پیش عاشق یک

دختر ارضی میشود . پول تشکیلات را صرف مخارج این دختر میکند
و وقتی قضیه فاش میشود ، خودکشی مینماید و بدین ترتیب راه را
برای رهبری ستارزاده ، همانطور که گفته شد ، کاملاً باز میکند . گروه
ساکا هنوز از قرار معلوم فعالیت سیاسی دارد و به نشر افکار
اپورتونیستی علیه مبارزه مسلحانه و ارائه تزه‌های فرصت طلبانه سیاسی
میپردازد .

لازم‌بیادآوری است که باین ترتیب ، ساواک نه تنها تئورپلیسی
خود را بوسیله این سازمانها که از بالا بخودش متصل هستند پهن
میکند ، بلکه افکار اپورتونیستی و ارتجاعی سیاسی را بوسیله همین
سازمانها وارد در مجامع روشنفکری کرده و باین ترتیب میکوشد
وحدت فکری و نظری را در بین مبارزین دچار اخلال کند .

۳- گروه جریان

بعضی از گروهها خصلت اپورتونیستی داشته و غیر مستقیم تحت
نظر ساواک هستند . ساواک با اینکه این گروهها را میشناسد و
افراد آنها بدقت ارزیابی کرده است ، ولی تا هر وقت که ضرورت
ایجاب نکند ، آنها را دستگیر نمینماید . از جمله این گروهها ،
گروهی است که معتقد بکار سیاسی بمعنای تهیه و تکثیر جزوات و
بخش آنها در محافل روشنفکری است . نام این گروه "جریان" یا
"پروسه" است که غالباً از عناصر توده‌ای قدیم شکل یافته اند . افراد

این گروه عبارت بودند از: پرویز بابائی (مترجم کتاب تاریخ عرب) ،
عاقلی زاده ، حسین سرشار (که قبلا در جامعه سوسیالیستها همراه
با خلیل ملکی محاکمه شده بود و اکنون در خارج است) و فردی
بنام فخار که در دادگاه از خود ضعف نشان داده و ابراز ندامت
کرد . ساواک با اینکه این گروه را میشناخت آنها را دستگیر نمیساخت
تا از طریق آن به ردپاهای دیگر از گروههای اصیل و انقلابی پی
ببرد . علت دستگیری افراد این گروه ، تماس با فردی بنام بیژن
چهرازی بود که ساواک فکر میکرد این فرد جزو افراد گروههای
مسلح است و بعلمت اینکه بیژن حدود پنج سال زندگی مخفی داشت
و ضمنا توانسته بود مقادیری دینامیت از شرکت ساختمانی که در آن
کار میکرد صادره نماید ، ساواک شیدا به ترس افتاد که مبادا
افراد دیگری در رابطه با کارهای مسلحانه در اطراف این گروه
کرده باشند که بلافاصله همه آنها را در مرداد ماه ۵۰ دستگیر
ساخت و از طریق افرادی مانند محسن مصباح و فخری ، این
گروه به گروه تشکیلات تهران وصل شده است (بکروکی مراجعه شود)
همچنین گروه دیگری بنام گروه مهند سین که از سال ۴۸ دیگر
فعالیتی نداشته و کامل مورد شناسائی ساواک قرار داشت ، یکی از
افرادش با عضوی از چریکهای فدائی خلق (شهر) تماس برقرار
میکند . این فرد را دستگیر میکنند و یک اعلامیه از چریکهای فدائی
خلق پیش او پیدا میکنند . بلافاصله تمام افراد گروه را در تابستان

۵۰ (بعد از دو سال که دیگر فعالیت سیاسی نداشتند) دستگیر میکنند. افراد این گروه عبارت بودند از: فرامرز خدادادی، سعید آزمون، درودی، عالم زاده و ۰۰۰ که ضمناً همگی فارغ‌التحصیلان دانشکده فنی تبریز بودند. این گروه از طریق ارتباط مستقیم فرامرز خدادادی با عباس شهرپاری، که او را عنصری مبارز و فعال بحساب می‌آوردند، تحت نظر تشکیلات تهران و در واقع تحت نظر ساواک قرار داشت.

از دو گروه بالا، اکنون همگی آزاد شده‌اند و تنها بیژن بهراری به ده سال محکوم شد. از گروه ساکا تمام افراد بالای آن به کمتر از پنج سال محکوم شدند که بعداً از آنها عفو خورد و فوقیه هم در جریان کار است و تنها عناصر صدیق و ساده‌ایکه عموماً از رده‌های پائین و کارگر بودند به ۲-۶ سال زندان محکوم شدند. همچنین شبکه اصفهان ساکا که به جناح چپ آن معروف است، بعد از عملیات سیاهکل در صدد برمی‌آید که از مشی مسلحانه پیروی کند. مرکزیت گروه در تهران مخالفت میکند که بالاخره بانسحاب شبکه اصفهان منجر میشود. این شبکه اقدام بصادره یک بانک میکند که در جریان آن لورفتمودستگیر میشوند. افراد آن عبارت بودند از: محمود نوابخش، معینی عراقی، عبدالله مهری، حسینی که اولی به ابد و دومی و سومی به ده سال و چهارمی به چهار سال زندان محکوم شده‌اند.

اکنون دیاگرام گروه‌هایی را که تاکنون لو رفته اند رسم کرده و مشخص می‌نمائیم که هر یک بطور زنجیری و در نهایت بیکی از چند گروه فوق‌الذکر متصل می‌شده اند (البته بعضی از گروه‌ها بدون ارتباط و از طریق دیگر به تور پلیس افتاده اند) * با دقت بر روی دیاگرام بخوبی علت رسوخ عناصر ساواک در داخل این سازمانها یا علت سو رفتن آنها مشخص می‌شود که در واقع نه از طریق یک عنصر ساواکی ، بلکه از طریق یک سازمان ظاهرا سیاسی ، بداخل گروهها نفوذ می‌شده است .

راجع به گروه‌هایی که در دیاگرام آمده است

۱- گروه جزئی

این گروه از طریق نفوذ ناصر آقایان از عناصر قدیم حزب توده در یکی از شاخه های گروه لو میرود . یکی از افراد گروه بنام "سورکی" با ناصر آقایان تماس داشت که با تعقیب او، او و بیژن جزئی را سر قرار دستگیر میکنند . بعد از دستگیری چند نفره عده‌ای از افراد گروه مخفی شدند . "ظریفی" با عباس شهریاری از "تشکیلات تهران" تماس داشت و با اینکه گروه باو بدبین بود ، بعد از دستگیرها برای خارج شدن از کشور باو مراجعه میکنند (بقسمت تاریخچه و دستگیری گروهها در کتاب پلیس سیاسی ایران از انتشارات این سازمان مراجعه کنید) .

عباس شهریاری (همان اسلامی معروف) رفقای شهید، صفاری
آشتیانی و صفائی فراهانی را که وابسته به گروه جزئی بودند از مرز
خارج میکند تا بعراق رفته و از آنجا به جنبش فلسطین بپیوندند .
مطابق يك توطئه ماهرانه از طرف ساواک و تشکیلات تهران ، اینسد و
رفیق میبایست پس از رسیدن بعراق نامه سلامتی بتهران فرستاده و
سه رفیق دیگر یعنی سعید مشعوف کلانتری ، مجید کیانسیزاد و
چوپانزاده حرکت کنند . بدین طریق ساواک دام مناسبی برای دستگیری
این سه نفر پهن میکند . ساواک برای سعید کلانتری اهمیت زیادی
قائل بود و محور کارش را دستگیری او قرار داده بود و امید داشت
که بعدا صفائی و صفاری را دستگیر کند . البته هدفهای دیگری هم
ممکن است در این کار مورد نظر بوده باشد مانند نفوذ در سازمانها و
گروههای سیاسی ایرانی که در خارج از کشور فعالیت میکنند . در هر
حال ایندو مبارز ، بدون توجه باین نقشه بفلسطین رفته و بنهضت
مقاومت میپیوندند و بعدها بطور مخفی بایران باز میگردند .

از این گروه حمید اشرف و رفقای شهید اسکندر صادقی نژاد و
نفور حسن پور لو نرفته بودند و ظریفی که با هشپاری و مقاومت خود
این افراد را از لو رفتن حفظ کرده بود ، بعدا از داخل زندان از
ظریف شخص دیگری امکانات لو نرفته گروه را به حسن پور تحویل
میدهد .

این گروه در حالیکه میخواست افرادش را از طریق عراق به فلسطین بفرستد، لورفت، شش نفر از آنها بعراق رفتند از جمله حسین ریاحی، و بقیه نفرات آن دستگیر شدند. از شش نفر فوق نجف زاده بایران مراجعت کرد و پس از مدتی باتفاق دو نفر دیگر ضمن صادره بانک صادرات شعبه عباس آباد دستگیر شده و تاکنون با احتمال زیاد زیر شکنجه بشهادت رسید ما است.

با توجه بارتباطی که ذیلا گفته میشود، لورفتن و دستگیری افراد این گروه نیز نمیتواند اتفاقی و بلا مقدمه باشد. امکان نفوذ ساواک در این گروه بسیار زیاد بود، کما اینکه درست در حساسترین موقع همه آنها را دستگیر ساخت (بقسمت تاریخچه و دستگیری گروهها از کتاب پلیس سیاسی مراجعه کنید). این گروه از طریق ارتباط احمد صبوری، معروف باحمد مائو، که فردی خود نما بود و در آخر خائن از آب درآمد، با فریدون ستارزاده (پسر ستارزاده، رهبر خائن ساکا) که هر دو دانشجوی فیزیک دانشگاه علم بودند، به ساکا مربوط میشده است. از طرفی از طریق ارتباط با خارج و یکی د نفری که در عراق داشتند، به تشکیلات تهران نیز وصل میشده اند.

همینطور پاکتژاد و رحیم خانی (وابسته بگروه فلسطین) با هیبت غفاری آشنا و همشهری بوده و دارای برخی روابط سیاسی نیز بود مانند غفاری نیز از طریق آشنائی با مهد یزاده و ۰۰۰ در ارتباط با گروه

ستاره سرخ قرار میگرفته است. بدین ترتیب گروه فلسطین از سه طرف با ساکا، تشکیلات تهران و ستاره سرخ در ارتباط بوده است. لازم بتذکر است که مطابق اطلاعات موجود، اول بار دفلیات پاکسژاد توسط گروه جریان چاپ و پخش شده است.

۳- ستاره سرخ

این گروه خود عمدتاً به سه گروه یا سه محفل نیمه مجزا تقسیم میشد. گروه شیراز ستاره سرخ که تقریباً از همه اصلیتربودند و در کل زیر نظر فردی بنام ابراهیم زاده که پزشک بود، اداره میشد. ثقل دو محفل دیگر در تهران بود که یکی زیر نظر علیرضا شکوهی قرار داشت (وی در ساواک زیر شکجه مقاومت قابل توجهی نشان داد) و دیگری زیر نظر صمد بالائی و احمد قوامی، که این دو در زیر شکجه و بازجویی ضعف شدیدی از خود نشان دادند بطوریکه احمد در دستگیری افراد گروه عملاً به همکاری با ساواک پرداخت. فرج سرکوهی (اهل شیراز) دانشجوی دانشکده علم اجتماعی تبریز، فرد دیگری از همین گروه است که با در اختیار گذاشتن تمام اطلاعاتش عملدر خدمت ساواک قرار گرفت. اطلاعات او قبلاً بسیار زیاد بود و بهمین دلیل بسیاری از افراد را توانسته بود بشناسد. او در دادگاه پس دفاع از نظرات سیاسی خود، خواست این ضعف را جبران کند. باین سبب محکوم به ۱۵ سال زندان شد.

افراد دیگر گروه ستاره سرخ عبارت بودند از مهد یزاده، اسمعیل

عابدینی ، حسین عزتی کمرهای ، محمد احمدیان ، حسین هاشمی ،
عماد رضوی ، حسین سحرخیز . افراد این گروه توسط ارتبساط
عبدالله قوامی با مهندس پیروزی (پیروزی از اعضای قدیم حزب توده
است که تاکنون چندین بار با اتهام فعالیت بنفع این حزب بازداشت
شده است و عبدالله قوامی اولین مطالعات سیاسی و مارکسیستی
خود را با راهنمایی این فرد انجام داده بود) به تشکیلات تهران
و توسط فرج سرکوهی با بیژن چهارازی بجریان و همانطور که گفته شد
بگروه فلسطین مرتبط بوده است . فدائی شهید مهدی اسحاقی که
در جریان سیاهکل کشته میشود ، قبلا جزو گروه شیراز ستاره سرخ
بود . ارتباط فرج سرکوهی با گروه جریان از طریق ارتباط علی اماسکی
(وابسته به ستاره سرخ) و با علی عسکر اولادی (وابسته به جریان) و
از آنجا به بیژن چهارازی صورت گرفته است .

باید توجه داشت که علی عسکر اولادی و علی اماسکی هر دو
وابسته بگروه حسین رضانی بودند که در سال ۴۶ این گروه لومیرود
و هویت سیاسی هر سه نفر مشکوک است و اعتماد کافی بآنها نیست .
۴- گروه دامغانی

این گروه توسط خود دامغانی بگروه جریان و توسط بهروز راد به
جاما و جبهه ملی مربوط بوده است . دامغانی از ابتدا اغـصـری
ضعیف و سازشکار بود ، بطوریکه در همان دادگاه اظهارندامت
کرده و برای همکاری تمایل نشان میدهد . اما ساواک که نقشه دراز

مدتی برای مقابله با جنبش داشت ، این مهره را برای موقع دیگری نگاه داشت که بالاخره او را در فروردین ۵۱ در پشت دوربین خیانت نشانند .

۵- جبهه ملی

توسط راد به گروه دامغانی و از آنجا توسط خود دامغانی به جریان مربوط بوده است .

۶- جامعه سوسیالیستها

این گروه که افرادی مانند خلیل ملکی و حسین سرشار در آن فعالیت میکردند ، به "جریان" مربوط بوده است .

همانطور که از روی دیاگرام معلوم میشود ، بعلمت اینکه سازمانهای مادر (سازمانهای پلیسی رخن کننده) عمدتاً از بقایای حزب توده بوده و خود را مارکسیست معرفی مینمودند ، بیشتر توانسته اند سازمانها و گروههایی را که دارای تفکرات مارکسیستی هستند مورد شناسائی و تهاجم قرار دهند ، بطوریکه مثلاً نهضت آزادی علی‌رغم فعالیت نیمه علنی اش ، مورد شناسائی کامل ساواک قرار نگرفته و بسیاری از اعضای آن شناخته نشده بودند و یا اینکه سازمان مجاهدین خلق ایران ، بدلیل ویژگی ایدئولوژیکی اش (مذهبی بودن) خیلی دیر (بعد از ۶ سال کار) و آنهم وقتی با یک عنصر خود فروخته حزب توده تماس گرفت ، مورد شناسائی ساواک قرار گرفت . توجه بکروکی نشان میدهد که هر گروه یا سازمانیکه ارتباطات

کمتر و محدودتری با سازمانهای مادر داشته است، و دیرتر و سطحی‌تر در معرض شناسائی پلیس قرار گرفته (این سازمانها یا گروهها در حاشیه مرکزی کروکی قرار گرفته اند مانند جاما، چریکهای فدائی خلق - شهر و کوم - مجاهدین) و از اصالت بیشتری برخوردار بوده اند.

بایک نگاه کلی بکروکی بخوبی روشن میشود که گروههای روشنفکری ۲۰ سال اخیر چگونه در معرض شناسائی و رسوخ و نفوذ سازمانهای سیاسی وابسته بساواک بوده اند و علت بسیاری از لورفتهای ناگهانی بخوبی معلوم میشود. مثلا در مورد رفقای فدائی خلق گزارشاتى که از فدائی شهید پویان توسط بهروز صنعی (از افراد پائین و صادق ساکا) بمسئولین ساکا میداد و از این طریق رهبری ساکا در معرض بعضی فعالیتها و خصوصیات فکری فدائی شهید (و همچنین فدائی شهید گلوی) بوده است، با توجه باینکه مطابق اطلاعاتیکه در دست است، در همان اواخرى که رفیق پویان مخفی شد، مدتی غیر محسوس از طرف ساواک در محل کارش (موسسه تحقیقات اجتماعی) تحت نظر بود، معلوم میشود که این گزارشات مستقیما در ساواک منعکس میشده است. همینطور رفیق شهید حسن پرواز طرق مختلف با شبکه های ساکا در ارتباط بوده از جمله از طریق محمود نوابخش (از جنساح چپ ساکا که بعدا انشعاب کرد) (۱) و یا مثلا در مورد گروه فلسطین

۱- محمود نوابخش (برادر محمود)، فردوسی (نوشیروان پسر)،

ستاره سرخ ارتباطات متعددی آنها را بهم و همچنین به شبکه‌های حزب توده (تشکیلات تهران) و گروه جریان وصل میکرده است. گروه ستاره سرخ نیز از طریق مهدی اسحاقی با سیاه‌کفل در ارتباط بوده است. البته این ارتباط یکطرفه بود، یعنی مهدی اسحاقی از شاخه شیراز ستاره سرخ (شاخه دکتر ابراهیم زاده) جدا شده بشاخه جنگل میپیوندد.

باید توجه داشت که این طرح کاملاً ناقص بوده و از جهات گوناگونی باید تصحیح و تکمیل شود،

اولاً - گروهها و سازمانهایی که عنوان شد، عمده ترین و بزرگترین گروههایی بوده اند که در این پند سال شناخته شده اند و الا شاید بیش از ۵۰ گروه کوچک و سیاسی که فعلاً با افراد و نام آنها دسترسی نیست از همین طریق بدام پلیس افتاد مانند: برای مثال د و گروهی که در سال ۴۶ لورفته اند یکی بنام گروه ظاهرآمادگی - حسین رضایی که بعداً یکی از افراد آن بنام علی‌عسکر اولادی در رابطه با گروه جریان در سال ۵۰ دستگیر شد. گروه دیگری که از چندین محصل، کارگر، بازاری و گویا یک یا دو دانشجو تشکیل شده بود (حدود ۲۰ نفر) که همگی با رسوخ یکی از عناصر پلیس بدام افتادند. کار عمده


شافع (که در ارتباط با شهید حسن پورپود) هر سه در یک خانه زندگی میکردند. بعداً با گرفتن شافع این خانه همراه با مقداری مدارک و وسائل شناسائی کرده و ۰۰۰ لو میروند.

آنها پخش اعلامیه درباره مخالفت با نایب السلطنه شدن فوج در
عاشورای ۴۶ بود. افراد این گروهها عموماً بدلیل ضعف سیاسی و
ایدئولوژیک یا از کارکنان گرفته اند و یا بنحوی در خدمت رژیم قرار
گرفتند. تنها معدودی از آنها بودند که توانستند علیرغم سختی
شرایط بکارمبارزاتی خود متعهدانه ادامه دهند.

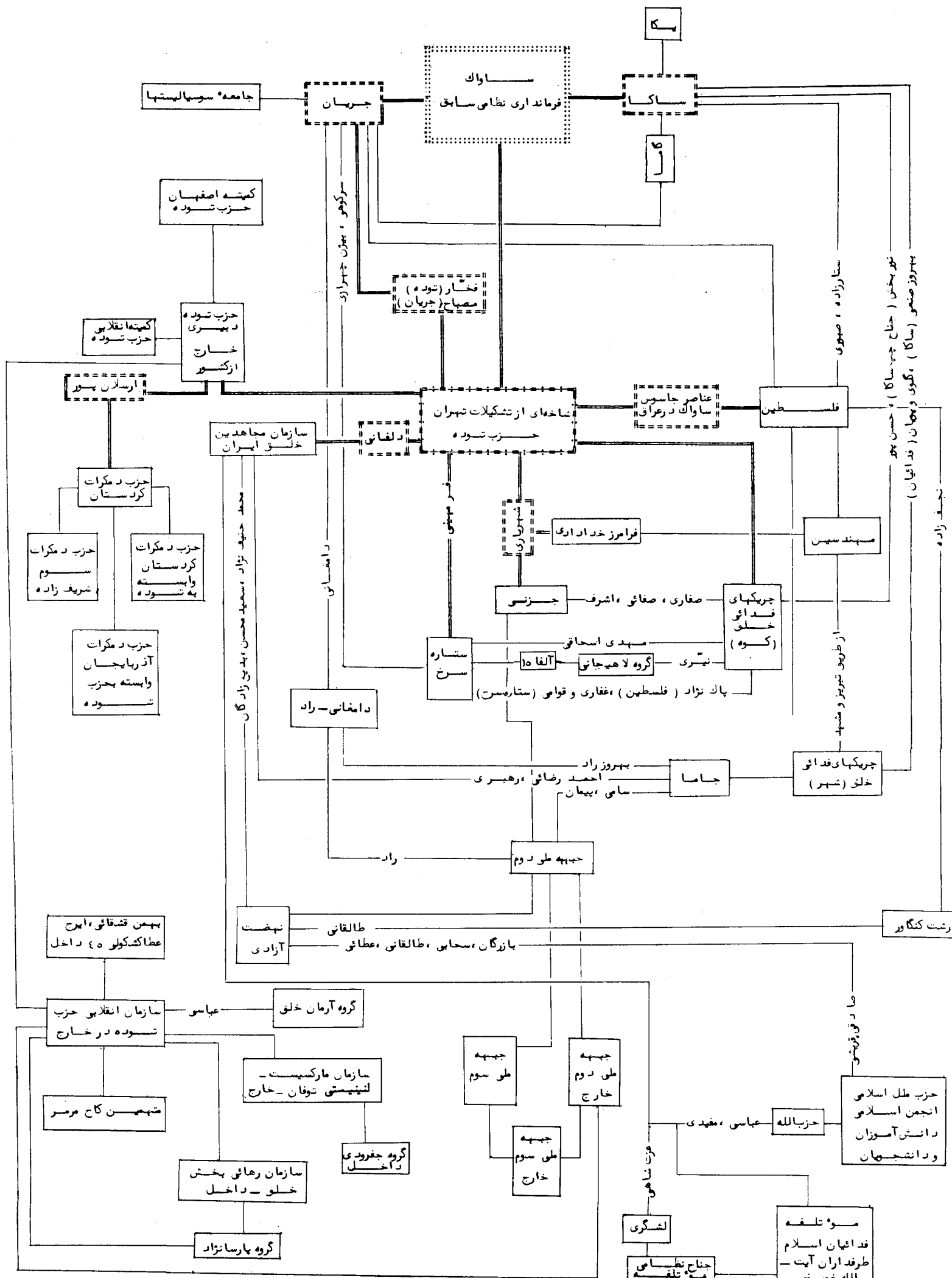
ثانیاً - با توجه بطرحهای درازمدتی که ساواک برای کشف و سرکوبی
سازمانهای سیاسی مخفی در طی ۲۰ سال اجرا کرده است، بسیار
محتمل است که در مورد سازمانهای مسلح نیز طرحهای درازمدتی
شبه آنچه گفته شد، داشته باشد. خائتینی چون احمد رضا کریمی
و گروههای ظاهراً مسلحی که در اصل وابسته بساواک باشند میتوانند
خمیرمایه های این طرح باشند. در هر حال وظیفه انقلابیون است که
با هوشیاری کامل در کشف، افشا و نقش بر آب کردن طرحهای
ضد انقلابی ساواک کوشش نمایند.

Organising and Tactics

A Publication of

Organisation of Mojahedeen of the People  of Iran

Summer 1974



جامعه سوسیالیستها

جرمان

سازمان

فرمانداری نظامی سابق

ساک

کام

کمیته اصفهان حزب توده

کمیته انقلابی حزب توده

حزب توده

ارژکسور

فخار (توده) مصباح (جرمان)

شاخه‌های از تشکلات تهران حزب توده

عناصر جاسوس ساواک در عراق

فلسطین

سازمان مجاهدين خلق ايران

دلگانی

سپه پاسدار

فرامرز خداداری

مهندسين

حزب دمکرات کردستان

حزب دمکرات واپسته

مجلس شورای اسلامی

حزب دمکرات سوم

حزب دمکرات شریف زاده

حزب دمکرات آزادیگان واپسته

جزئی

چریکهای فدائی خلق (گروه)

ستاره

گروه لاهيجانی

چریکهای فدائی خلق (شهر)

دایماتی - راد

سرخ

پاک نژاد (فلسطین) وغفاری و قوامی (ستارمسخ)

جماسا

بهرروز راد، احمد رضائی، رهبری، سامی، پیمان

جبهه طو دوم

رشت کنگاور

نهضت آزادی

طالقانی، طالقانی، عطائی، بازرگان، سعایی

حزب ملل اسلامی، انجمن اسلامی دانش آموزان و دانشجوها

بهمین قشقائی، امیر، عطاکشکولوی، داخل

سازمان انقلابی حزب توده در خارج

گروه آرمان خلق

سازمان مارکسیست - لنینیستی توپان - خارج

جبهه طو سوم

جبهه طو دوم خارج

حزب الله، عباسی، مفیدی

مؤتلفه فدائیان اسلام طرفداران آیت الله خمینی

سازمان رهائی بخش خلق - داخل

گروه جعفرودی داخل

جبهه طو سوم خارج

لشکری

جناح نظامی مؤتلفه

گروه پارسانژاد

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر